



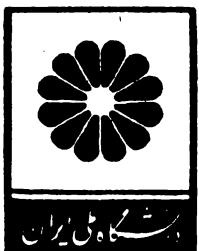
انتشارات دانشگاه ملی ایران
«۱۶۹»

روش تحقیق در تاریخ نگاری

تألیف:

دکتر جهانگیر قائم مقامی

۱۳۵۸



افشارات دانشگاه ملی ایران
« ۱۶۹ »

روش تحقیق در تاریخ فگاری

تألیف:

دکتر جهانگیر قائم مقامی

فلاطنامه

خواهشمند است لغزش‌های زیر را تصحیح فرمائید:

صفحه ۲۵ سه سطر آخر را حذف کنید.

۴۶ در سطر ۱۴ عبارت «شناخت مقتضیات.... را نا آخر سطر حذف کنید.

۱۰۴ » دو سطر آخر را حذف کنید.

۱۱۱ » بالای جدول بنویسید: جدول ۶

۱۱۵ » » » جدول ۷

۱۲۹ » » » جدول ۹

۱۳۱ » » » جدول ۸

روش علمی، مبنای کلیه تحقیقات خوب و معتبر است
و مندرجات این رساله برای راهنمائی تحقیقات
تاریخ نگاری به روشنی تدوین شده است

فهرست مندراجات

صفحه	عنوان
۳-۱	پیشگفتار
۸-۴	تعاریف و اصطلاحات
۹	مراحل پژوهش در تاریخ نگاری
۱۲-۱۰	انتخاب موضوع و عنوان پژوهش
۱۸-۱۳	طرح مقدماتی تحقیق
۲۶-۱۹	گردآوری اطلاعات و مواد تحقیق
۲۹-۲۸	تصفیه
۳۲-۳۰	تعیین مساهه در پژوهش
۴۶-۳۳	تحلیل
۴۷	تهیه طرح نهائی
۷۰-۴۸	تألیف و نگارش
۷۲-۷۱	توصیه‌ها
۷۴-۷۳	نتیجه
۱۳۲-۷۵	ضمیمه‌ها
۸۲-۷۶	ضمیمه ۱ - منابع تاریخ‌نویسی
۹۷-۸۸	ضمیمه ۲ - تأثیر تاریخ در روابط ملت‌ها
۱۳۱-۹۸	ضمیمه ۳ - تبدیل تقویم‌های مختلف به یکدیگر
-۱۳۳	فهرست‌ها
۱۳۷-۱۳۵	فهرست مأخذ و منابع
۱۴۴-۱۳۹	فهرست عجمی اعلام

پیشگفتار

در طی چند سالی که مؤلف با دانشجویان رشته تاریخ دانشگاهها سروکار دارد، همیشه به این نکته برخورده است که دانشجویان برای انجام تکالیف سالیانه و تدوین پایان نامه‌های تحصیلی خود، به‌سبب اینکه باروش اصولی و اصول تحقیق تاریخ نگاری آشنائی کافی ندارند بادشواریها و مشکلاتی روبرو هستند و وجود این مشکلات موجب می‌شود حاصل تلاشها و کارایشان به صورت یک تحقیق علمی و دانشگاهی عرضه نشود.

از تأمل در این وضع، شاید بتوان عامل اصلی وجود آن مشکلات را بودن کتاب و رساله‌ای مستقل درباره روش تحقیق تاریخ نگاری و فقدان هماهنگی میان محتواهای جزوای و پلی کپی‌های تدریسی دانست. البته رسالات متعددی هم به‌فارسی در مورد روش کلی تحقیق به‌چاپ رسیده که از آن جمله چند رساله و کتاب زیر را می‌توان نام برد:

آئین نگارش تاریخ تأثیف استاد فقید رشید یاسمنی.

روش تحقیق تأثیف عباسقلی خواجه نوری

روش تحقیق مؤلف نامعلوم، از انتشارات دانشگاه پدافند ملی

(به صورت پلی کپی)

تحقيق پایان نامه نویسی	مؤلف و مترجم نامعلوم، از انتشارات دانشگاه پدافند ملی (به صورت پلی کپی)
بررسی ستادی	مؤلف نامعلوم، از انتشارات دانشگاه پدافند ملی (به صورت پلی کپی)
مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم اجتماعی	تألیف دکتر بهروز نبوی
روشهای جامعه شناسی	تألیف دکتر جمشید مرتضوی
آئین نگارش ارزیابی	تألیف خسرو صادقی
ولی با امعان نظر در این تألیفات دیده می‌شود جز رساله تألفی استاد فقید رشید یاسمی که در مورد نگارش تاریخ است، بقیه کلا برای محققان و دانشجویان علوم تجربی و جامعه شناسی تألف شده و فقط در مورد مبادی روش تحقیق که میان دو رشته تاریخ و علوم اجتماعی مشترک است، مطالبی چند در آنها می‌توان یافت که به کار تحقیق تاریخ نگاری می‌آید.	ولی با امعان نظر در این تألیفات دیده می‌شود جز رساله تألفی استاد فقید رشید یاسمی که در مورد نگارش تاریخ است، بقیه کلا برای محققان و دانشجویان علوم تجربی و جامعه شناسی تألف شده و فقط در مورد مبادی روش تحقیق که میان دو رشته تاریخ و علوم اجتماعی مشترک است، مطالبی چند در آنها می‌توان یافت که به کار تحقیق تاریخ نگاری می‌آید.
در مورد رساله تألفی استاد فقید رشید یاسمی هم که خطابه مشارالله (سال ۱۳۱۶ شمسی) در مؤسسه وعظ و خطابه بوده باید دانست با تمام محاسن و اعتبار آن، خاصه که نخستین رساله در مورد روش تاریخ نگاری است، محتوای آن چندان جوابگوی تاریخ نگاری جدید نمی‌باشد.	در مورد رساله تألفی استاد فقید رشید یاسمی هم که خطابه مشارالله (سال ۱۳۱۶ شمسی) در مؤسسه وعظ و خطابه بوده باید دانست با تمام محاسن و اعتبار آن، خاصه که نخستین رساله در مورد روش تاریخ نگاری است، محتوای آن چندان جوابگوی تاریخ نگاری جدید نمی‌باشد.
بنابراین با اذعان به شعی مشکور مؤلفان و نویسنده‌گان این رسالات و کتابها، معهذا لزوم تدوین رساله و کتابی در این زمینه که بتواند روش علمی و اصول تاریخ نگاری جدید را معرفی نماید به خوبی محسوس می‌باشد و تدوین این رساله به همین ملاحظات و به همین نظر بوده است.	بنابراین با اذنان به شعی مشکور مؤلفان و نویسنده‌گان این رسالات و کتابها، معهذا لزوم تدوین رساله و کتابی در این زمینه که بتواند روش علمی و اصول تاریخ نگاری جدید را معرفی نماید به خوبی محسوس می‌باشد و تدوین این رساله به همین ملاحظات و به همین نظر بوده است.
اما از ذکر این نکته نیز نباید گذشت که مؤلف به هیچوجه ادعا ندارد رساله حاضر کتابی جامع و بی نقص است بلکه می‌توان گفت تا کتاب جامع و مبسوطتری در این زمینه تدوین و فراهم نشده، امید است این رساله مختصر با همه نقایصش	اما از ذکر این نکته نیز نباید گذشت که مؤلف به هیچوجه ادعا ندارد رساله حاضر کتابی جامع و بی نقص است بلکه می‌توان گفت تا کتاب جامع و مبسوطتری در این زمینه تدوین و فراهم نشده، امید است این رساله مختصر با همه نقایصش

بتواند برای دانشجویان رشته تاریخ دانشگاهها و آنهاei که قصد تدوین کتاب و رسالهای مستقل در زمینه‌های تاریخی دارند راهنمای شناخت روش علمی و اصول تاریخ نگاری باشد.

دکتر جهانگیر قائم مقامی

۱۳۵۶ ۲۸

تعاریف و اصطلاحات

پژوهش

پژوهش، در مفهوم کلی، یعنی شناخت حقایق موضوعات، و مسائلی که بشر در زندگی خود با آنها روبروست و چون مسائل و موضوعها ممکن است مربوط به گذشته یا حال و یا آینده بشر باشد، بالطبع پژوهش نیز سه حالت متمایز خواهد داشت.

حالت اول، پژوهش تاریخیست که مربوط به مسائل گذشته می‌شود و حاصل آن به صورت مقالات، رسالات و تاریخها عرضه می‌شود.

حالت دوم، گزارش و شرح کمی و کیفی مسائلی است که بشر در زمان حال با آنها سروکار دارد و نتیجه‌ای که از این بررسی بدست می‌آید، تحت عنوان گزارش امکان می‌دهد نقایص و نارسانی‌هایی را که در آن مسأله وجود دارد بتوان شناخت و به رفع و به تکمیل نقایص آن پرداخت.

وبالآخره حالت سوم که مربوط به آینده است، برنامه ریزی نامه می‌شود و شامل طرحهایی است مبنی بر بهسازی، شؤون گوناگون زندگی اجتماع در آینده.

تاریخ

از مقایسه کیفی سه حالت پژوهش استنباط می‌شود، تحقیق درباره مسائل

گذشته جهان یعنی شناخت محدوده زمین و آنچه در آن است به همان صورت که در قرون واعصار پیش بوده است . در این تحقیق باید سیر تحولات آن مسائل و علل وقوع هریک از تحولات و روابط آنها با دیگر مسائل و رویدادها به نحوی که عوامل زمان و مکان در مورد هریک از آن مسائل و تحولات در نظر گرفته شود ، مورد توجه قرار گیرد و سرانجام یک استنتاج منطقی از مجموع بررسی ها به عمل آید .

به توصیف و بیان مجموع این بررسی ها و تحقیقات ، تاریخ به مفهوم جامع و اعم گفته می شود و بدین صورت یک پژوهش تاریخی دارای اعتبار و ارزش علمی خواهد بود . اما چون در این قلمرو وسیع ، مسائل مورد تحقیق از نظر کیفیت و کمیت متنوع است ، از طرفی هم به سبب گسترش تدریجی و تکامل آنها ، هریک از انواع مزبور امروز خود به صورت دانشی مستقل و بانامی خاص در آمده است ، تاریخ نیز دارای رشته ها و شقوق متعددی شده است و از آن میان به بحثی که به تحقیق و شناخت واقع و رویدادهای جهان و آنچه در قرون واعصار گذشته بر سرانسان ها گذشته است می پردازد ، تاریخ به مفهوم و معنی اخص و متداول ، اطلاق می گردد .

محقق و مورخ

در عرف تاریخ نگاری برای آنها که به کار نگارش و مسائل تاریخی می پردازند مراتبی قائل شده اند که برخی آن را سه درجه و بعضی چهار درجه ، بدین ترتیب دانسته اند :

الف - واقایع نگار /

و قایع نگار کسی است که آنچه را دیده و شنیده است بر روی صفحات کاغذ می آورد و نوشته های او باید موافق میل ومصلحت کسی باشد که تاریخ را به نام او و یا به دستور و به خاطراو می نویسد . و قایع نگاران به صفت و سقم مطالب و درستی و اصالت آن توجهی ندارند . ملاحظه کاری و قلب مطالب و اغراق گوئی در حاصل کار و قایع نگار بسیار است و تاریخ هائی که واقایع نگاران نوشته اند بیشتر شرح اعمال

و متأثر پادشاهان و امرا و وزرا و توصیف مجالس سور سرور و بیان جنگها وارد و - کشی هاست که در آنها همیشه راه غلو و مبالغه و مداهنه در پیش داشته اند. چنانکه اگر مددوح آنها در جنگ فاتح می شد، نویسنده داد قلم می داد و اگر شکست می یافت، آن را فقط «چشم زخمی» می خواندند. قتل عام شهر دهی را که در آن سی هزار تن به به قتل رسیدند، «نقش طرفه» و «فتنه عجیب» می دانستند که «دهر دون» آن نقش و فتنه را «ربخته و برانگیخته» بود^۱ و یا فصودقتل یک صدراعظم خدمتگزار امرگی طبیعی جلوه می دادند که براثر «تسلط ثقم و تغلب سقم»^۲ و یا به سبب «اقتحام خون» و ورم پای تافراز شکم^۳ در گذشته است، اکتفا می کرد. در کار و قایع نگار از تجزیه و تحلیل و قایع و تحقیق درباره علل و موجبات و قوی حوادث و اثرات آنها ذکر کمی می بینیم.

ب - محقق

محقق کسی است که به وقایع نگاری نمی پردازد، بلکه موضوعی را مورد تحقیق قرار می دهد و بامداده و بررسی دراسناد و مدارک مربوط به آن، آن موضوع را تحلیل و تجزیه و موشکافی می کند، گوشه های ناریکی از تاریخ را روشن می نماید و حقایق و علل و موجبات بروز حوادث را آنچنان که بوده و روی داده است مشخص می سازد.

حاصل کار یک محقق تاریخ، یک مقاله، یک رساله و یا یک کتاب در باره یک موضوع کوچک است.

ج - مورخ

مورخ از مطالعه کلیه اسناد و مدارک موجود و همچنین با استفاده از تحقیقات محققان، با چشم انداز و دید و سیعتری تاریخ یک قوم، یک کشور و در قلمرو

-
- ۱- میرزا مهدی خان استرآبادی : جهانگشای نادری، تصحیح سید عبداله انوار ص ۳۳۰
 - ۲- رضاقلی خان هدایت، روضة لصفای ناصری، چاپ سنگی، جلد نهم ، ص ۵۱۰
 - ۳- میرزا تقی لسان الملک : ناسخ التواریخ، کتاب قاجاریه ، تصحیح جهانگیر قائم - مقامی ، ج ۳ ، ص ۱۵۳

پهناورتری، تاریخ مدل جهان و تمدن‌های جهان را تاتفاقی بسیار دور بررسی و از حاصل کار خود کتاب و یا کتابها تصنیف می‌کند.

بنابراین مورخ باید با احاطه کامل به فلسفه‌های تاریخ و داشتن قوّه خلاقه و بررسی کامل کلیّه مدارک و اسناد مربوط به کار خود، اثری بدیع و گویا که خود حاوی فلسفه‌ای خاص باشد، به وجود آورد و بزرگ‌ترین خصیصه یک مورخ، بیطرف بودن اوست.

برخی از استادان در فاصله بین محقق و مورخ مرتبه دیگری نیز قائلند که تاریخ نویس است و دربارهٔ معرفی او می‌گویند: تاریخ نویس خود محقّقی است که با احاطه‌ای بیشتر از محقّق، تاریخ خود را دربارهٔ یک دوره و یک سلسله و موضوعی وسیعتر از موضوع مورد تحقیق یک محقّق می‌نویسد. اما باید دانست که این شخص نمی‌تواند فاقد شرایط یک مورخ باشد و محصول تلاش‌ها و بررسیهای او مشابه کار یک مورخ است جز اینکه توجه خود را در موضوع مورد پژوهش خویش به محدوده‌ای کوچک‌تر معطوف ساخته است و این وضع، او را از یک مورخ جدا نمی‌نماید.

بنابراین تاریخ نویس همان مورخ است و مورخ همان تاریخ نویس و هر مورخی خود محقّق است ولی محقّق مورخ نیست.

روش تحقیق

باتوجه به آنچه گفته شد، ارائه یک تاریخ یا یک رساله و یک مقاله تاریخی، خواه به‌وسیله یک مورخ و یا یک محقّق، مستلزم یک سلسله بررسی‌های علمی است که به اقتضای اقسام سه گسانه پژوهش، روش بررسی و پژوهش آن فرق می‌کند. به این معنی که روش تحقیق درباره مسائل مربوط به گذشته (تاریخ) با سائل مربوط به‌زمان حال (گزارش) یا مسائل مربوط به آینده (طرحهای برنامه‌ریزی) تفاوت بسیار دارد.

و اما به‌طوری که دیدیم پژوهش تاریخی باید دارای اعتبار و ارزش علمی

باشد و برای دست یافتن به این منظور غائی، یک محقق تاریخ یا یک مورخ از رعایت اصول و مقرراتی ناگزیر است که درسابق نویسنده‌گان تاریخ مراجعات نمی‌کردند. این اصول و مقررات خاص را روش تحقیق در تاریخ و یا روش تاریخ نگاری نامند و مادر این کتاب از چگونگی آن صحبت می‌کنیم.

مراحل پژوهش در تاریخ نگاری

در هر نوع پژوهش و از جمله در پژوهش‌های تاریخ نگاری نظم و مراحلی هست که بکار بردن و رعایت آن مراحل الزامیست. درباره تعداد مراحل پژوهش و نیز در اینکه ترتیب تقدم و تأخیر آنها چگونه است نظریه‌های متفاوتی ارائه شده است ولی اغلب این نظریه‌ها در عمل جوابگوی کاملی نیستند. نهایت اینکه با توجه به نظریه‌های مختلف و با در نظر گرفتن نتایج تجربی از تطبیق مراحل مزبور در عمل، یک پژوهش تاریخی را می‌توان شامل هشت مرحله مستقل، اساسی و پیاپی دانست.

- ۱- انتخاب موضوع و عنوان تحقیق.
 - ۲- تهیه طرح مقدماتی.
 - ۳- گردآوری مدارک و اطلاعات و مواد تحقیق.
 - ۴- تصفیه.
 - ۵- تعیین مسأله.
 - ۶- تحلیل اطلاعات.
 - ۷- تهیه طرح نهائی پژوهش.
 - ۸- تألیف و نگارش.
- و اینک شرح تفصیلی هر یک از مراحل مزبور :

۱- انتخاب موضوع و عنوان پژوهش

الف- انتخاب موضوع

انتخاب موضوع از اهم نکات در یک پژوهش تاریخی و اساسی ترین مراحل آن است زیرا امکان اجرای مراحل دیگر تحقیق بستگی تام با کیفیت موضوع دارد.

بر مبنای این اهمیت وجودی، موضوع باید دارای شرایط زیر باشد :

- * برای پژوهش مناسب و ازنظر عوامل خارجی و شخصی محقق امکان پذیر باشد.
- * برای تحقیق درباره آن، امکان دسترسی به اطلاعات و مدارک لازم باشد.
- * اهمیت موضوع در تازگی آن است و باید به نحوی باشد که در نتیجه تحقیق آن ، نکته‌ای تازه کشف و مطلب تاریک و مبهمی روشن شود و یا اطلاعات و آگاهی‌های موجود را بتوان تصحیح کرد، زیرا در غیر این حالات ، پژوهش در باره آن موضوع ، تکرار تحقیقات سابق و یا مواردی از تحقیقات قبلی خواهد بود.
- * توجه به زمان و هزینه‌ای که برای انجام پژوهش لازم است در انتخاب موضوع حائز اهمیت می‌باشد.
- * علاوه بر این ضوابط ، توجه به این نکته لازم است که موضوع باید کلی و

و یاقلمرو پژوهش آن بسیار وسیع باشد. مثلاً انتخاب موضوعی تحت عنوان کلی «تاریخ روابط ایران و انگلستان» (و یا) «تاریخ مناسبات ایران با دولتهای خارجی» منطقی نیست، زیرا موضوع نخست، خود شامل مباحث دیگری مثل روابط سیاسی، روابط اقتصادی، روابط فرهنگی، روابط هنری، روابط نظامی و روابط بازار گانی است و موضوع دوم مشتمل بر تاریخ مناسبات ایران با دولتهای بسیاری می‌باشد که هر یک رانیز می‌توان به بخش‌های کوچکتری تقسیم کرد و یکایک این اجزا و مباحث خود مستلزم تحقیقات بسیطی هستند. بنابراین چون پژوهش‌هایی که درباره موضوع‌های وسیع صورت گیرند، ساله‌ابررسی و تحقیق و کار می‌خواهند، غالباً به پایان نتیجه نمی‌رسند و اگرهم به پایان بر سند به ندرت، کاری اساسی و قاطع خواهند بود.

بدین جهات، محقق هر اندازه می‌تواند، باید قلمرو پژوهش خود را تنگتر کند تاهم فرصت بیشتر برای تعمق و تحلیل مطالب داشته باشد. وهم کار او به پایان و به نتیجه مطلوب و قاطع بر سد. مثلاً اگر محققی در نظردارد درباره تاریخ بازار گانی خارجی ایران تحقیق کند اصلاح آن است که موضوع را به بررسی مناسبات بازار گاتی بایک کشور، یا به یک نوع کالای بازار گانی با چند کشور و یا بازار گانی به طور اعم با همه کشورها ولی در یک محدوده زمانی مثل تجارت خارجی ایران در دوره صفوی محدود نماید و چنانچه می‌خواهد موضوع منظور او در تمام ادوار مورد تحقیق قرار گیرد بهتر است یک نکته و یک مسئله را در طول ادوار مختلف در نظر بگیرد مثلاً در مبحث روابط ایران و انگلستان موضوع «نقش نمایندگان سیاسی انگلیس در ایران و یا از روابط اقتصادی ایران و فرانسه «بررسی حقوق گمرکی» را مورد پژوهش قرار دهد.

بدین ترتیب در پژوهش‌های تاریخی دو گونه پژوهش می‌توان قائل شد:

پژوهش استاتیک Statique و پژوهش دینامیک که به طور خلاصه پژوهش اسپایتیک، تحقیق درباره یک موضوع و یا چند موضوع در یک محدوده کوچک و مقطع زمان مثل «روابط نظامی ایران و فرانسه در دوره قاجار» و یا «تجارت خارجی ایران در دوره

زندیه است و پژوهش دینامیک، تحقیق درخصوص یک موضوع یا چند موضوع در تمام دوره‌ها و یا چند دوره‌های تاریخ می‌باشد مثل «نقش نمایندگان سیاسی انگلیس در ایران» که دروه‌های صفوی، افشاری، زندی و قاجاریه و زمان حاضر را شامل می‌شود و یا تاریخچه ارتش ایران که از اندکی پیش از ماده‌آغاز گردیده است.

ب - انتخاب عنوان و نام تحقیق

در انتخاب عنوان برای یک اثر تحقیقی، خواه از آغاز شروع به تحقیق و خواه در پایان کار، دقت بسیار باید داشت و آن باید حائز شرایطی باشد:

۱- مشخص و تعیین کننده مفهوم کلی محتوای پژوهش و مناسب با موضوع آن باشد.

۲- کوتاه و ساده باشد.

۳- عقیده و نظریه ثابت و قاطعی را اعلام نکند.

در مورد این شرط اخیر توضیحی لازم است بدین شرح که اگر عنوان و نام مقاله یا رساله و یا کتابی معرف عقیده و نظریه‌ای باشد حاکی از آن است که محقق با پیش‌داوری به تأثیف مقاله و کتاب خود پرداخته است.

مثال:

اگر عنوان یک اثر تحقیقی «عمل انحطاط ایران در دوره ساسانیان» و یا «شاه عباس بزرگترین پادشاهان ایران» باشد به خوبی معلوم می‌شود محقق و مؤلف وجود انحطاط در دوره ساسانیان و بزرگترین بودن شاه عباس را قبول داشته و برای اثبات این نظر و عقیده خود مدارک و مواد لازم را فراهم نموده است. ولی اگر عنوان آنها «تحقیقی درباره انحطاط دوره ساسانیان» و یا «شاه عباس» باشد، نشان می‌دهد محقق نظر و عقیده قاطعی درباره موضوع نداشته و اتخاذ نظر را مذکول به پایان تحقیقات خود کرده است.

۲- طرح مقدماتی تحقیق

پس از اینکه موضوع مورد پژوهش و عنوان آن انتخاب شد، طرح مقدماتی تحقیق را باید تهیه کرد. در پژوهش‌های تاریخی، طرح مقدماتی در واقع فهرستی است از مطالبی که درباره آنها باید صحبت شود و این کار مستلزم تقسیم موضوع به مباحث کوچکتر و تنظیم آن مباحث به صورت ابواب و بخشها و فصول چند است که به سبب همان ابتدائی بودن طرح، در حین پژوهش خواه ناخواه تغییراتی در آنها داده می‌شود ولی بهر حال این طرح محقق را راهنمایی می‌کند که برای تحقیق آراسته‌ای که در نظر دارد به چه نکات دیگر باید توجه داشت و توجه به چه مطالبی زائد است.

طرح مقدماتی، محقق را قادر می‌سازد به پرسش‌های بسیاری که درباره موضوع مورد پژوهش در ذهن خود دارد جواب بدهد.

بنابر این، آنچه از یک طرح مقدماتی به دست می‌آید، حدود منطقی است که به پژوهش می‌توان داد و نیز آشنایی و وقوفی است که محقق بر امکانات زمانی و منابع و به شرایط دیگر مثل شرایط اجتماعی و سیاسی خواهد یافت، به این معنی که محقق خواهد شناخت زمان لازم برای پژوهش در چه حدود است، چه منابعی برای کار لازم دارد و آیا امكان دسترسی به آن منابع هست یا نیست و همچنین

خواهد دانست آیا مقتضیات وقت از قبیل شرایط سیاسی و محیط اجتماعی اجازه پژوهش درباره موضوع مورد نظر را می‌دهد یا نمی‌دهد.

بدین گونه محقق با طرح مقدماتی، حدود تلاش و انتظارات و امکان یا عدم امکان اجرای پژوهش خود را خواهد شناخت و در نتیجه از اتفاق وقت وتلاش زیاد و گمراهی و سرگردانی محقق جلوگیری به عمل می‌آید.

نهیه طرح مقدماتی کار دشواری نیست، زیرا محققی که موضوعی را برای تحقیق در نظر می‌گیرد، چون موضوع مزبور در قلمرو خاص مطالعات خود او است بالطبع از جواب موضوع بی‌اطلاع نیست، می‌تواند در همان بدوامرسایه روشنی از محتوای پژوهش خود را رسم کند.

برای روشن شدن این نکته، مثالی می‌آوریم:

فرض کنیم موضوع مورد بحث و پژوهش «مسئله هیرمند در روابط ایران و افغانستان» است. محقق تاریخ عصر قاجاری داند افغانستان کشوری است که یک‌صد و بیست سال پیش، از خاک ایران جدا شده است. رودخانه هیرمند از کوههای آن کشور سرچشمه می‌گیرد و پس از طی مسافتی در حدود یک‌هزار کیلومتر وارد خاک ایران می‌شود و در ایران پس از مشروب کردن قسمتی از اراضی سیستان به دریاچه هامون می‌ریزد. بنابراین به حکم سابقه چندین هزار ساله، حقی غیر قابل انکار و سلب نشدنی برای مردم سیستان و وظیفه و مسؤولیتی دشوار برای دولت ایران ایجاد نموده است. از طرفی، رودخانه هیرمند در اقتصاد کشور افغانستان نیز تأثیر مهم و فراوانی دارد و همین تضاد منافع موجب پدید آمدن مسئله هیرمند در روابط دو دولت شده است که تا یک‌صد و بیست سال پیش چنین مسئله‌ای وجود نداشت. بنابر این برای بررسی این موضوع، درباره سوابق تاریخی سیستان، هیرمند، مسئله آب سیستان، کشکش‌هائی که بین ایران و افغانستان بر سر تقسیم آب هیرمند به وجود آمده است، قراردادهایی که میان دولتين درباره مسئله مزبور منعقد شده و طرحهایی که طرفین برای بهره برداری از آب هیرمند دارند باید مطالبی گفته شود.

این خلاصه‌ای بود از پژوهش درباره موضوع مورد بحث که به بخشها و فصولی چند تقسیم می‌گردد و طرح مقدماتی پژوهش را مشخص و تعیین می‌کند. اما در طرح مقدماتی پژوهش همانگونه که یاد آور شدیم، در ضمن انجام سایر مراحل تحقیق خواه ناخواه تغییراتی پدید می‌آید و از این نظر می‌توان طرح مقدماتی پژوهش را به منزله قواره و قالبی دانست که محقق تاریخ تلاش خود رادر آن می‌ریزد و پیکره‌ای که از این قالب بیرون می‌آید نشان می‌دهد که قالب هنوز محتاج به دستکاری‌های دیگری خواهد بود.

افزون بر آنچه گفته شد، با توجه به فهرست مراحل پژوهش و از بررسی طرح مقدماتی نکته‌ای که توجه را به خود جلب می‌کند، موضوع زمان لازم برای اجرای مراحل مزبور است.

قدر مسلم این است که برآورد این زمان به دو عامل اصلی بستگی دارد :

الف - نوع موضوع و وسعت قلمرو پژوهش درباره آن.

ب - امکانات و محدودیت‌های محقق، شامل :

* وضع دسترسی به مدارک و منابع.

* فرصت ممکن برای مطالعه و تحقیق و آن به این مفهوم است که آیا محقق و کار اصلیش فقط مطالعه و بررسی و تحقیق است یا در حاشیه کار و شغل دیگری به تحقیق می‌پردازد.

* عوامل غیر قابل اجتناب مثل بیماری، ناراحتی‌های روحی و عاطفی گرفتاری‌های زندگی و روزمره، مسافت، موانع اجتماعی و سیاسی و ...

ولی با وجود این احوال، هر محقق، با وقوفی که بهوضع حال و احوال و ممکنات و تجربیات خود دارد و با درنظر گرفتن شرایط موضوع مورد پژوهش می‌تواند به طور کلی برای پژوهش خود و همچنین برای هر یک از مراحل آن زمان متوسطی تعیین کند و معمولاً این زمانها در شرایط متوسط برای یک کتاب ۲۰۰ الی ۳۰۰ صفحه‌ای و یا یک مقاله ۱۰ الی ۲۰ صفحه‌ای به شرح مندرج در

جدول شماره یک می باشد.

جدول شماره ۱ - جدول معیار پیشرفت پژوهش

مقاله		کتاب		زمان	مراحل پژوهش
حداکثر	حداقل	حداکثر	حداقل		
۲ روز	۱ روز	۵ روز	۲ روز	انتخاب موضوع و عنوان تحقیق	
» ۲	» ۱	» ۳	» ۲	تهیه طرح مقدماتی	
» ۵	» ۳	» ۲۰	» ۱۰	گردآوری <small>{ انتخاب مأخذ معتبر</small>	
۲۰ روز	۱۰ روز	۸ ماه	۵ ماه	اطلاعات <small>{ تجسس مواد و ثبت آنها</small>	
۵ روز	۳ روز	۲۵ روز	۱۵ روز	تصفیه	
» ۲	» ۱	» ۵	» ۳	تعیین مسأله	
» ۲۵	» ۱۵	۸ ماه	۴ ماه	تحلیل	
» ۱	» ۱	۲ روز	۱ روز	طرح نهائی	
» ۱۵	» ۱۰	۶ ماه	۴ ماه	نگارش و تألیف	
۷۷ روز	۴۵ روز	۲۴ ماه	۱۴ ماه	جمع زبان	
زمان					

توضیح : این ارقام که بر مبنای تحریر یک محقق ورزیده است تا ده درصد قابل کاهش و افزایش است و برای مبتدیان به دو برابر افزایش می یابد.

به محققان مبتدی توصیه می‌شود که به هنگام آغاز پژوهش جدول پیشرفت کار خود را برابر جداول شماره ۲ و ۳ تنظیم نمایند و به تدریج که تحقیقات خود را انجام می‌دهند با قید تاریخ شروع و خاتمه هر مرحله، آن را تکمیل کنند.

جدول شماره ۲ - جدول پیشرفت پژوهش (کتاب)

زمان معیار		زمان پژوهش			زمان	مراحل پژوهش
حداکثر	حداقل	جمع زمان صرف شده	تاریخ خاتمه	تاریخ شروع		
۵ روز	روز ۲				انتخاب موضوع و عنوان پژوهش	
» ۳	» ۲				تهیه طرح مقدماتی	
» ۲۰	» ۱۰				انتخاب مأخذ معتبر	گردآوری تجسس مواد و اطلاعات ثبت آنها
۸ ماه	ماه ۵				تجسس مواد و	
۲۵ روز	روز ۱۵				ثبت آنها	
» ۵	» ۳				تصفیه	
۸ ماه	ماه ۴				تعیین مسأله	
۲ روز	روز ۱				تحلیل	
۶ ماه	ماه ۴				طرح نهائی	
					نگارش و تألیف	
۲۴ ماه	ماه ۱۴				جمع زمان	

جدول شماره ۳ - جدول پیشرفت پژوهش (مقاله)

زمان معیار		زمان پژوهش			زمان مراحل پژوهش
حداکثر	حداقل	جيد زمان صرف شده	تاریخ خاتمه	تاریخ شروع	
۲ روز	۱ روز				انتخاب موضوع و عنوان پژوهش
» ۲	» ۱				تهیه طرح مقدماتی
» ۵	» ۳				انتخاب مأخذ معتبر گردآوری
» ۲۰	» ۱۰				تجسس مواد و اطلاعات ثبت آنها
» ۵	» ۳				تصفیه
» ۲	» ۱				تعیین مسأله
» ۲۵	» ۱۵				تحلیل
» ۱	» ۱				طرح نهائی
» ۱۵	» ۱۰				نگارش
۷۷ روز	۴۵ روز				جمع زمان

حسن و مزیت جداول مذبور این است که محقق در هر لحظه می‌تواند از مقایسه ستون‌های پیشرفت کار خود با ستون‌های جدول معیار، میزان تعجل، یا عقب‌افتدگی و یا تسامح خود را تشخیص داده به اصلاح آن بپردازد.

۳- گردآوری اطلاعات و مواد تحقیق

سومین مرحله در پژوهش، گردآوری اطلاعات و مواد تحقیق است که طرح کار، محقق را تحدودی دریافتن و جمع آوری آنها راهنمائی می‌کند. منابع و مأخذی که از آنها اطلاعات و مواد تحقیق تاریخ نگاری بدست می‌آید روزگاری منحصر به ذهنیات می‌بود و بعد از با صورت کتبی درآمد و امروز شامل انواع گوناگون است^۱ چنان‌که لوسین فبور مورخ فرانسوی Lucien Febvre (۱۸۷۸-۱۹۵۶) می‌گوید با هر چیز که نبوغ واستعداد و ابتکار مورخ و محقق بتواند به کار برد، مثل کلمات، علامات، مناظر، تکه‌های سفال، شکل مزارع، علفهای خودرو، خسوف ماه، بست و بندارابه‌ها، تحقیقات زمین‌شناسان دورباره سنگها و آزمایشها^۲ که به وسیله شیمی دانان روی اشیاء فلزی قدیمی مثل شمشیر وغیره صورت می‌گیرد، می‌توان تاریخ را تدوین کرد»^۲

براین مینا، منابع و مأخذ تاریخ نگاری، علاوه بر تاریخ‌های مکتوب که از دیرباز در دسترس محققان بوده است، شامل بسیاری از دانش‌های امروزی نیز می‌شود

۱- ر.ک. بهضمیمه ۱ زیرعنوان «منابع تاریخ نویسی»

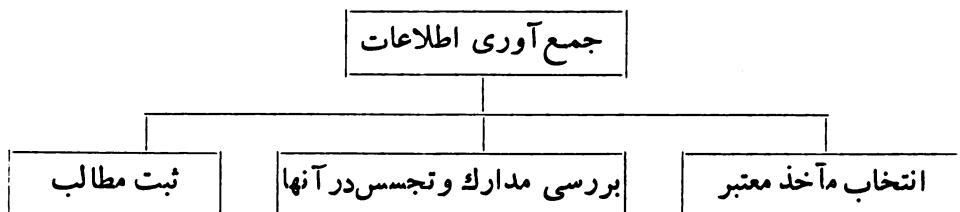
۲- نقل از کتاب تاریخ و روش‌های آن L'Histoire et ses méthodes

تألیف چند تن از محققان چاپ پاریس سال ۱۹۶۱، ص ۱۵۱۲

که دانش‌های معین تاریخ خوانده می‌شوند و عبارتند از جغرافیا و کتابهای مسالک و ممالک، زبان‌شناسی (شامل کتبیه شناسی^۱، پاپرووس‌شناسی^۲ و خطوط قدیمه^۳)، علم الاسماء^۴، باستان‌شناسی^۵ (مشتمل بر شناخت اشیاء باستانی و عتیقه و آثار تاریخی) سکه‌شناسی^۶، مهر‌شناسی^۷، نسبت‌شناسی^۸، گاه شماری، تصاویر‌شناسی^۹، آرشیو و اسناد تاریخی، ادبیات و جامعه‌شناسی.

اما شناختن مدارک لازم برای پژوهش از جمع این انواع مختلف، با وجود آنکه هر یک از آنها خود شامل صدھا اثرو کتاب و رساله و مدرک گونا گون می‌باشد، کاری دشوار نیست زیرا محققان به اقتضای رشته تخصص و قلمرو بررسی‌های خاص خویش الزاماً مآخذ و منابع کار خود را می‌شناسند و برای مبتدیان هم فهرست‌های متعدد و مختلفی که از کتابها و رسالات چاپی و خطی و عکسی و از مقالات مربوط به هر رشته از دانشها موجود است راهنمای خوبیست، مضافاً اینکه فهرست مآخذ و مدارک هر کتاب و مقاله نیز کمک بسیار به محقق می‌تواند کرد.

بدین ترتیب، از آنبوه این منابع تعدادی متناسب با موضوع مورد پژوهش جمع آوری می‌شود و از این پس در همین مرحله، سه وظیفه دیگر فرا راه محقق خواهد بود که عبارتند از گزینش مآخذ معتبر، بررسی مدارک و تجسس در آنها، ثبت مطالب.



- | | | |
|------------------|----------------|-----------------|
| 1- Epigraphie | 2- Papyrologie | 3- Paléographie |
| 4- Onomatologie | 5- Archéologie | 6- Numismatique |
| 7 Sigillographie | 8- Généalogie | 9- Iconographie |

الف- گزینش مآخذ معتبر

چون مدارکی که برای تحقیق درباره موضوع مورد بحث لازم است معلوم شده محقق باید آنها را از نظر اهمیت و اعتبار و اصالت طبقه بندی کند، مدارک دست اول و اسناد اصلی را مقدم برهمه قرار دهد و سپس به مدارک خطی که سواد نسخ اصلی هستند پردازد زیرا همانگونه که هر اندازه واسطه نقل یک خبر بیشتر باشد امکان ضعف در آن بیشتر است، تعداد نسخ یک مدرک هم اگر زیاد باشد امکان تحریف و تصحیف و دگرگونه شدن مطالب آن بیشتر می شود. در این باره می توان مثالی ارائه کرد: فرض کنید گلو لهای برفی از فراز کوه به طرف دامنه آن بغلند. هنگامی که آن گلو له به دامنه کوه می رسد چه وضعی خواهد داشت؟ در طی سقوط خود در هر لحظه بزرگ و بزرگتر می شود تا آنجا که در دامنه کوه به صورت یک بهمن در می آید. این بهمن از لحظات کیفیت جنس ظاهرا مانند همان گلو له برف است، اما از لحظات کیفیت حقیقی و کیمی چیز دیگری است زیرا چه بسا در مسیر غلتیدن خود مقداری از موادی که در لحظات اول سقوط داشته به اطراف پراکنده شده و مواد مشابهی به آن اضافه گردیده است و نیز موادی از جنس دیگر را هم با خود به قدره آورده است.

یک مدرک قدیمی هم که به صورت خطی به دست مامی رسد و نسخ متعددی از آن موجود است به مثابه همان گلو له یوفی است که در طی سالها نساخ و کتاب، تحریفات و تصحیفات و حتی مداخلاتی در آن کرده اند.

بنابراین برای انتخاب مدارک معتبر باید آنها را شناخت و ارزیابی کرد. در مورد منابعی از گروه کتبیه ها، پاپرسوس ها، خطوط قدیمی، اشیاء باستانی، عتیقه ها و آثار تاریخی، سکه ها، مهرها، تصاویر، نقاشی ها و مینیاتورها باید اصالت آنها معلوم شود و در این خصوص برای یک محقق تاریخ، شهادت و تأیید متخصصان فن کافی است ولی درباره مدارک کتبی، محقق باید خود تقایص بالفعل و نارسانی های بالقوه آنها را دریابد و برای این منظور یک منبع را از سه نظر مورد توجه قرار می دهن و آنرا ارزیابی می کنند:

اول- ارزیابی یک مدرک (مقاله، رساله، کتاب) از نظر سبک و اسلوب نگارش
و دستور زبان .

دوم - از نظر دید تاریخ نگاری مؤلف .

سوم- از لحاظ روش تحقیق و دراین بررسی به سه نکته توجه می شود :
* کمیت و کیفیت منابع و مراجع تأثیر کتاب و مقاله. دراین مورد باید دید
مؤلف و محقق در تأثیر خود از چند منبع و از چه انواع منابع و از منابع چند زبان
استفاده کرده و بالاخره اعتبار منابع او تا چه اندازه بوده است.
* محدودیت های مؤلف شامل مقتضیات زمانی تأثیر و مقتضیات روانی
مؤلف .

* رعایت اصول آئین تحقیق به این معنی که مؤلف کتاب خود را بر اساس
قضاویت قبلی تدوین نکرده باشد و نیز آیا در کتاب خود به کلیات و قایع و روابط
پرداخته یا از علل بروز حوادث و نتایج و آثار آن ها هم صحبت کرده است.
پس از این بررسی ها باید جداولی تهیه کرد و در آن نام و مشخصات مدارک را
بر حسب اهمیتشان به ترتیب ضبط نمود . این کار، اگرچه به ظاهر بیهوده و کاری
عبث به نظر می آید ولی درین عمل پژوهش ، لزوم و اهمیت آن معلوم می گردد.

ب- بررسی مدارک و تجسس در آنها و ثبت مطالب

این مرحله عبارت است از انتخاب مطالب و موادی که در مدارک و منابع بر-
گزیده موجود است و با موضوع مورد تحقیق ارتباط و بستگی دارد. این بار محقق
به مطالعه و بررسی مدارک و یادداشت برداری از آنها می پردازد و کارمهم و دشوار
تحقیق از این لحظه آغاز می شود. زیرا محقق باید نخست صاحب صبر و حوصله زیاد
و سپس دارای دقت نظر و احتیاط فراوان باشد و اسناد و مدارک کار را بیطرفا نه و بدون
حب و بغض بررسی کند. برای قبول و یا رد اقوال و عقاید نویسنده گان ، باید مدرک
و سند و یا کتاب را بادیده دقت و انتقاد بخواند نه باحال تسلیم و قبول. در این مورد
باید توجه داشت که « مطالب بعضی کتب را باید فقط چشید ، برخی را باید بلعید

وعده‌ای قلیل را جوید و هضم کرد. بدین معنی که کتابهای هستند که فقط قسمتهای از آنها مورد مطالعه قرار می‌گیرد، برخی را باید خواندولی نه با دقت و کنجکاوی و تعداد کمی واباید به طور کامل و با توجه فراون مورد مطالعه قرارداد» به علاوه به هرنوشته‌ای تا اصالت و اعتبارش مسلم نشده است، بادیده تردید و احتیاط باید نگاه کرد.

شاید بی‌مناسبت نباشد بدانیم چرا یک محقق به منابع و مدارکی که برای کار خود به آنها مراجعه می‌کند باید بادیده تردید و شک نگاه کند؟ دلیل آن چنین است که وقایع وحوادث تاریخ «مانند امور طبیعی، مبازاء خارجی ندارند و تنها نوشته‌ها و آثار گذشتگان است که ماجرای آن حوادث و وقایع را درست یا نیمه درست و نادرست برای ما بازمی‌گویند.»^۱ و اخبار و مطالبی که در همین مدارک و اسناد هستند مأخذ کار تحقیق و تدوین تاریخ خواهند بود ممکن است برخی مسلمات و پاره‌ای مظنونات باشند. زیرا امکان این هست که اولاً راویان و نقل‌کنندگان حوادت بر اثر بی‌اطلاعی یا تسامح ویاضعف قوه حافظه، در نقل و قایع اشتباهاتی کرده باشند و یا شرح و قایع به سبب تعصیات و اغراض شخصی کاتبان با تحریفات و مجموعاتی آمیخته شده باشد که بر محقق است این علل را کشف نماید، ثانیاً تعدد راویان و مخبران هم که خود موجب ضعف قول و خبرمی‌شوند، دلیل دیگری است که محقق را باید به تردید و ادارد. به هر حال، تردید و شک که لازمه یک تحقیق تاریخی است در مورد آثار و قایع نگاران باید بیشتر باشد زیرا نویسندگان این کتابها به ملاحظاتی از قبیل انتفاع، ترس و یا دشمنی‌ها، چه بسیار از مطالب را قلب کرده‌اند و یا وقایع را که بیان آنها مصلحت ندانسته‌اند نادیده گرفته‌اند و مطالبی مجهول و ساختگی توأم با اغراق و تملق گوئی در کتاب خود ذکر نموده‌اند.

۱- رساله بررسی ستادی و یادداشت‌های مکمل آن، از انتشارات دانشگاه پدآندملی ایران (که مؤلف آن معلوم نیست)، نسخه پلی کپی
۲- محمد مهدی فولادوند، خیام‌شناسی، ص ۳۴

به علاوه محقق باید کیفیات و حقایق و قایع مندرج در کتاب و مدرکی را که مورد بررسی اوست خوب تشخیص دهد. برای این کار لازم است محقق در عین حال که حوادث و وقایع را در جلو چشم می‌گذارد، شرایط زمان و مکان آنها را هم در نظر بگیرد و به اصول سیاست و اوضاع جامعه آن عصر و دوره نیز آشنا باشد. هنگامی خبر و شرح واقعه‌ای را می‌توان پذیرفت که علت بروز آنرا بیابیم زیرا وقوع هیچ حادثه‌ای بدون علت نمی‌تواند بود و مخصوصاً در تاریخ، اعتماد به درستی یک خبر و حادثه بدون آگاهی از علت آن قابل قبول نیست.

دقت محقق و حسن انتخاب او در مرحله استخراج مواد، معرف و مشخص هنر و اصالت فکری اوست. وظیفه مهم و اساسی یک محقق در این مرحله این است که بدون آنکه درباره جریان و قایع و نتیجه موضوع، از پیش، نظر قاطع و شخصی اتخاذ کرده باشد، به کار استخراج مواد پردازد. زیرا اگر محققی پیش از مباردت به جمع آوری مدارک و اطلاعات و نقد آنها، عقیده ثابت و نظری قاطع درباره موضوع و نتیجه آن داشته باشد، خواه ناخواه در مسیر تحقیق و کار، سعی می‌کند هر چه بیشتر مدارکی برای اثبات عقیده و نظر خود گردآورد و استناد و مدارک علیه و مخالف را نادیده می‌انگارد.

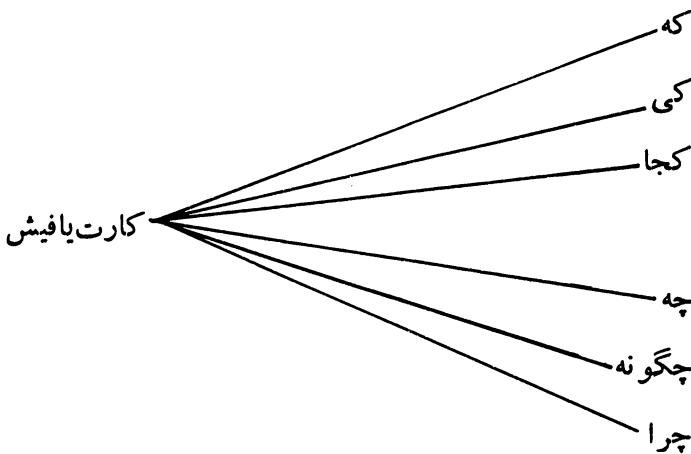
کار دیگری که به موازات بررسی و تجسس اطلاعات باید صورت گیرد، یادداشت برداری و ثبت مطالب است.

در اینجا توجه به این نکته ضروری است که در بررسی مدارک و اطلاعات هرگز به قدرت حافظه که آسیب پذیر است نباید متکی بود بلکه مطالبی که برای شناخت موضوع مورد تحقیق لازم است باید حتماً یادداشت شود.

در مرحله یادداشت برداری نباید فراموش کرد که مطالب و اقوال مخالف و موافق درباره یک موضوع، همه را باید یادداشت نمود.

در یادداشت برداری از مدارک واستخراج مواد و مطالب، روش علمی و صحیح این است که مطالب استخراج شده روی کاغذهای به قطع ثابت به نام فیش و کارت

و دریک روی آن نوشته شود و چون مطلب تمام شد، شماره صفحه مدرک، نام مدرک و اگر مدرک در چند جلد است شماره جلد آن قید شود. در ثبت مطالب، هر موضوع عموماً باید به چند سؤال از پرسشهای : که، کی، کجا، چه، چگونه و چرا پاسخ داده شود.



میزان صحت و جامعیت مندرجات کارتها و فیش‌های بستگی تام با میزان اطلاعات محقق و معلومات، وسعت نظر، تخصص و ذوق و خصایص و تبحر او دارد.
حسن روش تنظیم فیش این است که به سهولت می‌توان آنها را منظم کردو بر حسب اقتضا می‌توان مطالب را جابجا و در چند جا از آن استفاده کرد بی‌آنکه استنساخ دوباره و سه‌باره‌ای را ایجاد کند. به علاوه محقق، این فیشها را که غالباً بر حسب موضوع تنظیم می‌شوند، می‌تواند در بایگانی و کتابخانه خود نگهداری و و در موارد ضروری دیگر از آنها بهره‌برداری نماید.

روش فیش برداری به قسمی در دنیای امروز رایج و متداول است که محققان اروپائی و امریکائی عموماً بخشی از کتابخانه خود را به قسمه‌های مخصوص نگهداری فیش اختصاص داده اند و در آنها اقسام فیش‌های مربوط به کارخویش را نگهداری می‌کنند.

چون مطالب یاد داشت شده روی فیشها آماده شد آنها را باید بر حسب

موضوع، تاریخ و توالی مضمون منظم کرد و ممکن است این کار را ضمن یادداشت برداری انجام داد.

در تنظیم فیشها، هر یک از محققان روش مخصوصی بر حسب سلیقه و نوع تحقیقات خود دارند و در این مورد قاعدة منجزی نمی‌توان بدست داد.

بدین گونه، محقق یامورخ، اطلاعات لازم را جمع آوری، بررسی، نقد، انتخاب، استخراج و ثبت می‌کند و سپس برای ورود به مرحله بعدی پژوهش آماده خواهد بود.

۴- تصفیه

تا اینجا اطلاعات مستخرجه، موافق و مخالف، معتبر و غیر معتبر، درست و نادرست جمی آوری و ثبت شده است. در این مرحله باید اطلاعات موثق از غیر موثق جدا شود.

محقق در این مرحله نخست با انبوهی از ایاد داشتهای ضد و نقیض روبرو است و مشکلی که بیش از هر چیز در مقابل محقق قرارداده، کار با این یاد داشت هاست. در این مرحله، یکایک کارتها و فیشهای ویادداشت‌ها مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد. محقق اطلاعات موثق و معتبر را از اطلاعات غیر موقت و مشکوک جدا می‌کند و اگر ارزش و اعتبار دویا چند درگاه و خبر یکسان باشد، محقق به اصل تعديل و ترجیح رجوع می‌کند^۱. وجوه ترجیح در این باره شامل دو وجه است:

الف- ترجیح به سند

در این وضع، اولاً اگر خبری در چند منبع مختلف نوشته و ذکر شده باشد. معتبرتر است از آنکه فقط در یک منبع ذکر گردیده است. ثانیاً اخباری که تعداد واسطه نقلشان کمتر باشد معتبرترند. ثالثاً طبیعی بودن خبر و واقعه که با حقیقت قابل

۱- رشیدی اسمی: آئین نگارش تاریخ، ص ۱۷

وقت باشد و مخالف طبیعت و وضع عصر و قوع حادثه نباشد خود معیاری برای اعتبار خبرمی باشد، چنانکه ابن خلدون چند نمونه از اخباری را که مورخان پیش از او ضبط کرده‌اند و چگونگی آن حوادث با طبیعت و وضع زمان محل و قوع آن حوادث، مغایر بوده در کتاب خود نقل کرده است. از جمله می‌نویسد:

«یکی از نمونه‌های این گونه اشتباه کاریها، شماره لشکریان بنی اسرائیل است چنانکه مسعودی و مورخان آورده‌اند، پس از آنکه موسی عليه السلام هنگام آوارگی در تیه اجازه داد هر که طاقت و توانائی دارد، بهویژه از سن بیست به بالا سلاح برگیرد، به شمردن سپاهیان بنی اسرائیل دست یازید و عده آنها را ششصدهزار تن یا افزونتریافت در صورتی که اگر وسعت و گنجایش مصر و شام را در برابر چنین سپاه‌گرانی بسنجمیم مایه حیرت می‌شود. چه هر کشوری را در خور گنجایش آن، لشکریانی است که وظایف نگهبانی کشور را به عهده می‌گیرند و اگر از میزان معین و لازم در گذرنده مایه دشواری و مضيقه آن کشور می‌شود. گذشته از این، اگر سپاهیانی را با این عده افزون تا جائی که چشم کار می‌کند در دو یا سه صفحه یا بیشتر جای دهنده بعید به نظر می‌رسد که به سبب تنگی نبردگاه و دوری آن از لشکریان، در لشکرکشی‌ها و جنگها بتوان از آنها استفاده کرد، زیرا روزگار کنونی گواه صادقی بر این امر است و شباهت گذشته با آینده از شباهت آب به آب هم بیشتر است».^۱

ابن خلدون پس از آنکه شواهد و دلایل دیگری بر نادرست بودن این خبر و عدم امکان تطابق آن با طبیعت و وضع آن روز جهان می‌آورد، می‌گوید: «اگر سپاهیان بنی اسرائیل به چنین عددی می‌رسیدند قلمرو فرمانروائی آنان هم توسعه می‌یافتد و دولت آنان بر مناطق وسیعتری حکومت می‌کرد».^۲

بعلاوه، ابن خلدون مثالهای دیگری نیز در این زمینه آورده است که همه

۱- مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمود عرفان، ج ۱، ص ۱۴.

۲- مقدمه ابن خلدون، ج ۱، ص ۱۴.

دلیل بر آن است که تطبیق وضع طبیعی و وضع اجتماعی با خبر و شرح حوادث که در کتابهای آمده است از واجبات و از اموری است که محقق باید بدان توجه خاص داشته باشد.^۱

ب - ترجیح به اعتبار راوی

در این مرحله، اعتبار و سابقه و شهرت راوی خبر و یا نویسنده سند، بسیار مؤثر و شرط است، زیرا هر نویسنده و راوی که معتبرتر و به «حسن سابقه» شناخته‌تر است، به گفته‌اش اطمینان بیشتری می‌توان داشت.

از آنچه گفته شد، چنین بر می‌آید که یک محقق باید با دقت بسیار، با بی‌طرفی کامل و با دیده انتقادی (به معنی علمیش) به اخبار و اطلاعات و روایات بنگرد تا حقایق را از عقاید بشناسد و آنها را از یکدیگر جدا کند، زیرا اولاً قبول عقاید به صورت حقایق بهمنزله قبول خطر گمراهی در پژوهش می‌باشد ثانیاً رعایت نکردن بی‌طرفی در نقد و سنجش اطلاعات موجب قلب حقایق می‌شود که خود معلوم غرور، خودپسندی، دخالت دادن عقیده و اغراض شخصی، تکیه کردن به معلومات خود، وجود حب جاه و مقام و یا جبن شخصی و تملق است که محقق برای سنجش صحیح باید از آنها دوری کند.

بدین ترتیب مطالبی بدست منی آید که باید دارای شرایط و خصوصیات زیر باشند :

- * مربوط به موضوع باشند.
- * از تمام منابع موجود و ممکن، برای شناخت آنها استفاده شده باشد.
- * خالی از عقاید شخصی و اغراض فردی باشند.

۵ - تعیین مسأله در پژوهش

تا اینجا روایات درست از نادرست و اخبار و اطلاعات معتبر از ضعف جدا و تفکیک شده است. مورخ یا محقق نیز بر محتوای کلیه مدارک و مستخر جات خود احاطه یافته است. اینک باید به تعیین مسأله در پژوهش خود بپردازد.

تعیین مسأله در یک پژوهش تاریخی به مفهوم آن است که مورخ و محقق نکته ای در طرح پژوهش خود بیابند که محور اصلی و مشترک بین جنبه های مختلف موضوع و تلاشهای آنها باشد. یافتن چنین نکته ای مستلزم امعان نظر کافی و احاطه بر محتوای اطلاعات مستخرجه و یادداشت هاست. این چنین نکته مشترکی چون بدست آیداز ابهام و کلیت موضوع می کاهد و تا هنگامی که در پژوهش، «مسأله» تعیین و معرفی نشود احتمالاً ابهامهای باقی خواهد ماند.

برای روشن شدن چگونگی مسأله به ذکر چند مثال مبادرت می کنیم:

فرض کنیم موضوع مورد نظر در پژوهش درباره روابط ایران و پرتغال است.

برابر بررسی مدارک و مواد و مطالبی که استخراج و یادداشت کرده ایم می دانیم این روابط از سال ۹۱۳ هجری قمری برابر با اوت ۱۵۰۷ با حمله آلبو کرک به جزیره هرمز آغاز شده و تا سال ۱۱۴۸ هجری (۱۷۳۵-۱۷۳۶ میلادی) یعنی در حدود ۲۳۵ سال هجری ادامه یافته است. در طول این زمان تمام تلاش و هدف پرتغالی ها در حفظ

روابط خودبا ایران برای نگهداری و یا دوباره بدست آوردن جزیره هرمز بوده است که از منافع اقتصادی آن بهره مند می شده اند ولی همینکه از تصرف آن به کلی مأیوس شدند روابط آنها با ایران هم قطع گردید^۱. پس وجود جزیره هرمز علت اصلی روابط میان ایران و پرتغال بوده و در پژوهش تاریخ این روابط، نکته مشترک و محور اصلی تحقیق است.

درمثال دیگر:

در نهضت های ملی ایرانیان در صدر اسلام محور تلاشها در تمام نهضت ها، برآنداختن نفوذ اعراب و کوتاه ساختن دست قدرت آنها از سرزمین ایران می بودو آن، مسئله در پژوهش تاریخ نهضت های ملی ایرانیان در صدر اسلام می باشد.

در قلمرو وسیعتر پژوهش، نیز به همین منوال است. چنانکه در تدوین تاریخ تمدن جهان محور اصلی، یافتن روابط تمدن میان ملل گوناگون می باشد.

اما برخی، «مسئله» و «هدف تحقیق» را یکی دانسته اند^۲ و آن درست نیست، زیرا هدف از پژوهش در مردمیک موضوع همیشه از بدوانتخاب موضوع معلوم است و پس از تعیین مسئله، آراسته تر و مشخص تر می شود. ولی می توان گفت که مسئله، گاهی عامل اصلی به وجود آمدن موضوع و گاهی یکی از علل آن می باشد.

مثال:

مسئله هرمز که در بالا از آن صحبت شد علت اصلی به وجود آمدن روابط میان ایران و پرتغال بوده است.

مثال دیگر؟

اگر موضوع مورد تحقیق بررسی و واگذاری امتیازات به بیگانگان در عصر قاجار باشد.

۱- ر، ک، به کتاب «مسئله هرمز در روابط ایران و پرتغال» تألیف

جهانگیر قائم مقامی، چاپ سال ۱۳۵۴.

۲- عباسقلی خواجه نوری، روش تحقیق، ص ۱۵۴

تحقیقاتی که در این باره شده است نشان می‌دهد بی‌خبری او لیای امور ایران از اهمیت‌ماهیت امتیازات، علت اصلی و اگذاری امتیازات بوده و آن، در پژوهش موضوع، مسأله و محور اصلی تلاش است.^۱

آخرین نکته درباره تعیین مسأله چنین است که در بعضی از رسالات مربوط به روش تحقیق تعیین مسأله را بعد از انتخاب موضوع^۲ و در برخی دیگر، هردو را یکی دانسته‌اند.^۳ این نیز درست نیست زیرا تام‌حق کلیه مدارک و مأخذ‌خود را بررسی و مواد لازم برای تحقیق را استخراج نکرده باشد بر کیفیت پژوهش و محتوای اطلاعات خود احاطه نخواهد داشت و تا براین نکات و موارد احاطه و تبخر نباشد امکان تعیین مسأله نخواهد بود.

-
- ۱- ر. ک. دکتر ابراهیم تیموری، *عصر بی‌خبری یادوره و اگذاری امتیازات* تهران ۱۳۳۲
 - ۲- تحقیق و پایان نامه فویسی؛ از انتشارات دانشگاه پدآفند ملی ایران ترجمه دکری فخرائی از منابع آمریکائی، [مؤلف معلوم نیست]، پلی گپی.
 - ۳- دکری بهروز نبوی: *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم اجتماعی*، چاپ سوم، ص ۰۲۲

۶- تحلیل

«فهم تاریخی ایجاب می کند که از قضایای کلی استفاده شود و این قضایای کلی، جز از طریق تحلیل و مقایسه تاریخی قابل استفاده نیستند.» (آرون ARON).

با مشخص شدن مسأله، به تحلیل آن باید پرداخت. مرحله تحلیل، مرحله اساسی تحقیق است و کار اصلی و خلاقه محقق و مورخ از اینجا آغاز می شود. در این مرحله، چون موجودیت مسأله خود از وقایع و حوادثی که در اطراف آن روی می دهد جدا نیست، به این معنی که گاه وجود مسأله موجب پیدايش وقایعی بسیار، مختلف و متواتی می شود و گاه مسأله در من رویداد و یا رویدادهای متواتی به وجود می آید، اگر به تحلیل وقایع وابسته و مربوط به مسأله پیردازیم مسأله نیز خود به خود روشن و حل می شود.

در تجزیه و تحلیل حوادث تاریخ به سه نکته باید توجه داشت :

* متن واقعه.

* علل وقوع رویداد و روابط آن با دیگر وقایع.

* نتایج و اثرات حاصل از واقعه.

و به مجموع این بررسی ها و اقدامات، تحقیق علی می گویند که در طی انجام آن همیشه نظر و توجه به کشف علیت تاریخی است.

در مبحث متن واقعه، مشکل محقق شناخت واقعه به کیفیت می‌باشد که روی داده است.

در این مورد محقق باید به قدری دقیق و امعان نظر به کاربرد که واقعه و رویداد را از نوبسازد. البته این کار بهمیزان کیفیت اطلاعات و مواد مستخرجه بستگی تام دارد ولی باید دانست هر اندازه این پیکره به واقعیت شبیه‌تر باشد و بهمیزانی که محقق اجزاء این بنا را بهتر و اصولی‌تر بهبودیگر مرتبط سازد کشف علل و قوع واقعه آسانتر خواهد بود.

در مورد علل و قوع رویدادها، در پژوهش‌های تاریخی علل و عوامل حدوث وقایع را فقط در زمان وقوع حادثه باید جستجو کرد، بلکه باید دانست تخم هر رویدادی سالها پیش کاشته شده و آتش از دیرباز، در زیرپوشش خاکستر، خانه کرده است. تنها، یک بهانه کوچک مثل وزش یک نسیم لازم است که گوشة خاکستر را به کناری ببرد و آتش شعله بکشد. بدین دلیل است که مسؤولیت انقراض هر سلسله را به حساب آخرین پادشاه آن سلسله و خاندان نباید گذاشت، بلکه باید توجه داشت علل و موجبات و مقدمات آن به تدریج و در طول مدت حکمرانی آن سلسله بوجود آمده است، ولی چون مقتضیات زمان و احوال هنوز برای انقراض آن سلسله مساعد نبوده حکمرانی سلسله ادامه یافته است، اما همینکه زمینه برای بروز اثرات آن موجب و علل مساعد گردیده، با وقوع یک حادثه، گاهی هم حادثه‌ای بس کوچک و بی‌اهمیت، بساط قدرت و حکمرانی سلسله بزرگ شده است. باز از همین مقوله است انقلاباتی که در جوامع بشری بروز می‌کند و هزاران نفر از مردم را نابود و بسیاری از ثروتها و مکننهای مادی و معنوی را معدوم می‌نماید. تفحص برای یافتن علل مؤثر آن انقلابات در همان ایام کاری بیهوده است، زیرا مقدمات آن انقلابات از سالها پیش فراهم شده است چنانکه انقلاب مشروطه ایران مبنی بر علل و سوانح فراوان و زمینه‌های بوده که اگر حمل بر مبالغه نشود، ریشه‌های آن را در دوره‌های صفوی و افشار و زند و قاجار

باید جستجو کرد و با علت وقوع جنگ اول جهانی را نباید تنها کشته شدن آرشیدوک شارل ولیعهد اتریش دانست.

پس در مورد علل وقوع حوادث نیز محقق با دشواری‌هایی مواجه است و آن «تعیین نقش رویدادهای مختلف قبلی است که در منشأ یک حادثه وجود دارد». برای کشف علت و یا علل، واقعه تاریخی را که «ماهیت پیچیده‌ای» دارد، باید به عناصر کوچکتر تجزیه و روابط آنها را کشف کرد. زیرا «یک رابطه علی هر گز ارتباطی کامل میان تمامیت یک لحظه و یک لحظه قبلی نیست، بلکه، همیشه رابطه‌ایست جزئی و فرضی میان برخی از عناصر پدیده منفرد تاریخی و برخی رویدادهای قبلی».^۱.

در اینجا ذکر این نکته نیز لازم است که فقط بدان علت که حادثه‌ای در زمان معینی در تعقیب حادثه دیگر واقع می‌شود، دلیل براین نخواهد بود که وقوع حادثه دوم به علت حدوث واقعه اولی بوده است.

بنابراین، در کشف علل وقوع وقایع برخلاف عقیده برخی از تاریخ‌نویسان که می‌گفتند «گذشته مختوم است»، بررسی وقایع قبلی لازم خواهد بود. ولی با همه این احوال باید دانست «بهمان دلایلی که آینده را نمی‌توان بهیقین شناخت، در تحلیل علی گذشته نیز نمی‌توان. به تبیین ضروری رسید»^۲ نهایت اینکه، محقق و مورخ باید منتهای تلاش خود را به کار برند تا خود را به «تبیین ضروری» بر سانند.

و بالاخره نکته سوم یعنی نتایج حاصل از واقعه :

۱- آرون ARON، «تاریخ و جامعه‌شناسی» ترجمه دکتر نیک گهر، در مجله نگین، مورخ ۲۷ اردیبهشت ۱۳۵۶. این مقاله ترجمه قسمی از کتاب «مراحل اندیشه‌های جامعه‌شناسی» تألیف آرون می‌باشد (درمن اصلی ص ۱۲) به فهرست‌منابع و مراجع رجوع کنید.

۲- همان مدرک و در متن اصلی، ص ۱۲.

۳- همان مدرک و در متن اصلی، ص ۱۴.

این نکته که منظور غائی از پژوهش است، پس از شناخت و قایع و تحقیق درباره علل وقوع آنها معلوم می‌شود و آن مستلزم انجام یک سلسله کارهای است که در مجموع، به آن تجزیه و تحلیل می‌گوئیم.

با امعان نظر به آنچه گفته شد، استنباط می‌شود که برای یافتن پاسخ به پرسش‌های پیچیده و فراوانی که در طی تحقیق این نکات برای محقق پیش می‌آید، روش و راهی مشخص لازم است.

انسان در طول تاریخ برای حل مسائلی که در زندگی خود با آنها رو برو شده راههای مختلفی را بدین شرح مورد بررسی قرارداده است :

الف - قبول شعائر و سنن و مأخذ قدیم.

ب - مشاهده و آزمایش و تجربه.

ج - تحقیق و استدلال.

برای حل مسائل تاریخی، چون آن مسائل نه قابل لمس و مشاهده هستند که بتوان با آزمایش و تجربه به حل آنها توفیق یافت و نه پاسخ‌هایی را که شعائر و سنن و مأخذ قدیمی بدانها داده‌اند به صرف احترام و به حکم قدمت آن مراجع، می‌توان پذیرفت لامحاله باید از طریق سوم یعنی از راه تحقیق واستدلال اقدام کرد. این طریق است که آنرا تجزیه و تحلیل گویند. ولی باید دانست که در پاره‌ای از موارد می‌توان از مشاهده و آزمایش نیز کمک گرفت چنانکه اگر واقعه مورد بررسی در مکان خاصی روی داده است، مشاهده و بررسی آن مکان خود می‌تواند در کشف بسیاری از نکات مؤثر باشد.

روش استدلالی

ما در اینجا به سابقه پیدایش روش استدلالی کاری نداریم. فقط باید دانست که این روش هم تا زمانی که دکارت Descartes (درقرن هفدهم) گفت «هیچ چیز

رانباید واقعی دانست مگر آنکه آن را دقیقاً بررسی کرده و شناخته باشیم^۱ و بدین گونه به اصالت هرچیز شک کرد، بنیاد چندان مستحکمی نمی‌داشت.

دکارت دستوراتی هم برای تحقیق ارائه کرد که محتوای مجموع آنها را می‌توان در عبارت «لزوم تجربه» خلاصه نمود.^۲ دستورات دکارت اگرچه چندان رساو کافی نبود و راه تحقیق را به گونه صریح نشان نمی‌داد، معهذا بر اثر نظریات اوست که روش استدلالی جنبه علمی یافت.

بعد هاکانت Kante (۱۸۰۴ - ۱۷۲۴) در قرن هیجدهم ضمن قبول «لزوم تجربه»، اصالت تصور را بیان کرد که مبنی بر اصول زیر بود:

الف - برای درک واقعیت‌ها باید اول آنها را حس کرد (تجربه کرد).

ب - پس از احساس واقعیت‌ها یک سلسله تغییرات ذهنی در ذهن انسان به وجود می‌آید.

ج - مجموعه احساساتی را که بدین گونه در مغز و به صورت نامنظم متوجه می‌شود، مغز با درنظر گرفتن دو عامل زمان و مکان منظم می‌کند.

د - چون احساسات بدین گونه منظم و مرتب شدند مطلب درک می‌شود.

ه - پس از درک، مطالب به وسیله ذهن فهمیده می‌شود.

و - از فهم مطالب، می‌توان تشخیص داد.^۳

خلاصه این اصول آنکه اگر واقعیت‌ها احساس یا به عبارت دیگر تجربه نشوند نمی‌توان آنها را تشخیص داد.

بدین ترتیب کانت نظریه دکارت را تأیید کرد و درباره مکانیسم تشخیص نظریه جدیدی ارائه نمود. اما او هم راه عملی آن را نشان نداد تا آنکه هگل Hegel

۱ - در خطابه روش تحقیق Discours de la Méthode و عباسقلی خواجه

نوری، روش تحقیق، ص ۳۵-۳۴

۲ - خواجه نوری، همان صفحات

۳ - خواجه نوری، ص ۳۷-۳۶

(۱۷۳۱-۱۷۷۰) در قرن نوزدهم نظریات جدیدی آورد و نظریات اولمنای تحقیقات جدید علمی شد.

هگل در روش خود که به روش جدلی *Méthode dialectique* نامیده شده است، گفت:

الف- تصور هر چیز با درنظر گرفتن رابطه و روابط آن چیز با سایر چیزها ممکن است و بی آنکه چیزی را با سایر چیزها بسنجیم، شناخت آن چیز ممکن نیست.
ب- هر چیز به سوی ضد خود کشیده می شود و ترکیب آندو، شکل عالیتری به وجود می آورد و آن مفهوم حرکت دیالکتیکی است. مثل جذب مرد وزن و تولد فرزند و تشکیل خانواده.

ج- پس هر تغییری از جمع اضداد است و از دو ضد، آنرا که اول مورد نظر قرار گیرد برنهاد (Thèse) و دیگری را برابر برنهاد (Antithèse) و نتیجه ترکیب را، همنهاد (Synthèse) نامند.

در تحقیقات تاریخی، برنهادهای ماد مستخرجه از منابع و مدارک است که برخی حقایق اند و برخی مغایر حقایق می باشند و معمولاً به نکاتی که حقیقت هستند و باید اثبات شوند برنهاد (Thèses) و به مطالبی که مغایر حقایق اند برنهاد (Antithèses) اطلاق می کنند.

بنابراین، برای استدلال، برنهادها و برابر نهادها را باید بررسی کرد و آنها را با یکدیگر سنجید.

از آنچه گفته شد، چنین برمی آید که عامل موثر و اصلی در یک تجزیه و تحلیل، «تفکر» است که در اصل به دو صورت «تفکر رویائی» یا «تصویری» و «تفکر جعلی» یا «منطقی» جلوه می کند و از آندو، آنکه در تحقیقات تاریخ نگاری مورد عمل واستفاده قرار می گیرد، نوع اخیر آن یعنی تفکر «منطقی» است و یک محقق باید نگذارد هر گز تفکر رویائی و تصویری در پژوهش او دخالت کند، زیرا تصویر و رؤیا بستگی

۱- همان مرجع، ص ۳۹ - ۴۸ و بررسی ستادی با یادداشت‌های مکمل آن

به عوامل شخصی و فردی مثل حواس پنجگانه، وضع روحی مثل تعصبات، عواطف و احساسات مختلف (خشم، مهر، کینه، انتقام، حسادت و . . .) و وضع جسمانی (خستگی، تشنگی، گرسنگی و بیماری) وبالاخره استقرار شخصیت و شکل گیری انسان دارد و هر یک از این عوامل ممکن است موجب انحراف محقق از راه کشف حقیقت گردد.

پس در پژوهش، موضوع و یا مسئله را برای تجزیه و تحلیل باید به دست تفکر منطقی سپرد و با یکی از دو طریق زیر به تحلیل آن پرداخت:

الف - روش قیاسی یا تحلیلی *Méthode deductive*

در این طریقه، استدلال و نتیجه گیری از کل به جزء است. به این معنی که موضوع و مطلب را به طور کلی در نظر می گیرند و نتایج حاصل از بررسی ها را درباره اجزاء مشکل آن نیز تعمیم می دهند. بنابراین از اصل به نتیجه وازناسون به مواد اطلاق می رسد.

مثال:

در هر کشوری که حکومت دموکراسی حکم‌فرماست ملت راضی است.
ملت های الف و ب و ج راضی هستند.

پس در کشورهای الف و ب و ج حکومت دموکراسی حکم‌فرماست.

ب - روش استقرائی یا ترکیبی *Méthode inductive*

دربررسی و نتیجه گیری در این روش، بر عکس روش قیاسی، از اجزاء به کل واژ اثرات به مؤثر واژ معلول ها به علت می رسد. در این طریقه چون نخست اجزاء مشکل موضوع را می شناسند، از جمع و ترکیب آن اجزاء کل را نیز خواهند شناخت.

مثال:

مردم کشورهای الف و ب و ج مللی ناراضی هستند.

در کشورهای الف و ب و ج حکومت مطلقه واستبدادی حکمفرماست.
پس در هر کشوری که حکومت مطلقه واستبدادی حکمفرماست مردم آن
کشور ناراضیند.

واما چون هدف تحقیق شناخت امور روابط موجود بین امور است « به
نحوی که ذهن ، آنها را باهم ترکیب کنند »^۱ و حال آنکه « قیاس ذهن را مقیدی کند »^۲
ناگزیر در تحقیقات علمی واز جمله در پژوهش های تاریخی روش استقرائی بر روش
قیاسی مرجع است.

مثال :

اگر موضوع مورد پژوهش بررسی درباره « تأثیر تاریخ در روابط بین
ملت ها » باشد.

این موضوع کلی را به عوامل مؤثر کوچکتر تجزیه می کنیم . (روش
استقرائی). برای این منظور نخست لازم است بشناسیم چه مسائل و عواملی موجب
برقراری ارتباط بین دو ملت می شود . این عوامل عبارتند از : عوامل جغرافیائی و
واقعیمی ، نیروهای اقتصادی ، جمعیت ، احساسات ملی ، فرهنگ و هنر ، جنگها و
سیاست مردان سیاسی .

یکایک عوامل مزبور را بررسی و تشریح کرده و از شرح و تفصیل آنها استنباط
می کنیم نحوه روابط دویا چند ملت در گذشته چه گونه می توانسته است بود و چه
در گیریها ، تضادها ، ناهمانگی ها و اختلافات می توانسته است بین آنها وجود داشته
باشد و چه نیازمندیها ، دوستی ها ، پیمانها و همکاریها آنها را به یکدیگر نزدیک و
ومرتبط می ساخته است . چون علل و انگیزه های اختلافات و قطع روابط و وسائل
دوستی ها و اتحادها و همکاریها شناخته شد ، راه و وسیله برقراری روابط دوستانه
شناخته می شود و می توان امنیت و صلح را بین دو ملت و ملتها برقرار نمود و آن تاریخ

-۲-۱- فرانسیس بیکن (۱۵۶۱-۱۶۲۶) Francis Bacon به نقل از عباس -
قلی خواجه نوری ، روش تحقیق ، ص ۳۳-۳۲

است که کلیه این تحولات و تغییرات را از نظر ما می‌گذراند و مارا به نشیب و فراز-های روابط بین ملت‌ها آشنا می‌سازد و در روشنائی این چراغ هدایت که تاریخ فرا-راه ما می‌گذارد، اجتماعات بشری - اگر خود بخواهند در روابط بین خویش به سوئی راهنمایی می‌شوند که آنجا، برادری و انسانیت وجود دارد و این خود تأثیر تاریخ در روابط بین ملت‌هاست. اما اگر ما اطلاعات و آگاهی‌هایی از تحول‌هاییک از این مؤلفه‌ها نداشته باشیم نمی‌ترانیم به بحث و تحقیق خود ادامه داده و به این نتیجه برسیم^۱.

به طوری که دیدیم؛ در این روش نخست به شرح موضوع پرداختیم و سپس از جمع بررسی‌ها به شناخت مسئله موفق شدیم.

ماکس وبر Max weber جامعه‌شناس آمریکائی نظریه دیگری نیز طرح کرده و گفته است «چنانچه تبیین علی واقعه منفرد که بیش از یک بار حادث نشده منظور باشد، لازم است پس از تحلیل واقعه منفرد تاریخی و رویدادهای قبلی، با استفاده از تجربه ذهنی فرض شود که یکی از رویدادهای قبلی واقع نشده- یا به طرز دیگری واقع شده است و تحلیل علی که در مردمیک واقعه منحصر به فرد تاریخی می‌گردد می‌باید با تغییر فرض یکی از عوامل به دست آمده باشد و باید سعی کرد به این سؤال جواب دادا گر واقعه مذکور روی نمی‌داد یا به شکل دیگری روی نمی‌داد چه پیش می‌آمد؟»

وبر، سپس اضافه می‌کند «باید تحولات احتمالی را که بافرض تغییر یکی از رویدادهای قبلی پیش می‌آید با تحولات واقعی مقایسه نمود تا بتوان نتیجه گرفت که رویداد مذکور که به طور فرضی تغییر یافته یکی از علل اصلی واقعه مورد بررسی است»^۲.

اما این نظریه از طرف بسیاری از تاریخ‌نویسان اهل فن مورد انتقاد قرار گرفته

۱- برای تفصیل این تحقیق به ضمیمه ۲ در همین کتاب رجوع کنید.

۲- آرون، تاریخ و جامعه‌شناسی و درمن اصلی آن، ص ۵۱۳

است و معتقدند «این روش معرفت به آنچه که هر گز بیقین دانسته نخواهد شد، معرفت کاذبی را الفاء می کند».

و حق این است که به کار بردن این نظریه مفید فایده چندانی نیست زیرا سؤالاتی که بدین گونه مطرح می شوند هر گز صورت واقعیت نیافته اند. اما در پاره ای از موارد خاص، جواب کوتاه و ساده ای بس دست می آید مثل اینکه پرسیده شود «اگر مظفر الدین شاه فرمان مشروطیت را امضاء نمی کرد و یا اگر مجلس شورای ملی ایران قرارداد ۱۹۱۹ با انگلیس را می پذیرفت چه می شد؟ پاسخ سؤال اول این است که کشمکشها بالامی گرفت و خونریزی ها بیشتر می شد و بیش از این پاسخی که به حقیقت نزدیکتر و قطعی تر باشد نمی توان داد. در مورد پرسش دوم هم جواب این است که ایران اختیار مالی و نظامی خود را به دست انگلیسها می سپرد و آنها برهمه چیز ایران حکومت می یافتند.

و اما نتیجه این پاسخ ها چیست؟ تنها چنین است که مظفر الدین شاه کاری خوب و اساسی کرد و مجلس شورای ملی نیز با اقدام به وظیفه ملی خود حقوق ملت ایران را حفظ نمود و این هردو نتیجه بی آنکه با فرض «اگر» به دست آیند برای یک محقق تاریخ با امعان نظر در وقایع، خود به خود معلوم می شود. بنابر این، واقعیت همان است که وقوع یافته و مورخ و محقق جز با واقعیت کاری ندارند.

Synthèse همنهاد

از مقایسه برنهادها و از قبول برخی ورد پاره ای از آنها نتیجه ای بدست می آید که به آن همنهاد یا سنتز Synthèse گویند. بدست آوردن هم نهاد، نقش بزرگ محقق و هدف پژوهش اوست. کار محقق در این مرحله مانند کار زنیور عسلی است که ساعت های بسیار روی گلهای گونا گون می نشینند، شیره آنها را می چشد

۱- همان مدرک، همان صفحه.

ولی بعضی را می‌پذیرد و از آنها تغذیه می‌کند و برخی دیگر را نادیده می‌گیرد و سرانجام از جمع آن همه مواد گوناگون ماده دیگری (عسل) می‌سازد که با وجود اینکه مأخذ و اصل آن، همان شیره گلهاست ولی ماهیت آن چیز دیگری است و هیچ بهشیره گلها شباهت ندارد.

صحت و اعتبار هر همنهاد بستگی تمام به رعایت و نظم و صحت مراتب پژوهش دارد و باید دارای شرایط زیر باشد :

الف - نتیجه ارزیابی منطقی بحث‌ها باشد.

ب - با محتوای فضول و بخشها سازگار باشد.

ج - دنباله و ادامه بحث‌ها نباشد.

د - شامل مواد محدود کننده و تأثید کننده در بحث نباشد.

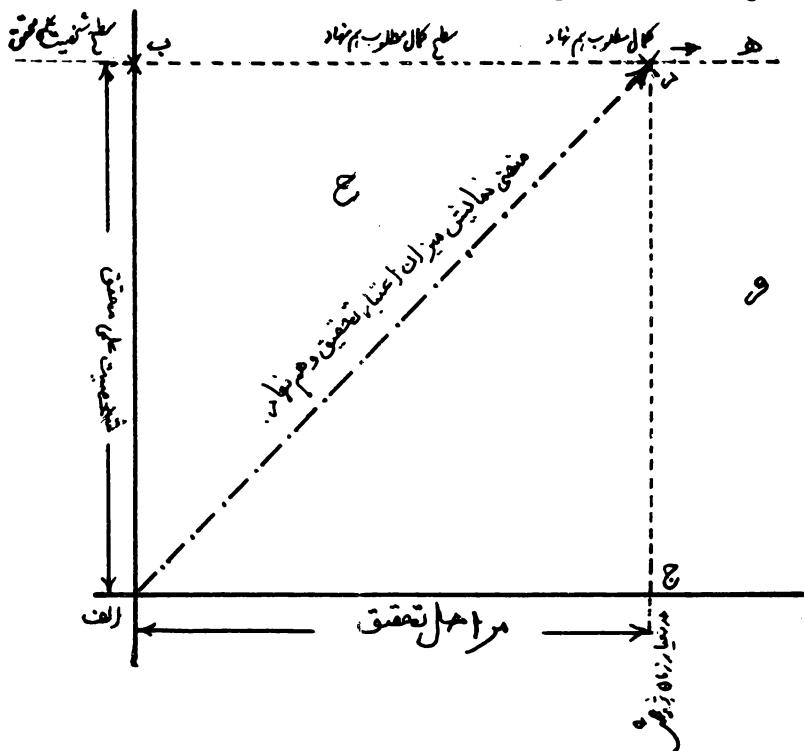
و کمال همنهاد به مایه علمی، قدرت خلاقه، ذوق و ابتكار محقق و مورخ بستگی دارد. در این جاست که گفته فلسفی نیچه Nietzsche که می‌گوید : « کسی که باید صاعقه‌ای برافروزد، باید خود دیرزمانی ابر باشد » متصداق پیدا می‌کند.

بنابراین، هر اندازه خصایصی که برای محقق و مورخ برشمردیم بالاتر و عالیتر باشد، سطح همنهاد نیز بالاتر و عالیتر خواهد بود، ولی هرگز سطح همنهاد از سطح شخصیت علمی و مختصات محقق و مورخ بالاتر نمی‌تواند بود، لیکن پائین تر هم نباید باشد. بدین جهت، در داوری راجع به یک اثر تحقیقی، وقتی می‌بینیم همنهاد و یا همنهادهای آن عالی نیست می‌توان گفت که با سطح شخصیت علمی محقق پائین بوده و یا محقق، تحقیق خود را سرسری انجام داده و در یکی دو مرحله از مراحل پژوهش او تسامحات و بسیاری های روى داده است (رجوع کنید به نمودار شناخت میزان اعتبار همنهاد - نمودار شماره ۱).

تعیین اینکه این تسامحات و بسیاری های در کدام یک از مراحل پژوهش پیش آمده است، با توجه به جداول معیار پیشرفت پژوهش (جداول شماره ۲ و ۳) و دقت در

مسیر تحقیقات محقق تا حدودی امکان‌پذیر است.

نمودار شناخت میزان اعتبار همنهاد (نمودار شماره ۱)



۱- خط ب_ه سطح کمال مطلوب و نقطه د ، کمال مطلوب همنهاد در تحقیق است .

۲- اگر منحنی نمایش (خط الف_د) قبل از نقطه د به سطح کمال مطلوب بر سر دال برضعیف بودن تحقیق وجود نارسائی هائی در آن است .

۳- اگر منحنی نمایش در منطقه و به سطح کمال مطلوب بر سر وسوس و ملاحظه کاریهای محقق و یا وجود علی را می‌رساند که موجب تأخیر در تحقیق شده است . چنانچه منحنی نمایش در یکی از مناطق ه و و و ز قرار گیرد و به سطح کمال مطلوب نرسد نشانه بی اعتباری تحقیق و غیر قابل اعتماد بودن آن است و

بدترین وضع هنگامی است که منحنی در ناحیه ز قرار گرفته باشد .

بدین گونه با ارائه همنهادهای منطقی و علمی، یک اثر تحقیقی عالی پدید می‌آید که می‌تواند به سوالات بسیاری پاسخ بگوید، مشکلاتی را که در اطراف موضوع مورد بحث بوده است بگشاید، اشتباهات تحقیقات سابق و نارسانی‌های آنها را رفع نماید. بهنسبتی که یک اثر تحقیقی در این راه موفق شود ارزنده‌تر و کاملتر است و کاملترین اثر تحقیقی درباره یک موضوع آن است که لائق، تا سال‌ها نتوان نکته‌ای بر آن افزود و یا مطالبی از آنرا رد کرد.

با امعان نظر در بررسی مرحله تحلیل به سه نکته مهم برمی‌خوریم که وجه مشترک جزئیات متشکل عمل تحلیل می‌باشدند :

*نخست، نقش زمان و مکان در تحقیق است که در پاره‌ای از مواد هم بدانها اشاره‌ای شدو در مرحله تحلیل، بالاخص باید به دو عامل مزبور توجه بسیارداشت و نیز باید دانست که منظور از زمان و مکان این نیست که تحقیق در چه زمانی و در چه مکانی صورت می‌گیرد، بلکه زمان در تاریخ یعنی زمانی که واقعه و رویداد مورد بحث در آن زمان روی داده است و به نگام پژوهش هر رویداد باید مقتضیات زمان را به خوبی بشناسیم. شناخت مقتضیات مکان و قوع واقعه هم خود حائز اهمیت است. چنانکه از بررسی درباره اردو کشی نادرشاه به هندوستان و اردو کشی خشیار شا به یونان که هر دو از طویلترین اردو کشی‌های تاریخ هستند، هنگامی که به ممکنات حمل و نقل و مسئله تدارکات در آن زمان بیندیشم به عظمت عمل نادرشاه و خشیار شا پی‌خواهیم برد.

در مورد اهمیت مکان به نقش موقعیت و وضع جغرافیائی و اقلیمی مکانی که واقعه در آن جاروی داده است باید توجه کرد چنانکه اگر از دو سپاه متخصص، یکی در دشت و دامنه کوهستان و دیگری در ارتفاعات و در پناه صخره‌های طبیعی و سرکوب به دشت مستقر شده باشد، پیروزی با آن است که در ارتفاعات و موضع مستحکمتر جای دارد و همچنین مردم مناطق گرمسیری در نواحی سرد سیر و سرما札 مقاومت نخواهند داشت.

* نکته دوم قضاوت در مراحل پژوهش است.

قضاوت در عمل به دو گونه صورت می‌گیرد: قضاوت ابژ کتیف Objectif یعنی تحقیق براساس بررسی بدون پیش داوری. دیگری قضاوت سوبژ کتیف Subjectif که مبنای آن بر استنباط، هوش و سلیقه محقق می‌باشد. در تحقیقات تاریخی قضاوت‌هابه صورت ابژ کتیف صورت می‌گیرد.

شرط‌اصلی قضاوت در مسائل تاریخی، چون در دیگر مسائل، بی‌طرفی محض است. محقق تاریخ و مورخ چنانکه پیش از این هم گفته شد، باید مصدق قول پولیب باشد که گفته است: «همینکه شخصی وضع و حالت معنوی مورخ را اختیار می‌کند، برا او لازم می‌آید که همه ملاحظات را از یاد ببرد - ملاحظاتی از قبیل محبت بادوستان و کینه ورزی بادشمنان. وی گاه باید به مدح اعداء و بهذم احباء پردازد». یک محقق و یک مورخ در جین پژوهش‌های خود از غرور و خودپسندی، دخالت دادن عقیده شخصی، تکبر به معلومات خود، حب جاه و مقام، جبن شخصی، ترس، تملق گوئی و کلیه اغراض و احساسات و عواطف انسانی باید عاری باشد، زیرا وجود هر یک از این عوامل، موجب قلب‌حقایق می‌شود.

* نکته دیگر و بسیار مهم، اینکه هر گز زمینه ذهنی محقق و یا به عبارت دیگر، پیش‌داوری او نباید در قضاوت و کار او دخالت کند، بلکه یک محقق باید فکر خود را از نظریات پیشین خود درباره موضوع مورد تحقیق به کلی خالی نگهداشد، زیرا پیش‌داوری که مانع قبول استدلال و منطق می‌گردد، مانع تفکر منطقی و تعقل محقق نیز خواهد شد.

۷- تهیه طرح نهائی

به نسبت پیشرفت پژوهش و به مقتضای محتوا و چگونگی موادی که به تدریج به دست می‌آید، لزوم تغییر و دستکاری در طرح مقدماتی نیز محسوس می‌گردد و محقق رفته رفته در می‌باید که باید طرح اولیه خودرا تصحیح و یا طرح دیگری جایگزین آن نماید. این طرح نوین را طرح نهائی گویند.

در این مرحله، یادداشت‌ها و فیش‌هایی که درباره مواد تحقیق آماده شده است در قالب طرح نهائی جایگزین می‌گردد و محقق برای اجرای مرحله بعدی پژوهش آماده می‌شود.

۸ - تأثیف و نگارش

تا آغاز این مرحله ، محقق و مورخ کلیه مدارک لازم و مفید را دیده ، خوانده و از غربال انقاد و تحقیق گذرانده است و با یادداشت‌هایی که از آن مدارک و اسناد استخراج نموده ، اقوال موافق و مخالف را در برابر چشم دارد ، و قایع درست را از حوادث مجهول تمیزداده است ، علل و موجبات پیدایش هریک از رویدادها را به خوبی شناخته و اثرات آن و قایع را نیز درست دارد و بدین گونه به کلیه جوانب موضوع خود محیط و بصیر می‌باشد حال می‌تواند موضوع مورد نظر را آن‌چنانکه بوده تشریح کند و حاصل تحقیقات خود را به صورت منظمی به روی کاغذ آورد و آنها را در قالب طرح نهائی خود منظم وارائه نماید .

هنر محقق و مورخ ، در این مرحله ظاهر می‌شود و در این مرحله از کار است که ذوق و سلیقه و نظم فکری او خود نمائی می‌کند . مورخ و یا محقق در این مرحله از تاریخ نویسی مانند معماریست که پس از فراهم آوردن مصالح بنا ، باید از روی نقشه درست ، درست به کار ساختمان گردد .

بر اساس آنچه گفته شد ، تأثیف و نگارش تحقیق تاریخی از این لحظه آغاز می‌شود و در نگارش و تدوین یک تحقیق تاریخی ، مانند سایر تحقیقات علوم انسانی ، رعایت نظام و مقرراتی مخصوص الزامی است .

در این مرحله ، محقق و مورخ باید دو اصل انفصل و عینیت را مرااعات کنند.

منظور از انفصل و عینیت در اینجا این است که محقق خود را مرکز ثقل شرح‌ها و استنتاجها قرار نداده و پای خود را به میان نیاورد. به عبارت دیگر، به جای استعمال صیغه اول شخص در افعال و ذکر ضمایر «من» و «ما» همیشه افعال را به حالت سوم شخص به کار برد. مثلا «به جای جملات» از آنچه گفته شد، چنین استنباط می‌کنم «یا» به نظر من (این جانب، نگارنده، راقم‌سطور) یا «نگارنده تصور نمی‌کنم» و مشابهات آنها ، باید نوشت «از آنچه گفته شد چنین استنباط می‌شود» و «چنین به نظر می‌رسد» و «تصور نمی‌رود» و نیز در موارد دیگر می‌توان گفت «از بررسی‌های گذشته می‌توان چنین نتیجه گرفت» و یا «از مدارک و منابع موجود چنین برمی‌آید»

.

مقام معنوی یک محقق نیز ایجاب می‌کند در نوشهای خود احترام نسبت به سایر محققان را رعایت کند . چنانچه محقق در تحقیق خود اشتباه یا غفلتی کرده است، به نحوی باید یاد آور شد که جنبه اهانت و تخفیف نداشته باشد . و این موضوع را بالاخص در مقالاتی که در انتقاد تحقیقات دیگران نوشته می‌شود باید بیشتر مرااعات نمود زیرا، محقق باید بداند او هم انسان است و از اشتباه و تسامح و غفلت عاری نیست .

محقق همچنین باید در نوشهای خود رعایت تو اوضع را بنماید – به این معنی که هر گز نظر و عقیده و کار خود را وحی منزل ندانسته و آن را از عقایدو و نظریات دیگران بالاتر و برتر نداند .

یک تحقیق تاریخی باید با نثر و قلمی روان ، ساده و عاری از هر گونه تکلفات واستعارات و تفصیلات ادبی نوشته شود و از استعمال کلمات ناماؤس و ثقيل در آن، حتی المقدور باید اجتناب کرد زیرا در مطالعه یک اثر تحقیقی، خواننده هر گز باید نیازی به مراجعه به فرهنگها و لغت‌نامه‌ها داشته باشد. این که بعضی معتقدند یک اثر تحقیقی نوشته‌ای است که باید دارای کلمات ثقيل و ناماؤس، عبارات پیچیده و

در ازومبهم باشد و باید به گونه‌ای نوشته شود که درک و فهم آن مستلزم تأمل بسیار باشد، نه تنها درست نیست بلکه باید گفت به کاربردن این روش جز به منظور فضل فروشی نخواهد بود.

افزون برآنچه گفته شد، تدوین و نگارش یک اثر تحقیقی مستلزم رعایت نظام و مقررات دیگری است که بدون رعایت این مقررات، محصول کارمحق جنبه علمی و تحقیقی خود را تا اندازه‌ای از دست می‌دهد و اهم این مقررات بدین قرار است:

الف - نشانه‌گذاری درمتن.

ب - ذکر مأخذ و منابع تحقیقات به صورت پانویسی.

پ - ارائه صورت کلی منابع و مأخذ.

ت - تنظیم فهرست‌ها

و اینک توضیح درباره هر یک از این موارد:

الف - نشانه‌گذاری:

نشانه‌گذاری درمتن نوشه‌های تحقیقی به منظور تکیک مطالب و نکات از یکدیگر است تا فهم جمله‌ها واستنباط مطالب آسان شود:

« نقطه ». ۱

۱- در پایان جمله‌های بیانی وامری درمی‌آید و ختم جمله را اعلام می‌دارد.

نمونه: ابرآمد و باز بر سر سبزه گریست.

۲- پس از حرف‌های مجزائی که صورت مخفف کلمات هستند، به کار می‌رود:

نمونه: الف . ج . ش . س . (= اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی).

«؟ نشانه پرسش»

۱- این قسمت با تصریفاتی از رساله «تدارک پژوهش نامه» تألیف آقای ح . آربانپور نقل می‌شود.

۱- در پایان جمله‌های پرسشی مستقیم واقع می‌شود.

نمونه: استاد از دانشجو پرسید: «آیا کتاب راخونده‌ای؟»
روشن است که در پایان جمله‌های پرسشی غیرمستقیم، به جای «نشانه پرسش»،
نقشه به کار می‌رود.

نمونه: استاد از دانشجو پرسید که آیا کتاب را خوانده است.

۲- گاهی برای نمایش مفهومی که در خور تردید یا استهzae است، به کار
می‌رود. در این مورد معمولاً میان «دو کمان» قرار می‌گیرد.
نمونه: قاتل با مقنول همدردی (؟) داشت.

۳- در پایان عنوانی که معنی استفهمی دارد و خود جزو جمله‌ای است،
در می‌آید.

نمونه: کتاب «چرا باید به فکر جامعه بود؟» را مطالعه کردم.

«! ، نشانه هیجان یا تعجب

در پایان جمله‌هایی که حاکی از هیجان یا تعجب یا تأکیدند، در می‌آید.
نمونه: عجب مهارتی داری!
مبارا دیر بیانی!

«، ویرگول

برای تفکیک کلمات یا بخش‌های جمله به کار می‌رود.

نمونه: هرجامعه‌ای از لحاظ صنعت، علم، هنر و اخلاق تحول می‌یابد
ناصرخسرو، شاعر آزاده ایرانی در سده پنجم هجری می‌زیست.

«: دو نقطه

۱- پیش از نقل قول مستقیم به کار می‌رود.

نمونه: سعدی گوید: «هر نفسی که فرومی‌رود، ممد حیات است».
۲- برای باز نمودن و بر شمردن اجزاء یک کل یا تفصیل یک امر مجمل

استعمال می‌شود.

نمونه: برنامه کار بدين قرار است:

۳- بین عنوان اصلی و عنوان فرعی کتاب و مقاله و سخنرانی و امثال این‌ها درمی‌آید.

نمونه: در آستانه رستاخیز: رساله‌ای در باب دینامیسم تاریخ.

» . . . سه نقطه «

۱- درجای يك يا چند کلمه حذف شده قرار می‌گیرد.

نمونه: عصر زور گوئی، مفتحواری، بی‌دانشی، خودپرستی . . . سپری شده است.

۲- در معنی کلمه «الخ» با «و غیره» و نظایر این‌ها استعمال می‌شود.

نمونه: کتاب‌های درسی - کتاب‌های تاریخ، جغرافیا، ادبیات، فیزیک، شیمی . . . باید با مقتضیات عصر سازگار باشند.

«هر گاه علامت سه نقطه در انتهای جمله واقع شود، علامت پایان جمله پس از آن قرار می‌گیرد.

نمونه: بهزودی علم راهنمای جامعه‌های انسانی خواهد شد، هنر با زندگی خواهد آمیخت و معنویت جهانگیر خواهد شد . . .

» . . . چند نقطه «

بهجای يك يا چند بیت شعر و احياناً يك يا چند سطر نثر استعمال می‌شود.

ای آن که غمگنی و سزاواری و ندرنهان سرسگ ک همی باري . . .

• • • • • • • • • •

هموار کرد خواهی گیتی را؟ گیتی است، کی پذیرد همواری؟

درمورد نثر می‌توان بهجای چند نقطه فقط سه نقطه به کاربرد.

» خط «

۱- برای قطع کردن مطلب و قید جمله معتبرضه به کارمی رود.

نمونه : نوع دوستی - راستی چه نعمتی است نوع دوستی - مرا از دغدغه‌های شخصی نجات داد.

۲- برای تکرار یا تشریح مطلب استعمال می‌شود.

نمونه : آب - آبی صاف - جاری بود.

۳- برای جمع کردن و فشردن مطلب به کارمی آید :

نمونه : انسان دوستی، شجاعت و فداکاری - این‌ها هستند مختصات انسان واقعی.

۴- برای بیان فاصله استعمال می‌شود :

نمونه : راه تهران - اصفهان.

صفحة ۵۰-۶۰.

۵- برای جدائی اعداد یا حروف الفبا از کلمات بعدی به کارمی رود.

نمونه : ۱-۲-۳-۴ و الف - ب - پ -

۶- برای اتصال دو جز از یک کلمه مرکب که یکی در انتهای سطر بالا و دیگری در ابتدای سطر بعد قرار گرفته است.

نمونه : دوستی راستی چه نعمتی است که همواره مرا از دغدغه‌های شخصی نجات می‌دهد.

«() کمان یا پرانتز

برای توضیحی اضافی یا ذکر نکته‌ای که در حکم گریز از مطلب مورد بحث است، به کار می‌رود.

نمونه : هه گل (که نباید یا هگل اشتباهش کنیم) یکی از طبیعت‌شناسان بزرگ سده نوزدهم است.

«معمولًا مطلب داخل «کمان» بیش از مطلب داخل ذر علامت تشریح از موضوع دور است.

» « گیوه

۱- در آغاز و انجام سخنی که مستقیماً از شخص یا منبعی نقل می‌شود، قرارمی‌گیرد.

نمونه: استادم گفته است: «برای جامعه زندگی کن و برای جامعه بیمیر». اگر مطلب نقل شده دراز و شامل چند بند (پاراگراف) باشد، علامت نقل در آغاز همه بندها و فقط در پایان بند آخر قرارمی‌گیرد.

۲- در آغاز و انجام اصطلاحات تازه یا جعلی و کلمات مورد تاکید و نیز در آغاز و انجام تعریف کلمه‌ها قرارمی‌گیرد.

نمونه: کلمه «فرهنگ» معادلی است برای «کولتور» فرنگی.

۳- هنگام ذکر عنوان مقالات و رسالات نامستقل و سخنرانی‌ها و فصل‌های یک کتاب، برای مشخص کردن آن‌ها این علامت به کارمی رود.

نمونه: «در فضیلت قناعت» باب سوم گلستان سعدی است.
«هر گاه لازم آید که یک یا چند کلمه از کلمات داخل در این علامت، به نوبه خود، برجسته یا مشخص گردد، پیش و پس آن یک یا چند کلمه، گیوه یک شاخه > نهاده می‌شود.

نمونه: سخنران گفت: «کلمه <جوهر> معرب <گوهر> است.»

» [نشانه مداخله یا قلاب]

۱- برای مشخص کردن کلمه یا کلماتی که داخل نوشته یا عنوان کتابی می‌کنند، آن کلمه یا کلمات را بین دو قلاب قرارمی‌دهند.

نمونه: بیهقی نوشته است: «امیر [مسعود غزنوی] وی را بشاند و خالی کرد..

» خط زیر کلمات

«برای برجسته نمودن برخی از کلمات یا عنوان‌های دستنوشته‌ها و اوراق ماشینی، خطی مستقیم یا موج دارزی آن کلمات می‌کشند. خط مستقیم مخصوص

كلمات و عنوان های مهم است.

نمونه: بینوایان شاهکاری ادبی است.

آن که ما را می زایدومی پرورد و به مازبان و آندیشه و شخصیت می بخشد،
جامعه است.

«در نوشته های چاپی معمولاً به جای آنکه زیر کلمات بر جسته خط بکشند،
آن کلمات را با حروف چشم گیری مانند حروت درشت یا حروف مورب (ایتالیک)
چاپ می کنند.»

ب- مقررات پانویسی

ذکر مآخذ و مدارک در یک اثر تحقیقی از واجبات است و اینکه برخی عادت دارند در آثار تحقیقی، به ملاحظاتی خاص به «فحوای ذهنی» خود استناد می کنند و بعضی نیز تنها به ذکر نام مدارک در پایان کتاب و رساله و مقاله اکتفامی نمایند روش علمی و درستی نیست و حاصل اینگونه تحقیقات ارزش استنادی چندانی ندارد. یک محقق و امانت دار، ضمن اینکه فهرستی جامع و در صورت امکان، تحلیلی، از مآخذ خود در آغاز و یا در پایان کتاب و رساله به دست می دهد، هر مطلب و آندیشه ای را هم که از مؤلف و محقق و نویسنده دیگری گرفته و در تحقیقات خود آورده است، باید با ذکر نام نویسنده و محقق و مشخصات مدرک و شماره صفحه، مشخص نماید و این کار برخلاف عقیده برخی از محققان که معتقدند ذکر مآخذ و مدارک از مقام علمی و معنوی ایشان می کاهد، نه تنها بر مقام علمی و معنوی آنها می افزاید بلکه اعتقاد خواننده را نیز بیشتر جلب می کند و نیز نشان می دهد کدام مطلب و نکته از دیگران و کدام استنباط و نظر خود محقق است. اضافه براین مزایا، ذکر مآخذ، راهنمائی برای شناخت مراجع مربوط به هر نکته و هر موضوع خواهد بود. ذکر مآخذ در مواردی ضروری است که مطلبی به طور مستقیم و یا غیر مستقیم به متن تحقیق نقل شده باشد.

در مورد اینکه آیا مشخصات مآخذ در کجا باید قید شود، روش ثابتی را

نمی‌توان ارائه کرد. هر محقق و نویسنده‌ای روش خاصی برای خود دارد. به طور کلی ممکن است مشخصات مأخذ مطالب هر صفحه را در پائین همان صفحه نوشت و یا در آخر هر فصل و یاد رپایان کتاب در ذیل عنوان فصول مربوط، قرارداد و لی قدر مسلم اینکه مشخصات مأخذ، خواه در پائین صفحات ذکر شوند و خواه در پایان فصول، خود باید باقید شماره‌های متوالی مشخص شوند.

برای این کار هم قاعدة منجزی نیست، می‌توان زیرنویس‌های هر صفحه را بار قم یک شروع و بر حسب تعداد آنها شماره گذاری کرد و در صفحه بعد باز به همین ترتیب عمل کرد یا برای هر فصل یک توالی از شماره یک قبول نمود. برای مقالات و رسالات کوچک نیز این روش اخیر رامی‌توان پذیرفت لیکن برای کتاب‌ها بهتر است شماره گذاری بر مبنای هر صفحه و یا هر فصل باشد. ولی به هر صورت، زیر-

نویسی خود مقررات مشخصی دارد بدین شرح:

«۱- هنگام ذکر یک مأخذ باید در آن زمینه، چهار نوع آگاهی به دست داد:
آگاهی درباره نویسنده، آگاهی درباره شماره صفحه مطلب منقول.
این اطلاعات را به ترتیب معینی در پی یک دیگرمی آورند: در وهله اول از نویسنده نام می‌برند. در وهله دوم عنوان و مختصات کلی مأخذ را ذکرمی‌کنند. در وهله سوم چگونگی انتشار آن را به میان می‌گذارند و سرانجام به صفحه منقول می‌پردازنند.
این اطلاعات برای شناخت مأخذ لازم‌اند.

« فقط در مواردی که رساله تحقیق دارای «کتاب نامه»^۱ باشد، چون همه مختصات مأخذها در «کتاب نامه» آمده‌اند، می‌توان برخی از مختصات مأخذمانند مختصات مربوط به چگونگی انتشار را در پانوشهای نیاورد. هر نوع مأخذی به همین ترتیب ذکرمی‌شود، و تنها بر حسب آنکه مأخذ کتاب باشد یا مجموعه یا مطلبی منقول

۱- با تصریفاتی، از رساله «تدارک پژوهش نامه» تألیف آقای ا. ح.

آریانپور نقل گردیده است.

۲- مظور - فهرست منابع و مأخذ است

از جراید، تفاوت‌هایی جزئی پدید می‌آید. بنابراین در آین استناد توجه به سه موضوع – استناد به کتابها، استناد به مجموعه‌ها و استناد به جراید – و نیز موضوع تهیه کتاب نامه یا صورت مجموع مأخذ لازم است.

۱۱- استناد به کتاب‌ها

نویسنده : اول نام شخصی و سپس نام خانوادگی نویسنده را قید می‌کنند. ذکر القاب نویسنده لازم نیست. اگر نویسنده : کتاب خود را از آثار دیگران گردآوری یا اقتباس کرده باشد، پس از نام نویسنده، کلمه «گردآوری» یا «اقتباس» را در میان «دو کمان» می‌نهند.

«اگر کتاب داری دویا سه نویسنده باشد، نام شخصی و نام خانوادگی همه را به ترتیب می‌نویسنند. ولی اگر کتاب بیش از سه نویسنده داشته ناشد، تنها نام اولی را ذکرمی‌کنند و کلمه «و دیگران» را بر آن می‌افزایند. اگر نویسنده معلوم نباشد، دو حال پیش می‌آید : در صورتی که کتاب او به حد کفایت مشهور نباشد، عبارت «نویسنده معلوم نیست» را در میان علامت «دو قلاب» قید می‌کنند. ولی اگر کتاب شهرتی کافی داشته باشد (مانند کتب دینی)، عنوان کتاب را به جای نام نویسنده در اول سطر می‌نویسنند.

«عنوان و مختصات کتاب: عنوان اصلی کتاب را به طور کامل ذکر می‌کنند. برای بر جسته نمودن عنوان، در نسخه‌های دستی یا ماشینی، خطی زیر آن می‌کشنند و در کتابهای چاپی، عنوان را با حروفی چشم گیر چاپ می‌کنند.

«اگر کتاب دارای دو عنوان اصلی باشد، می‌توان هر دو را قید کرد. در این مورد باید برای تفکیک دو عنوان، «علامت دو نقطه» به کار برد.

«اگر کتاب از زبانی به زبان دیگر ترجمه شده باشد، پس از عنوان، کلمه «ترجمه» یا «ترجمه و تلخیص» یا... را همراه با نام شخصی و نام خانوادگی مترجم می‌آورند.

«در صورتی که کتاب بیش از یک جلد داشته باشد ، شماره جلد را هم پس از عنوان و نام مترجم قرار می دهند.

« چَّونگی انتشار : اول محل انتشار ، بعد نام ناشر و در پایان تاریخ انتشار و شماره چاپ (چندین چاپ) را ذکر می کنند . اگر محل انتشار یا نام ناشر یا تاریخ انتشارات معلوم نباشد ، دو حال پیش می آید : در صورتی که امر مجهول معلوم نشود ، عبارت «محل انتشار معلوم نیست» یا «نام ناشر معلوم نیست» یا «تاریخ انتشار معلوم نیست» را در میان «دو قلاب» قید می کنند . ولی اگر امر مجهول معلوم گردد ، آنرا در میان «دو قلاب» ذکر می کنند .

« شماره صفحه مطلب منقول : اگر مطلب منقول تنها از یک صفحه نقل شده باشد ، حرف «ص» (صفحه) را قید می کنند و پس از آن شماره را می گذارند . اگر مطلب منقول شامل چند صفحه باشد ، پس از حرف «ص» ، شماره صفحه آغاز و انجام مطلب منقول را می نهند و آنها را با یک «خط» از یک «خط» از یک دیگر جدا می سازند . در صورتی که فصلی از یک کتاب مورد استفاده قرار گرفته باشد ، می توان به جای ذکر صفحه ها ، کلمه «فصل» و شماره ترتیب آن را قید کرد . اگر مطلبی که از صفحه معینی نقل شده است ، در برخی دیگر از صفحات مأخذ نیز آمده باشد ، پس از ذکر صفحه و شماره آن ، عبارت «وجاهات دیگر» را می افزایند . همچنین در صورتی که مطلب منقول در صفحه ای شروع شود و تا پایان بخش یا فصل ادامه یابد ، می توان پس از ذکر صفحه و شماره آن ، کلمه «و دنباله» را افزود .

« برای جدا ساختن هر یک از مشخصات مأخذ در ذیل صفحه ، معمولاً علامت ویرگول ، به کار می برد . ولی منطقی تر این است که پس از نام نویسنده ، «علامت دو نقطه» و در موارد دیگر «علامت ویرگول» استعمال کنند . بدیهی است که در پایان مشخصات مأخذ یعنی پس از ذکر صفحه کتاب باید «نقطه» گذاشت .

« به شرحی که گذشت ، اگر یکی از مشخصات مأخذ ، روی جلد یا داخل آن ذکر نشده باشد ، به جای آن عبارت «معلوم نیست» را در میان «دو قلاب» ذکر

می‌کنند. ولی اگر محقق مشخصات نامعلوم مأخذ را به طور غیرمستقیم و با تفحص شخصی بیابد، باید آن را در جای خود ذکر کند، ویرای تفکیک آن از مشخصاتی که در خود مأخذ قید شده‌اند، آن را میان «دولاب» بگذارد.

«اگر مطلبی از مأخذی به مأخذی نقل شده باشد، و ما این مطلب منقول را از نوشتۀ دوم به نوشته خود منتقل کنیم، باید نخست مأخذ اصلی را در ذیل صفحه بنویسیم و سپس کلمۀ «به نقل» را همراه با مأخذ دوم قید کنیم.

«اگر مطلبی در متن آوریم که به دویا چند مأخذ مربوط باشد، می‌توانیم در ذیل صفحه، همه مأخذها را یکی پس از دیگری ذکر و هر مأخذ را با علامت ویرگول از مأخذ دیگر تفکیک کنیم.

«در موردی که از کتابی دویا چند چاپ در دست باشد، می‌توانیم برای راهنمایی خوانندگان، به جای ذکر یکی از این چاپها، همه را قید کنیم. در این صورت تکرار نام نویسنده و عنوان کتاب ضروریست. می‌توانیم به جای نام نویسنده و عنوان هر چاپ، یک یا دو خط بکشید (به علامت تساوی) و سپس سایر مشخصات هر کدام را به میان گذاریم. البته اگر عنوان‌های آنها متفاوت باشند، ذکر یک‌یا دو خط بکشید (به علامت تساوی) و سپس سایر مشخصات هر کدام را به میان گذاریم. در این مورد نیز «علامت ویرگول» و سیله تفکیک نام و نشان چاپ‌های متعدد کتاب خواهد بود.

«اگر دوبار پیاپی از یک مأخذ نقل کنیم، در بار دوم، قید همه مشخصات لازم نیست، اگر هر دو مطلب منقول در یک صفحه باشند، در بار دوم کافی است که به جای مشخصات مأخذ، عبارت «همان کتاب» یا «همان» بیاید و زیر آن خطی کشیده شود تا در موقع چاپ شدن کتاب با حروف درشت چاپ شود. اما اگر مطالب منقول از دو صفحه متفاوت باشند، باید پس از کلمۀ «همان کتاب» یا «همان»، علامت ویرگول گذاشت و حرف «ص» را با شماره آن آورد.

«هر گاه از مأخذی یاد کنیم و پس از آن از مأخذ دیگری نام به میان آوریم و مجدداً به مأخذ او لی پردازیم، چوی مأخذ سوم همان مأخذ اول است، به هنگام

ذکر آن، تکرار همه مشخصات آن لازم نیست. کافی است که نام خانوادگی نویسنده را بیاوریم و بعد علامت «دونقطه» گذاریم و در پسی آن، کلمه «کتاب پیشین» یا «پیشین» را قید کنیم و زیر آن خطی بکشیم. تا در وقت چاپ شدن کتاب، یا حروف درشتتر چاپ شود. اما اگر قبل از کتابهای دیگر آن نویسنده نیز نامی برده باشیم، دیگر نمی‌توانیم با کلمه «کتاب پیشین» یا «پیشین»، کتاب او را مشخص سازیم. در این صورت لازم است که پس از نام خانوادگی او، عنوان کتاب را هم به طور خلاصه ذکر کنیم در چنین مواردی، اگر بیم آن رود که نویسنده کتاب مورد نظر با نویسنده دیگری که نامش در نوشته ما آمده است اشتباه شود، باید نام شخصی نویسنده را هم با نام خانوادگی او بیاوریم.

«برای صرفه جوئی در وقت، به کار بستن نشانه‌های اختصاری ساده ضرورت دارد. می‌توان به جای کلمه «جلد»، حرف «ج»، و به جای کلمه «صفحه»، حرف «ص» و به جای «رجوع کنید به»، حرف «رک». و به جای «قياس کنید با»، حرف «ق س» و به جای «نگاه کنید به» حرف «ن ک» را به کار برد.

«چنان که گفته شد، هرگاه محقق صورت کامل مأخذ نوشته خود را در پایان رساله قید کند، می‌تواند در ذیل صفحات از ذکر پاره‌ای مشخصات مأخذها مانند مشخصات انتشار و نام مترجم خودداری ورزد.

«نمونه طرز استناد به کتاب‌ها :

محمدباقر هوشیار: اصول آموزش و پژوهش، جلد اول: طرح اصول، تهران، ناشر معلوم نیست، چاپ دوم، ۱۳۳۱، ص ۱۳۱.

محمد مهدی فولادوند: خیام‌شناسی، قسمت اول، تهران، ناشر معلوم نیست، ۱۳۴۷، ص ۴۲.

هوشیار: پیشین، ص ۱۳۸.

موریس هالب واکس: طرح روان‌شناسی طبقات اجتماعی، ترجمه

علی محمد کاردان، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۰، ص ۱۱۰ و جاهای دیگر.
علی اکبر سیاسی : علم النفس یا روان شناسی از لحاظ تربیت، تهران،
دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۳۱، فصل ششم.
م. م. دیاگونوف : تاریخ ایران باستان، ترجمه روحی ارباب، تهران،
بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۶، ص ۷۲ و ۷۶ و ۷۷.
همان، ص ۱۴۶ و دنباله.

«۲- مجموعه‌ها

«هنگام نقل از مجموعه‌هایی که شامل مطالب یا مقالاتی به قلم یک یا چند نویسنده‌اند، نام نویسنده مطلب منقول را به همان ترتیبی که در مورد کتاب بیان شد، ذکرمی کنند، عنوان مطلب یا مقاله منقول از مجموعه را در میان «علامت گیومه» می‌گذارند، بعد عنوان مجموعه را ذکرمی کنند و زیر آن خطی می‌کشند تا هنگام چاپ کتاب، با حروف درشت چاپ شود. سپس در صورتی که نویسنده یا مؤلف مجموعه غیر از نویسنده مقاله یا مطلب منقول باشد، نام او را بعد از کلمه «گردآورده» یا «تألیف» یا «...» می‌آورند و پس از آن همان طور که درباره کتاب ذکر شد، شماره جلد و چگونگی انتشار و صفحه مطلب منقول را قید می‌کنند.

«نمونه طرز استناد به مجموعه‌ها :

محمد معین : «خدمات نصیر الدین طوسی بهزبان و ادب پارسی»،
یادنامه خواجہ نصیر الدین طوسی، زیر نظر ذبیح‌الصفا، تهران، دانشگاه تهران،
۱۳۳۶، ص ۱۲۰-۱۲۲
همان، ص ۱۲۳.

رابرت ب. داونز : «بقای اصلاح»، ترجمه محمود بهزاد، کتاب‌هایی که دنیا را تغییر داده‌اند، زیر نظر سیروس پرهام، تهران، کتابخانه ابن‌سیتا،
معین : پیشین، ص ۱۲۲.

محمد قزوینی : «تکمله در خصوص خیام»، بیست مقاله از مقالات تاریخی و انتقادی و ادبی قزوینی، به‌اهتمام عباس اقبال، جزو دوم : تهران، ناشر معلوم نیست، ۱۳۱۳، ص ۸۱.

ضیاءالسدهن دُری : «رساله در اصطلاحات فلسفه»، کنز المسائل فی اربع رسائل، تهران، کتاب فروشی خیام، ۱۳۳۰، ص ۱۰ و دنباله.

«۳- جراید

«در مورد نام نویسنده مطلب منقول از روزنامه‌یا مجله‌یا سالنامه یا . . . همان شیوه‌ای را که در مورد کتاب‌ها و مجموعه‌ها به کارمی برند، رعایت می‌کنند. ولی در مورد عنوان و چگونگی انتشار جراید مختصر تفاوتی پیش می‌آید. به این معنی که عنوان مطلب یا مقاله را در میان «علامت گیوه» می‌گذارند، بعد عنوان روزنامه یا مقاله یا سالنامه یا . . . را می‌نویسن و زیر آن خطی می‌کشند تا در وقت چاپ کتاب، با حروف درشتتر چاپ شود. سپس محل و تاریخ انتشار و شماره جلد یا دوره و شماره ترتیب و شماره صفحه و احیاناً شماره ستون را ذکرمی‌کنند.

«نمونه طرز استناد به جراید:

خسرو خسروی: «تطویر جمعیت و شکل تهران»، مجله سخن، تهران، تیر ۱۳۴۰، شماره ۳، ص ۲۸۰.

محمد جعفر محجوب: «در باه این خلدون و مقدمه او»، مجله صدف، تهران، اردی بهشت ۱۳۳۸، سال اول، شماره ۷، ص ۴.

سیمین مصطفوی رجالي: «روانشناسی معلم»، مجله سخن، تهران، شهریور ۱۳۴۰، دوره دوازدهم، شماره ۵، ص ۵۴۹ و دنباله.

ھ . ج . آی زنک: «نقش اساسی روان کاوی»، ترجمه محمد تقی براهنی و مسعود رضوی، نشریه دانشکده ادبیات تبریز، تبریز، زمستان ۱۳۴۰، سال سیزدهم، شماره چهارم، ص ۴۴۸.

همان ، ۴۴۷

مصطفوی رجالی: پیشین، ص ۵۵۱ .۰۵۵

پ- صورت مجموع مأخذها یا فهرست منابع

پس از پایان یافتن مرحله نگارش، باید صورتی از کلیه منابع و مدارکی که مورد استفاده برای تحقیق بوده فراهم و ضمیمه تحقیق کرد. در تهیه این صورت گاهی فقط به ذکر نام منابع، نام مؤلفان و مترجمان، تاریخ چاپ و محل آنها اکتفا می‌کنند و گاهی مؤلف و محقق، درباره برخی از آنها تو ضیح بیشتری هم می‌دهد. جای فهرست منابع عمولاً در پایان کتاب و رساله است. وقتی این فهرست با تفصیل بیشتر و به صورت تحلیلی و آموزنده تدوین شود آن را در ابتدای کتاب و رساله، بعد از فهرست مطالب و مندرجات هم می‌گذارند و به هر حال ممکن است کلیه مأخذ و منابع را بر حسب ترتیب الفبائی به دنبال یکدیگر ذکر کرد و نیز می‌توان منابع و مدارک را قبل از ترتیب الفبائی فارسی، خطی، استناد آرشیوی، منابع به زبانهای دیگر، جغرافیائی، ادبی، باستان شناسی و . . . طبقه بنده و سپس در هر طبقه به ترتیب الفبائی تنظیم کرد.

۱) ترتیب مختصات هر یک از مأخذها کتاب نامه با کمی تفاوت، همان ترتیب پانوشه هاست، به این معنی که نخست مشخصات نویسنده، بعد عنوان و مختصات مأخذ و سپس جگونگی انتشار آن ذکرمی شود. با این وصف، تفاوت هایی در ترتیب مأخذها کتاب نامه و مأخذها ذیل صفحات وجود دارد.

« در صورت منابع، نام خانوادگی نویسنده را در اول می‌آورند، بعد علامت ویرگول می‌گذارند و سپس نام شخصی نویسنده را ذکرمی کنند.

« اگر مأخذ دارای دو یا چند نویسنده باشد، نام اولی ب همین شیوه (اول نام خانوادگی بعد نام شخصی) ذکرو سپس نام نویسنده گان دیگر به طرز متعارف

۱- با تصرفاتی، از رساله «تدارک پژوهش نامه» تألیف آفای ۱. ح.

آریانپور نقل گردیده است.

(اول نام شخصی بعد نام خانوادگی) نوشته می شود . هر گاه مأخذی فاقد نام نویسنده باشد، عنوان مأخذ به جای نام نویسنده، در اول سطر قرار می گیرد.

« هر گاه دو یا چند مأخذ متعلق به نویسنده واحده باشند، هنگام نقل مأخذ دوم و مأخذهای بعدی، تکرار نام نویسنده ضرورت ندارد. کافی است که به جای نام او ، یک خط یا دو خط (به علامت تساوی) بکشیم و سپس عنوان مأخذ را ذکر کنیم .

« اگر مأخذ مخصوص چند مجلد باشد و تاریخ انتشار همه مجلد ها یکی نباشد، باید تاریخ نخستین مجلد را نوشت، بعد خطی گذاشت و سپس تاریخ آخرین مجلد را قید کرد.

« اگر مأخذ دارای چند جلد باشد ، در صورت منابع از شماره کل آن جلد ها نام برده می شود ، حال آنکه در پانو شته ها فقط آن جلدی را که مورد استفاده قرار گرفته است . قید می کنند.

« در صورت مأخذ از ذکر شماره صفحه های کتاب ها خودداری می شود، ولی شماره صفحه های آغاز و انجام مقاله ای که از جراید یا مجموعه ها نقل می شود، قید می گردد.

« چنان که گفته شد، در صورت منابع معمولاً مأخذها را مطابق ترتیب الفبائی نام خانوادگی نویسنده گان ، زیر یک دیگر قرار می دهند. براین سخن باید افزود که در مواردی هم می توان مأخذها را به ترتیب زمان انتشار آنها طبقه بندی کرد: در موردی که تعداد مأخذها زیاد باشد، می توان صورت کتاب ها و مجموعه ها و جراید را از یک دیگر جدا ساخت یا مجموع آن ها را از لحاظ موضوع به چند دسته تقسیم کرد و سپس هر دسته را به ترتیب الفبا انتظام بخشید.

« هر گاه مأخذی بیش از یک سطر را اشغال کند، برای نوشتن دنباله آن، در سطر های بعد حاشیه بیشتری ترتیب می دهند (عکس ترتیب پانو شته ها) تازاجهای نویسنده گان مأخذها ، بی فاصله در زیر یک دیگر قرار گیرند.

«نمونه طرز تهیه صورت منابع:

خسروی ، خسرو : «طور جمعیت و شکل تهران» ، مجله سخن ،
تهران ، تیر ۱۳۴۰ ، دوره دوازدهم ، شماره ۵۳ .

داونز ، راپرت ب . : «بقاء اصلاح» ، ترجمه محمود بهزاد ،
کتاب‌هایی که دنیا را تغییر داده‌اند ، زیرنظر سیروس پرها ، تهران ، کتاب
خانه ابن سینا ،

دیاگونوف ، م . م . : تاریخ ایران باستان ، ترجمه روحی ارباب ،
تهران ، بنگاه ترجمه و نشر کتاب ، ۱۳۴۶ .

سیاسی ، علمی اکبر : علم النفس یاروان شناسی از لحاظ تربیت ،
چاپ سوم ، ۱۳۳۱ .

فویادوند ، محمد مهدی : خیام شناسی ، قسمت اول ، تهران ، ناشر
علوم نیست ، ۱۳۴۸ .

قزوینی ، محمد : «تکمله در خصوص خیام» ، بیست مقاله از مقالات
تاریخی و انتقادی و ادبی قزوینی ، به اهتمام عباس اقبال ، دو جزو ، جزو
اول : تهران ، ناشر علوم نیست ، ۱۳۱۳ .

محجوب ، محمد جعفر : «درباره ابن خلدون و مقدمه او» ، مجله صدف ،
تهران ، اردیبهشت ۱۳۳۷ ، سال اول ، شماره ۷ ، ص ۵۶۴ - ۵۵۴ .

معین - محمد : «خدمات نصیرالدین طوسی به زبان و ادب پارسی» .
یادنامه خواجه نصیرالدین طوسی ، زیرنظر ذبیح‌الصفا . تهران . دانشگاه
تهران ، ۱۳۳۶ .

ت - فهرست‌ها

یک اثر تحقیقی حتماً باید دارای فهرست‌هایی باشد. این فهرست‌ها معمولاً
ubarنداز: فهرست مطالب و مندرجات که معمولاً در ابتدای کتاب قرار می‌گیرد، فهرست

تصاویر ، فهرست نقشه‌ها ، فهرست جداول و بالاخره فهرست نامها شامل نام کسان ، نام مردمان و قبایل ، نام جاها . ممکن است این سه فهرست اخیر در یک فهرست و به نام فهرست عمومی اعلام تدوین شود و یا هزیک به طور جداگانه تنظیم نمود . در برخی از اثرهای تحقیقی ، مناسب با موضوع مورد تحقیق ، فهرست‌های دیگری هم مثل فهرست اصطلاحات و لغات اجتماعی و اداری ، فهرست سنوات ، فهرست عهده‌نامه‌ها و امثال آنها می‌توان تنظیم کرد .

شاید برخی ، الحاق فهرست را در یک کتاب کاری عبیث و بیهوده بدانند ولی باید دانست که وجود فهرست و فهرست‌ها در یک اثر تحقیقی ، کار تحقیق و مطالعه را برای سایر محققان آسان می‌کند زیرا بی‌آنکه محققی ، سراسریک کتاب قطور را برای یافتن نکته‌ای بخواند ، با کمک فهرست‌ها می‌تواند به سادگی آن را بیابد و با مراجعه به عنوان و نام مطلوب ، شماره صفحاتی را که آن نام و عنوان در آن صفحات ذکر شده به دست آورد . برای روشن شدن مطلب بد نیست گفته شود : فرض کنیم محققی درباره روابط ایران و عثمانی مطالعه و تحقیق می‌کند و تاریخ عالم آرای عباسی تألیف اسکندریگ^۱ را دردست دارد . اگر نسخه مورد استفاده چاپ اول باشد محقق مجبور است تمام صفحات کتاب را اورق زده و بخواند حال آنکه چون چاپ جدید آن^۱ دارای فهرست‌های است می‌بیند در کتاب مزبور درشش موضع نام عثمانی و در ۲۶ موضع هم آن عثمان آمده است . بنابراین کافی است آن صفحات را بازکند و با صرف مدتی اندک آنچه رادر کتاب هزار و صد و شانزده صفحه‌ای راجع به روابط ایران و عثمان هست بررسی نماید .

آخرین نکته‌ای که در مبحث نگارش باید یاد آورشد ، به کار بردن جداول و نمودارهاست :

حسن و مزیت این روش چنین است که مطالب زیادی را که غالباً نوشتند آنها

۱ - به تصحیح ایرج افشار ، چاپ مؤسسه امیر کبیر - سال ۱۳۳۷ .

مستلزم چند صفحه و اغلب هم به صورتی پیچیده و مبهم خواهد بود، می‌توان در یک صفحه و به نحو بسیار آسان و قابل استنتاج نشان داد و بدین گونه تصورات و نظریات محقق به استعانت یک نمودار خلاصه می‌شود و در آن واحد، نیز می‌توان تغییرات متوالی چند عامل را با یکدیگر مقایسه و نتیجه‌گیری نمود.

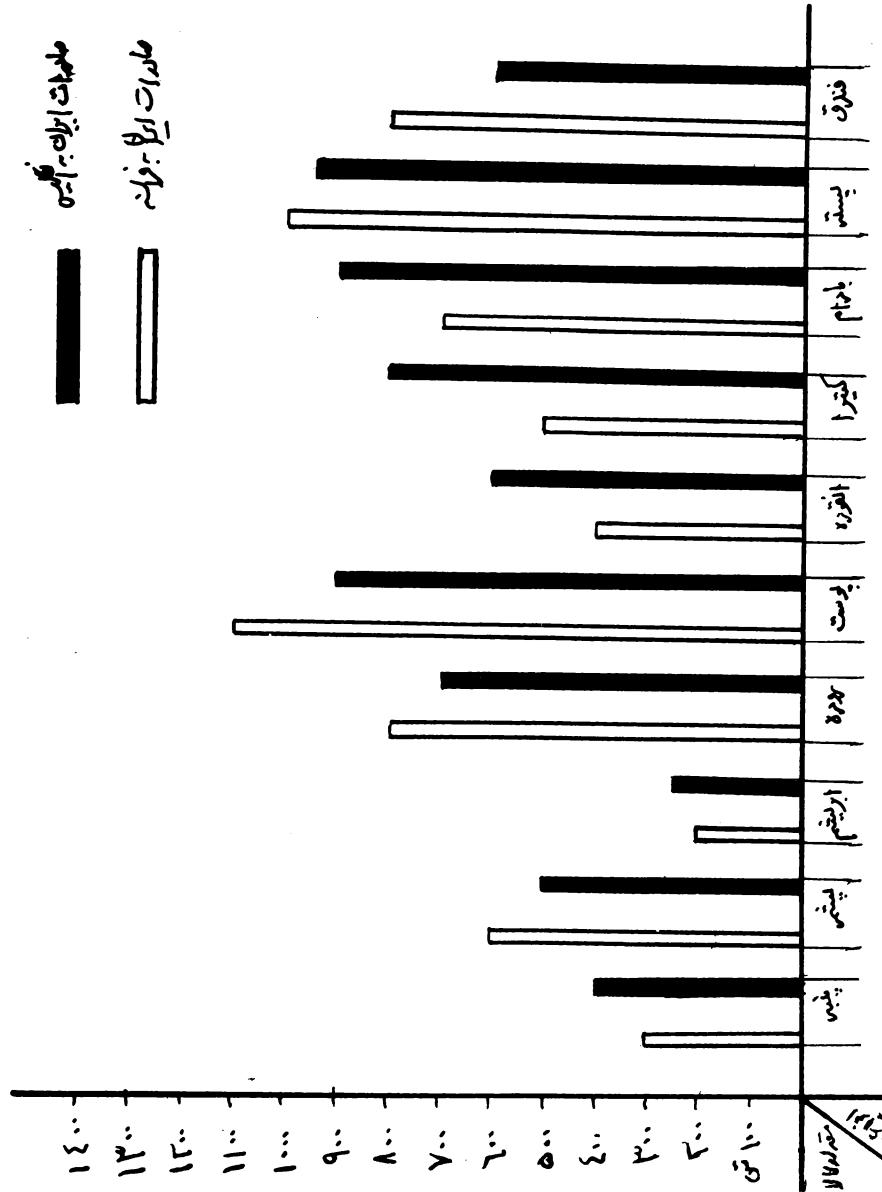
یک نمودار می‌تواند نشان‌دهنده تغییرات یک موضوع و یا چند موضوع باشد.

در این صورت اخیر بهتر است نمودار نمایش هر موضوع با رنگی مخصوص رسم شود تا تمیز آنها از یکدیگر آسان‌تر باشد.

نمودارها را به دو صورت ستونی (نمودار شماره ۲) و به شکل خطوط شکسته متوالی (نمودار شماره ۳) می‌توان رسم کرد بدین گونه که وقتی منظور نشان دادن تغییرات یک موضوع یا دو موضوع باشد می‌توان از روش ستونی استفاده کرد ولی اگر بخواهند تغییر چند عامل متفاوت را نشان‌دهند بهتر است از روش خطوط شکسته استفاده شود و به هر صورت روش اخیر برای هر حالتی باشد مزایای بیشتری دارد. برای رسم یک نمودار باید نخست دو محور عمود بر یکدیگر رسم کرد و هر محور را به یک موضوع تخصیص داد، مثل نمودار شماره ۲ که محور افقی به انواع مواد صادراتی ایران به کشورهای فرانسه و انگلیس اختصاص داده شده و محور عمودی برای میزان صدور هریک از انواع مزبور می‌باشد و یا در نمودار شماره ۳، محور افقی برای نشان دادن سالهای متوالی و محور عمودی برای مبلغ بهای کالاهایی است که به ایران وارد شده است.

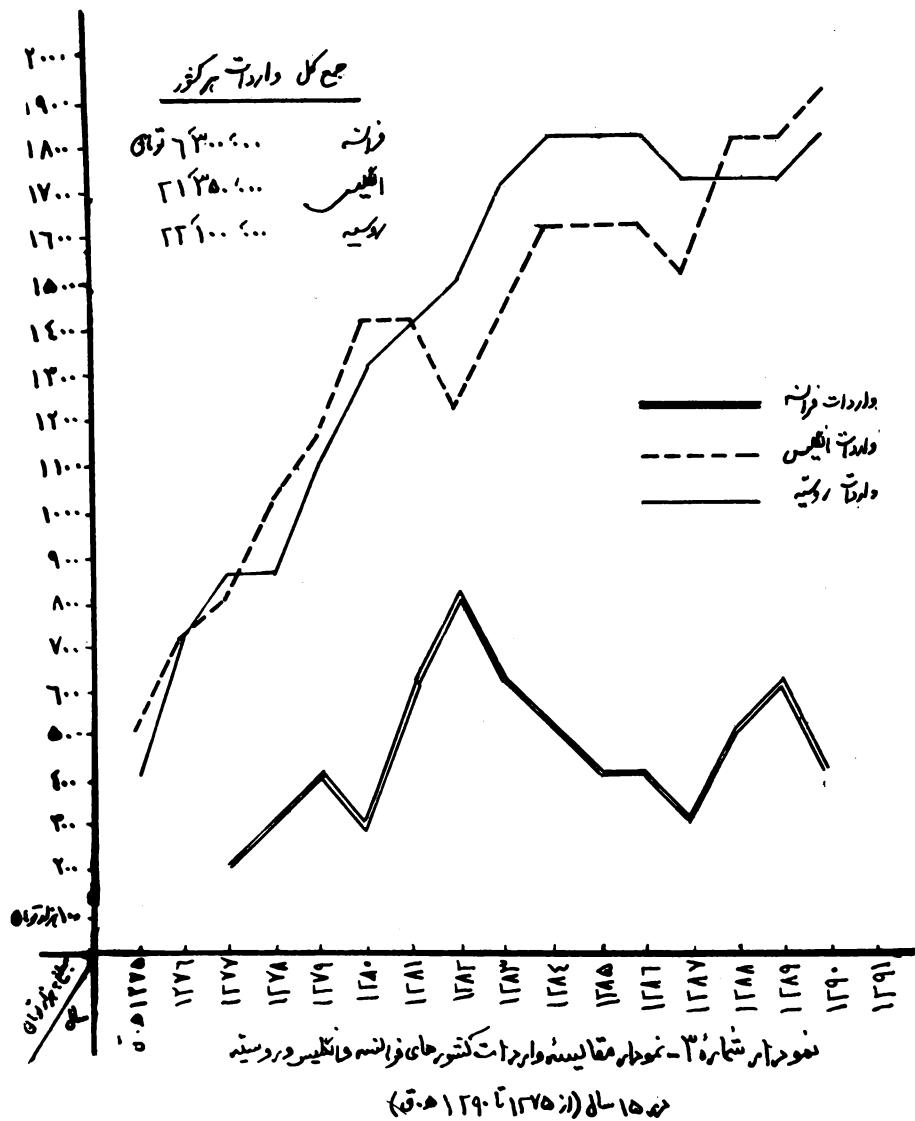
با مراجعه به این نمودارها به سهولت می‌توان دریافت که وضع رقابت بازرگانی کشورهای فرانسه و انگلیس و روسیه در ایران چگونه بوده است چنان‌که از نمودار شماره ۳ معلوم می‌شود جمع واردات فرانسه در ظرف شانزده سال (از ۱۲۷۵ هجری قمری تا ۱۲۹۰) بالغ بر شش میلیون و سیصد هزار تومان و واردات روسیه ۲۲ میلیون و یکصد هزار تومان و واردات انگلیس ۲۱ میلیون و سیصد و پنجاه هزار تومان بوده است و نیز نکات دیگری از مقایسه منحنی‌های نمایش

تغییرات بازرگانی هر یک از سه کشور می‌توان استنباط کرد از جمله اینکه در هرسال وضع هر یک از سه کشور را می‌توان با یکدیگر مقایسه نمود و نیز اینکه معلوم می‌شود از سال ۱۲۸۴ تا سال ۱۲۸۶ وقفه‌ای در واردات هر سه کشور پدید آمده است که خود شایان توجه و تحقیق است که آیا به علت عوامل داخلی ایران بوده و یا بر اثر عوامل موجود در اروپا این وقفه حاصل شده است.

نمودار شاخص - نمودارها میان ایران به کشورهای انسان‌گردان سراسر (از ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۳ آف) 

ملهات ایران: 

ملهات بیرونیه: 



توصیه‌ها

در پایان مراحل تحقیق لازم است مختصری هم درباره شرایط و وسائل کار محقق به عنوان توصیه به محققان جوان و آنلاین که قصد دارند تازه در این راه وارد شوند گفته شود :

یک محقق اگر بخواهد حاصل کارش مورد قبول اهل تحقیق واقع شود، باید به تحقیق درباره هر رشته و هر موضوع دست نزند و تلاش و مساعی خود را منتشر نکند – بلکه رشته محدودی را برای خود انتخاب نماید تا هم بتواند با فرصت کافی حق مطالب را ادا کند و هم به عنوان متخصص در آن رشته مرجعیت یابد. مثلاً از رشته مفصل و مبسوط تاریخ ایران، بررسی و تحقیق درباره یکی از سلسله‌های پادشاهی ایران، یا تاریخ ایران از صدر اسلام تا مغول، یا تاریخ اجتماعی ایران قبل از اسلام یا بعد از اسلام و یا تحقیق در خصوص روابط ایران با کشورهای دیگر و امثال آنها را انتخاب نماید.

در مراحل تحقیق، عجله و شتاب جایز نیست. محقق نباید نسبت به برخی از مباحث و نکات به دلیل اینکه آن نکته و آن واقعه موافق طبع و ذوق او نیست، بی‌اعتنای بوده و به هنگام بررسی نباید از آن زود بگذرد.

یک محقق باید قبل از هرچیز مجهز به وسائل و ضروریات تحقیق باشد. این ضروریات عبارتند از یک کتابخانه کوچک ولی کافی و یک آرشیو کامل. کتابخانه کوچک و کافی به این مفهوم است که هر محققی باید، افزون بر کتابهای مرجع مثل دایرةالمعارف، فهرست‌های کتب چاپی و عکسی و مقالات، فرهنگ‌های مختلف و کرونولوژی‌های گوناگون، گاه شمارهای تطبیقی برای تطبیق سوابات تقویم‌های مختلف^۱، مجموعه‌ای نیز از کتابها و مدارک خطی و چاپی و عکسی که مربوط به قلمرو تحقیق اوست داشته باشد و البته اگر به حشو و زواید نپردازد، کتابخانه او مجموعه بسیار مفصلی نخواهد شد.

آرشیو کامل به این معنی است که یک محقق باید خلاصه مطالب و مندرجات کلیه کتابها و مقالاتی را که در محدوده تخصص و صلاحیت اوست به صورت فیش داشته باشد و این کار که تهیه آن مستلزم وقت بسیار است بایستی از همان روزهای تحصیلی آغاز شده باشد. محققان خارجی از همان سالها که در دانشگاه به تحصیل مشغول می‌شوند و رشته تحصیلی و تخصصی خود را بر حسب ذوق خویش انتخاب می‌کنند به تدریج مطالب کتابها و رسالات و مقالاتی را که می‌خوانند فیش می‌کنند و به ترتیب موضوعی، نگاه‌می‌دارند و تا کلیه مدارک و منابعی را که درباره رشته تخصصی و تحقیقی ایشان موجود است نخوانده و مطالب آنرا فیش نکرده باشند هر گزدست به تأثیر و نوشتن مقالات و رسالات و کتابها نمی‌زنند یعنی چندین سال و شاید نزدیک بهده سال فقط می‌خوانند و یادداشت بر می‌دارند آنگاه می‌نشینند و تحقیق می‌کنند و آثاری بدیع و قابل اطمینان منتشر می‌نمایند اما هستند اشخاصی هم که با خواندن یک دو کتاب و مقاله و با مایه علمی بسیار کم، دست بکار تدوین کتابی عظیم می‌زنند و چون احاطه بر موضوع مورد بحث خود را ندارند لامحاله اثری بی ارزش تحويل می‌دهند.

۱- در مورد تقویم‌های تطبیقی به ضمیمه ۳ در همین کتاب رجوع کنید.

نتیجه

از آنچه تا بهحال گفته شد چین نتیجه حاصل می شود که یک تحقیق خوب، اصولی، مستند و علمی در تاریخ نگاری باید حائز و جامع شرایط وضو ابتدی چند باشد:

الف - از نظر روش تحقیق:

شرایطی که یک اثر تحقیقی از نظر روش تحقیق باید داشته باشد همان است که به تفصیل در این کتاب گفته شد و مجموع آن را می توان چنین خلاصه کرد:

- * کیفیت خوب منابع و کمیت لازم و کافی آنها.
- * عدم توجه به کلیات و قایع و رویدادها.
- * در تحقیق به عوامل متن و قایع، به علل و موجبات پیدایش آنها و کشف نتایج و آثار و قایع توجه شده باشد.
- * بسط و تفصیل هر یک ازمباحث به اندازه لزوم - نه آنکه مبحثی بیش از حد لازم و مبحث دیگری کمتر از آنچه ضروراست توصیف شده باشد. به عبارت دیگر رعایت تناسب بسط و تفصیل مباحث با موضوعها با یکدیگر.
- * رعایت تسلیل و توالی حوادث مهم انسانی به طور منطقی.
- * در طول تحقیق هیچ گونه پیش‌داوری محقق و مورخ در مسائل مختلف دخالت نکرده و قضاوتها همواره بر معیار بی‌طرفی، درستی و اصالت باشد.
- * رعایت امانت در نقل مواد و اخبار.

ب - از نظر سبک و اسلوب نگارش و شکل ارائه

از این نظر ضابطه اصلی چنین است که محقق و مورخ در نگارش تحقیق خود ضمن اینکه اصول دستور زبان و قواعد نگارش ادبی را رعایت می نماید، نوشهای او باید ساده، روان و بی‌تكلف باشد.

ج - از نظر دید فلسفی تاریخ‌نگاری

* یک تاریخ و یک تحقیق خوب و عملی آن است که محقق درین تحقیق، خود را از قید و بندهای زمان و محیط آزاد کرده اصلاح مکاتب را برای زمینه تأثیر خود انتخاب نموده باشد.

* محقق به وقایع نگاری محض که فقط شرح اعمال و کارها و افعال انسانی است نپرداخته بلکه در تحقیقات خود به اندیشه‌ها و احساسات و دریافت‌ها و عکس‌العملهای انسانها و بهزندگی و تحولات اجتماع که خود منشأ آثار بسیاری است توجه کامل کرده باشد.

* محقق باید اساس دریافت‌ها و مستنبطات خود را بر جبر علمی و دینی محض گذاشته باشد بلکه به جبر زمان، به نقش شخصیت، به نقش جغرافیا و نقش-اقتصاد و فرهنگ نیز باید توجه داشت و بالاخص باید برای اجتماع در تاریخ جائی بس‌مهم قائل بود.

ضمیمه‌ها

ضمیمه ۱

منابع تاریخ نویسی^۱

تدوین تاریخ به نظر که باشد^۲ ، قدر مسلم این است که محتوای آن مبتنی بر حوادث رویدادهاست و برای آگاهی بر کم و کيف این مواد ، از شناخت منابع و مأخذ آن وقایع وحوادث ناگزیریم . اما چون اتفاقات و حوادث ، «مانند امور طبیعی ما بازاء خارجی ندارند ، بالطبع رویدادهای گذشته برای حال و وقایع حال برای آینده ، به خودی خود قابل لمس نیستند بلکه تنها ، آثار گذشتگان است که ماجرا آن حوادث و وقایع را درست یانیمه درست و یا نادرست برای ما و آیندگان بازمی گوید^۳ ». این آثار که «اندیشه‌ها و اعمال انسانهای پیش ازما ، آنها را برای مابر جای گذاشته است»^۴ همان منابع و مأخذ تاریخ نویسی هستند که موضوع این

۱- این مقاله ازنگارنده است و از مجله سخن دوره پیست و سوم ، شماره ۱ با تجدید نظر کلی نقل شده است .

۲- در این مقاله هر جا از تاریخ و تاریخ نویسی نام برده می شود منظور تاریخ به معنی اعم آن ، شامل انواع تاریخ هاست .

۳- محمد مهدی فولادوند ، خیام‌شناسی ، ص ۳۴

۴- عقیده سگنو بوس Saignobos به نقل از کتاب مقدمه‌ای بر تاریخ کشورهای شرقی مسلمان ، تأثیف سوواژه Sauvaget و کلود کاهن Claud Cahen چاپ پاریس سال ۱۹۶۱ صفحه ۱۸

مقاله میباشد. در این مقاله، ما از فهرست مآخذ دوره‌های تاریخی و رشته‌های تاریخ، گفتگوئی نمی‌کنیم بلکه آنچه در مقاله حاضر موضوع بحث است شرح بورسی اجمالی سیر تحول منابع و کلباتی درباره انواع و طبقه بندی آنهاست.

منابع تحقیق و تاریخ نویسی را از نظرهای گوناگون می‌توان طبقه بندی نمود، مانند طبقه بندی بر حسب موضوع منابع (سیاسی - اقتصادی - اجتماعی - نظامی...) یا با توجه به دانش‌های معین تاریخ مثل جغرافیا، باستان‌شناسی، زبان‌شناسی، علم ادیان، ادبیات، تراجم احوال، سکه‌شناسی وغیره و یا از نظر اعتبار وجودی و اصالت منابع، چون منابعی که عین آثار گذشته هستند و به صورت اصل و یا عکس برای ما باقی مانده‌اند و یا منابعی که نقلیدو رونوشت مدارک اصلی می‌باشند و بالاخره طبقه بندی دیگری بر حسب کیفیت و خصوصیات منابع مانند منابع ذهنی و نقلی (شنیده شده‌ها و خاطرات)، منابع عینی و اصلی و منابع کتبی . و به طوریکه استنباط می‌شود در قبول و یا رد هر یک از این حالات، عقاید و نظرهای فردی مؤثر است و به هرنحو و کیفیتی منابع تاریخ نویسی را طبقه بندی کنیم ، باز امکان آن هست که مورد قبول برخی نباشد . به این جهات ، ما در این مقاله، مآخذ تاریخ نویسی را بر حسب ترتیب بوجود آمدن و سیر تحول آنها تقسیم و طبقه بندی می‌کنیم.

تحول منابع تاریخ نویسی و انواع آن

منابع تاریخ نویسی یا به عبارت دیگر ، آثار بر جا مانده پیشینیان ، در طول گذشته‌زمان و گاهی هم بر حسب مکان، اقسام متفاوتی داشته است.

در روزگاران بسیار دور و حتی تا سالها پس از پیدائی خط، محتواهای تاریخها مبتنی بر گفته‌های پیران و خاطرات معمران اقوامی بود که آنها نیز از پدران خود شنیده بودند و سینه به سینه نقل می‌شد. چون خط و کتاب اختراع شد ، تاریخ- نویسان همان گفته‌ها و خاطرات را که بر اثر مرور زمان و نقل سینه به سینه تغییر شکل یافته و با رنگ آمیزی‌های افسانه‌ای متجلی شده بود ، ضبط می‌کردند .

این گونه مآخذ که منابع ذهنی و نقلی خوانده‌می‌شوند، خواه زبانی باشند خواه نوشته، اصالات و اعتبار چندانی در تاریخ نویسی ندارند زیرا تأثیر ضعف قوه حافظه و نقص قوه ادراک را ویان و همچنین احتمال به کار رفتن تسامح و غفلت وجود اغراض شخصی، به فراوانی امکان دارد و در نتیجه، حقایق با تغییراتی که با گذشت سال‌هادر آنها پدید می‌آید، غالباً در پرده ابهام پوشیده می‌شود. در این دسته از منابع، قصه‌ها، حکایات افسانه‌های کهن، داستانهای ملی و اساطیر باستانی را باید ذکر نمود. ولی محتوای این منابع به هر کیفیتی که باشد، قدر مسلم این است که در آن روزها راه و وسیله دیگری برای کسب اطلاعات جزه‌های منبع وجود نداشته است، مگر اینکه گاهی نویسنده‌گانی که به ضبط اخبار نقلی می‌پرداختند، شرح مشاهدات خود را هم که مربوط به حوادث و وقایع زمان خود آنها می‌بود بر آن خاطرات و مسموعات می‌افزودند.

به حال مجموعه‌هایی که از این مسموعات و مشهودات به نام تاریخ فراهم می‌گردید برای نویسنده‌گان زمانهای بعد، خود منبع اطلاعاتی تازه شد و به این ترتیب نوع دومی از منابع تاریخ نویسی بوجود آمد که بطور کلی آنها را منابع کتبی می‌گوئیم. منابع تاریخ نویسی در طول بیست قرن، از زمان هرودوت^۱ تا ۴۲۰ میلادی (در سال ۱۴۵۳) به پیش از میلاد) تا پایان دوره قرون وسطی (در سال ۸۵۷ هجری قمری) به همین دونوع مآخذ «نقلی» و «کتبی» منحصر می‌شد، جز اینکه به سبب دانش‌ها و گسترش تمدن و فرهنگ، در منابع کتبی تنوعی پدید آمد چنانکه در اوآخر این دوره مدارک کتبی شامل مآخذ زیر می‌شد:

- ۱- کتابهای تاریخی شامل تاریخهای عمومی، تاریخهای خصوصی (سلسله‌ها و خاندان‌ها) و تاریخهای محلی و منطقه‌ای.
- ۲- نوشه‌های جغرافی نویسان (کتابهای مسالک و ممالک)
- ۳- کتابهایی درباره «ملل و نحل».

۴- متون ادبی (زندگینامه‌ها، تذکره‌ها – قصاید و مدایح شعراء و تفسیر آنها و کتابهایی که در آداب پادشاهان و مملکتداری و حکومت نوشته شده است).
و بعدها یعنی از دورهٔ تجدد (Renaissance) به بعد، انواع دیگری هم مثل سفرنامه‌های جهانگردان و تاریخهای موضوعی (تاریخ اقتصادی، سیاسی، نظامی، مذهبی، بازرگانی و...) بر منابع کتبی افروده شد.
در این دوره چون هنوز صنعت چاپ رواج نیافتد بود، کتابها به دست کتاب و نسخ نوشته و تکثیر می‌شد و بالطبع، به سبب شتابزدگی، تسامح، تعصب و اغراض فردی کاتبان و همچنین به علت کم سعادت آنها که برخی از عبارات و مطالب متون را نادرست را تلقی می‌کردند و به زعم خود تعبیر و تفسیر و تصحیح می‌نمودند، تصرفاتی در متون به کار می‌رفت^۱ و در نتیجه میان سعادتها و نوشته‌ها با نسخه‌های اصلی به تدریج اختلافاتی پدید آمد و کارمحققان و تاریخ نویسان را دشوار نمود.

با آغاز دورهٔ تجدد Renaissance (از سال ۱۴۵۳ میلادی) توجه جهان – گردان و بازرگانان و برخی از دانشمندان، به آثار هنری قرون قدیم جلب گردید و بنیاد دانش نوینی به نام باستان‌شناسی گذارده شد. بر اثر این پدیده نیز رفقه رفته آثار تاریخی و هنری پیشینیان و آنچه در نتیجهٔ کاوش‌های علمی بدست آمده بود و یا بدست می‌آمد مورد بهره برداری تاریخ نویسان اروپائی قرار گرفت و این منبع سرشار، نوع سومی از منابع تاریخ نویسی شناخته شد.

در اینجا باید یاد آور شد، در طی سده‌های پیش ازین تحول، برخی از نویسندهای تاریخ نویسان مثل هومر^۲ و تو سیدید (۳۹۵-۴۶۹ پیش از میلاد) در

۱- برای نشان دادن این گونه تصرفات در متون، شواهد بسیار می‌توان ارائه نمود ولی جالبتر از همه تصرف کاتبی است که می‌گویند بهنگام استنساخ قرآن؛ کلمه «شلتاتادر آیه یازدهم از سوره الفتخر را به سبب کم سعادت و با توجه به لفظ «غلط»، به معنی نادرست دانسته و آنرا به زعم خود به صورت «شدستنا» تصحیح نموده بود.

2- Homère

3- Thucydide

بحث تمدن اقوام، گاهی به آثار و اشیاء باستانی نیز اشاره کرده بودند ولی نباید از نظر دور داشت که این اشارات، در حقیقت یک نوع تفنن در نگارش و رنگ آمیز^۱، در تأثیف بیش نبوده و قدر مسلم این است که باستان شناسی و بهره‌گیری از آن برای برای تاریخ نویسی تا دوره رنسانس، هنوز شناخته نبود و حتی سترابون^۲، لوسین^۳، پلوتارک^۴ و پوزانیاس^۵ هم که خود از عتیقه شناسان زمان خویش محسوب می‌شدند در تأثیفات خود از آثار تاریخی و اشیاء هنری هرگز بهره‌گیری نکرده بودند. در این دسته از منابع، بنایهای تاریخی، لوح‌ها، سکه‌ها، کتیبه‌های چوبی و گچی در بنایهای تاریخی و مقابر، نوشته‌هایی که بر روی کاشی‌کاریهای این بناهای تاریخی و آثار هنری را که از زیر خاک بدست می‌آید باید نام برد.

یک قرن بعد در فرانسه، مقارن پادشاهی لوئی چهاردهم (۱۶۴۴ - ۱۷۱۵ میلادی مطابق با ۱۰۵۳ - ۱۱۲۷ قمری هجری) نوع دیگری از مدارک شناخته شد و رفته‌رفته موردن توجه تاریخ‌نویسان قرار گرفت. این منبع نوین، اسناد خطی دولتی و اداری بود که در گنجینه‌ها و مخازن پادشاهان و امرا (آرشیوها) نگاهداری می‌شد و شناخته شدن آن را نتیجهٔ تلاش بالوز^۶ کتابدار لوئی چهاردهم باید دانست که به تنظیم و طبقه‌بندی فرمانها و اسناد پادشاهان فرانسه همت گماشت و مجموعهٔ نفیس او به‌وسیلهٔ فرهنگستان ادب و هنر که به‌ابتکار کلبر^۷ وزیر لوئی چهاردهم، به تازگی تأسیس یافته بود (۱۶۶۳ میلادی) انتشار یافت.

مقارن این احوال، شیوع اندیشه‌های اصلاح طلبی در مذهب هم که بر اثر واکنش‌های فشار عقاید و استبداد کلیسا پدید آمده بود موجب پیدائی بحث و جدل‌های شدید شده بود و چون هر دوسته، برای اثبات عقاید خود از یافتن و ارائه مدارک مسلم، ناگزیر بودند انتشار مجموعهٔ بالوز، توجه آنها را به‌همیت وجودی آرشیوها جلب کرد و به تدریج اهمیت اسناد و فرمانها و مکاتبات درباری

1— Strabon.

4— Pausanias

2— Lucien

5— Baluze .

3— Plutarque.

6— Colbert .

و اداری آشکار گردید. چنانکه، چندسال بعد (در سالهای ۱۷۴۴ - ۱۷۴۹ میلادی) در ایتالیا هم مجموعه‌ای از اسناد، در ۲۴ جلد بهوسیله آنтонیوموراتوری^۱ موزخ ایتالیائی انتشار یافت و از آن پس در کشورهای دیگر هم به تبعیت از فرانسه و ایتالیا، به نشر مجموعه‌های اسناد و تمرکز آنها در یک جا پرداختند در آغاز کار، چنین تصور می‌رفت که وجود این گونه اسناد قدمت و سابقه بسیار قدیم ندارد. اما رفتار فته که دامنه کاوش‌های باستانشناسی گسترش یافت، با کشف مخازن و گنجینه‌های اسناد پادشاهان کشورهای باستانی معلوم شد بایگانی اسناد از روزگارانی بس قدیم معمول بوده است^۲، منتهی آنکه محتويات آنها در خدمت تاریخ به کارنمی رفته و یا اگر هم بکارمی رفته به عنوان یک منبع خاص تلقی نمی‌شده است. علت این وضع چنین بود که محققان و تاریخ‌نویسان به علت دسترسی نداشتن به این مأخذ اصیل و معتبر آگاهی و قوفی به محتويات آنها نداشتند و پژوهشها و تأثیفات ایشان تنها، متکی بر محفوظات ذهنی و متون کتبی می‌بود، آنها هم که بنابر مقتضیاتی خاص به این گونه مأخذ دسترسی می‌داشتند و حتی در تدوین تأثیفات خود، از آنها - بهره برداری می‌کردند، باز آنها را در شمار متون کتبی می‌دانستند و خصوصیت و استقلالی برای این گونه منابع قائل نبودند. چنانکه ابوالفضل بیهقی با آنکه در نگارش تاریخ خویش از این مدارک و اسناد به فراوانی استفاده کرده است^۳، در بیان

1- Antonio Muratori (1672 - 1750)

- برای آگاهی از وجود آرشیوهای کشورهای باستانی به کتاب «مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی» تألیف نویسنده این کتاب : از ص ۱۵ تا ۲۲ و کتاب «آرشیو» تألیف ژان فاویه jean Favier چاپ پاریس سال ۱۹۵۹ رجوع کنید و برای سابقه آرشیو و نگهداری اسناد در ایران نیز به ص ۲۸ تا ص ۳۷ کتاب شناخت اسناد تاریخی مراجعه شود.
- بیهقی در جایی از تاریخ خود نوشته است «و این اخبار بدین اثیاع که می‌برانم از آن است که در آن روزگار معتقد بودم و بر چنین احوال کس از دیران واقف نبودی مگر استاد بونصر [منظور خواجه ابونصر مشکان صاحب دیوان رسالت سلطان مسعود است] رحمة الله نسخت کردی و ملطفها من بنشتمی و نامه‌ای ملوک اطراف و خلیفه اطلاع الله بقائه و بقیه در صفحه بعد ←

انواع منابع و اخبار می‌گوید:

« الاخبار گذشته را دو قسم گویند که آنرا سه دیگر نشناستند. یا از کسی باید شنید و یا در کتابی باید خواند».^۱

و این وضع در تاریخ‌نویسی ایران تا چندسال پیش هم معمول بوده است چنانکه در رساله‌ای زیرعنوان «آئین نگارش تاریخ» که در سال ۱۳۱۶ خورشیدی تألیف و انتشار یافت^۲، در شرح مدارک تاریخ فقط از سه نوع منابع ذهنی، کتبی و باستان‌شناسی یاد شده است.

اهمیت وجودی این دسته از منابع، ایجاد می‌کند توضیح بیشتری درباره

آن داده شود:

منابع آرشیوی که امروز به آنها اسناد تاریخی نیز می‌گوئیم شامل کلیه نامه‌های پادشاهان و ملوک، فتحنامه‌ها و سنگنیبشههای باستانی که در حقیقت فتحنامه‌های پادشاهان باستانی هستند، فرمانهای سلطنتی، مکاتبات و اسناد سیاسی، معاهدات و نوشههای اداری، اسناد قضائی و مالی و حقوقی، گزارش‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و نظامی و برخی از مکاتبات خصوصی و دوستانه و خانوادگی می‌باشد و به این اسناد، بر حسب کیفیات و محتوا ایشان در قدیم عناوین سلطانیات،

→ بقیه در صفحه قبل

خانان ترکستان و هر چه مهمنتر در دیوان هم برین جمله بود، تا بونصر زیست و این لافی نیست که می‌زنم بلکه عنذری است که به سبب این تاریخ می‌خواهم که می‌اندیشم باید که صورت بندد، خوانندگان را که من از خویشتن می‌نویسم و گواه عدل براین چه گفتم تقویمهای سالهای است که دارم با خویشتن، همه بهذکر این احوال ناطق. هر کس که باور ندارد به مجلس قضای خرد حاضر باید آید تا تقویمهای پیش حاکم آیند و گواهی دهند» (تاریخ بیهقی ص ۵۵ چاپ دکتر فیاض).

۱- همان کتاب ص ۶۶۶.

۲- تألیف رشید یاسمی.

دیوانیات، سجلات و اخوانیات اطلاق می شده است^۱.

ارزش اسناد تاریخی و امتیاز آنها بر منابع تاریخ نویسی به سبب اصالت و اعتبار وجودی آنهاست زیرا محتوای هر قطعه از این اسناد بازمان و رویدادی حقیقی بستگی دارد و حاصل رابطه‌ای مستقیم و طبیعی بین اثر و مؤثر است، در نتیجه آنچه از محتوای آنها استنباط می گردد، برخلاف متون قدیم (از منابع کتبی) که دستخوش تغییر و حک و اصلاح بوده‌اند و حتی مدارک باستان‌شناسی که قضاؤت واستنباط در مورد آنها هم غالباً مبتنی بر حدس و گمان و تقریب می‌باشد، پرپایه اعتبار و یقین و اصالت استوار است. در مقام مقایسه با اقسام دیگر منابع هم، اسناد تاریخی نه تنها وسیله مقتضی و مطمئن برای درک تاریخ و شناخت تحولات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، اداری، فرهنگی و نظامی یک جامعه هستند بلکه چون حاصل فعالیتهای دیوانی و درباره کارهای روزمره زندگی افراد اجتماع بوده و برای حفظ روابط مردم با مردم، و جامعه با دستگاههای اداری و حاکمه تهیه و تنظیم شده و می‌شوند، خالی از هر گونه شایبه دروغ، ملاحظه کاری‌ها، ظاهر و اغراض خصوصی‌بند و به سبب همین نقش اساسی و قابل اعتماد که این منبع در اصالت ضبط و قایع ایمامی کند، از قدیمترین ایام در جوامع باستانی شناخته و اهمیت آن آشکار بوده است ولی چون تاریخ نویسی به صورت امروز معمول نبوده عین آنها را به عنوان سند و تاریخ نگهداری می‌کردند چنانکه جمع آوری الواح‌هیتی، آشوری، بابلی، سومری، پارسی و عیلامی که در کاخهای سلطنتی پادشاهان کشورهای باستانی به دست آمده همه به همین منظور بوده است^۲.

به‌هر حال آشنازی با این منبع سرشار و متنوع دو تأثیر بنیادی در تاریخ نویسی بخشید: نخست اینکه برخی از محققان و تاریخ نویسان، روش تاریخ نویسی قرون

۱ - درباره اقسام اسناد تاریخی به کتاب مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی از صفحه ۴۱ تا ص ۱۴۵ مراجعه کنید.

۲ - ر، ک به کتاب مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی از ص ۱۵ تا ۲۰ و ۳۱ تا ۲۸

پیش را که بیشتر جنبه مذهبی و دینی می داشت کنار گذاشتند و به مسائلی مربوط به مردم و اجتماع پرداختند.^۱ دوم اینکه مطابقت محتوای آن اسناد با مندرجات تاریخهایی که مستند بر منابع ذهنی و نقلی و کتبی می بود آشکار ساخت که بسیاری از رویدادهای تاریخی نادرست ضبط شده است و از این رو صحت منابع کتبی که تا آن روز زیاد اعتبار می داشت مورد تردید و شک واقع شد.

توجه مردم دوره رنسانس به جهانگردی، و سفرهای دوز و دراز جهانگردان اروپائی که در میان آنها غالباً دانشمندان و باستان شناسانی هم بوده اند، موجب پیدائی نوع دیگری از منابع تاریخ نویسی شد، به این معنی که برخی از این جهانگردان در سفر نامه های خود تصاویر و نقاشی هایی از آثار تاریخی، مناظر شهرها، اوضاع اجتماعی و اداری ملل و اقوام و صورت بزرگان و رجال کشورها به منظور زینت کتاب خود و گاهی برای تسهیل درک مطالب، در کتاب می گذشتند.

تنوع موضوع این تصاویر و تازگی آنها موجب شد توجه عده ای به جمع آوری تصاویر و انتشار مجموعه هایی از آنها جلب گردید. به این ترتیب نخستین مجموعه تصاویر در سال ۱۶۶۹ در رم به چاپ رسید و به دنبال آن نیز مجموعه های دیگری متواالیاً منتشر یافت^۲ تا اینکه رفته رفته علم شناخت تصویرها (Iconographie) به وجود آمد و جزو منابع تاریخ نویسی گردید.

اما این مأخذ، تا آنجا که مربوط به سالهای پیش از اختراع دستگاه عکاسی

۱- امری نف Emery Neff، در کتاب «شعر تاریخ» The poetry of history که به فارسی به نام «فلسفه تاریخ» توسط دکر عبدالله فربیار ترجمه شده، در این مورد می نویسد این سبک تاریخ نویسی «در طی چهارده قرن یعنی از زمان تأثیت شهر خدا City of God توسط سن اگوستن Saint - Augustim بر اروپا مسلط بود» (ص ۴).

۲- کتاب شهر خدا بین سالهای ۴۱۲ و ۴۲۶ میلادی نوشته شده و مضمون آن شرح نبرد زیبیان با آسمانیهاست و مراد از آن نبرد غیر مسیحیان با مسیحیت می باشد.

۲- در دائرۃ المعارف لاروس به واژه Iconographie رجوع نمائید.

است، باهمه غنا و تازگیشان، اصالت و اعتبار اسناد تاریخی را ندارند. در بهره برداری از آنها بایس در عایت احتیاط رانمود زیرا ایراد اصولی و اساسی که بر کیفیت این مأخذ می‌توان وارد دانست این است که تصاویر مزبور در همه حال نقش بسی کم و کاست اشیا و اشخاص و نکاتی که نقاش می‌خواسته است نشان دهد نیستند و به علل گوناگون اختلاف بسیار با واقعیتها دارند.

از جمله این علل اینکه، اکثر جهانگردان که تصاویری در سفرنامه‌های خود آورده‌اند، نقاش و هنرمند نبوده‌اند و اگر هم به فرض در برخی از آنها اندک ذوق و واستعدادی وجود داشته و یا احتمالاً نقاش و هنرمند بوده‌اند باز قدر مسلم این است که فرصت کافی برای تهیه طرح‌های خود نداشته‌اند، بنابراین غالب آنها با تعجیل و شتابزدگی یک طرح ساده با خطوط اصلی موردنظر رسم می‌کردند و سپس در فرصتها دیگر با تجسم مشهودات و اطلاعات ذهنی خود آن طرح‌ها را تکمیل می‌نمودند. تازه، چون این تصاویر برای چاپ بدست گراور سازان و حکاکان سپرده می‌شد، یک بار دیگر دستخوش تغییرات می‌گردید. ولی باهمه این احوال از تصاویری که ناقبل از اختراع دوربین عکاسی، جهانگردان در سفرنامه‌های خود آورده‌اند و همچنین از پرده‌های نقاشی و مینیاتورهایی که از شده‌های پیشین باقی مانده است اطلاعاتی بسیار مفید و جالب بدست می‌آید که کمتر در منابع کتبی می‌توان یافت. از جمله با بررسی این تصاویر به بسیاری از سنن و آداب قومی و رسوم اجتماعی ملتها، به شکل و انواع و گاهی هم بهرنگ پوشانک مردم، به اقسام سلاحهای نظامیان، به تغییراتی که در بنای تاریخی و دروضع و منظره شهرها پدید آمده است می‌توان پی برد.^۱

۱- برای آگاهی از چگونگی و تنوع مطالبی که در تصاویر می‌توان یافت به کتاب «اسناد مصور اروپاییان از ایران» (در دو جلد) تألیف دکتر غلامعلی همایون (چاپ دانشگاه تهران) که شامل ۲۷۴ تصویر از سفرنامه‌ها اروپاییان درباره ایران است رجوع کنید و برای آشنائی به یک نمونه تحقیق بر مبنای علم شناخت تصویرها به کتاب «تاریخچه ساختمانهای ارک سلطنتی تهران و راهنمای کاخ گلستان» تألیف یحیی ذکاء مراجعه شود (از انتشارات نجمان آثار ملی)

بنابراین منابع تصویری را باید به کلی بی ارزش و بی اعتبار دانست زیرا هنگامی که چندین تصویر مختلف از منظره یک شهر مثلا سلطانیه و گنبد آن به تاریخهای مختلف می بینم^۱ و همه آن مناظر، باوضع امروزی سلطانیه تفاوت‌های کلی دارد، ارزش این تصاویر که تغییرات متواتی سلطانیه را نشان می دهند معلوم می گردد به علاوه در میان این جهانگردان، هنرمندان نقاش، باستان‌شناس و معمار (آرشیتکت) نیز بوده‌اند که به کار آنها نمی‌توان ایرادی وارد دانست از جمله کوست^۲ و فلاندن^۳ که معمار و باستان‌شناس بودند و طرح‌ها و تصاویر و نقاشی‌های آنها نمودار صحیحی از واقعیات و مسائل گوناگون ایران می‌باشد چنان‌که مقایسه تابلو نقاشی کوست از پل قزل اوزن در زمان آبادانی آن، باوضع کنو نیش که در سال ۱۳۲۴ خورشیدی ویران شده است، حاوی اطلاعات بسیاری می‌تواند بود. باید افزود که منابع تصویری از اواسط سده نوزدهم میلادی که دستگاه عکاسی به وجود آمد و فن گراوورسازی به تدریج تکامل یافت، دارای اصالت وجودی و اعتبار تمام شد و امروز از معتبرترین منابع تحقیق و تاریخ‌نویسی به شمار می‌آید.

افزون بر منابع مذکور، از نوع دیگری که پدیده قرن حاضر است نیز باید بساد کرد. این دسته از مأخذ را می‌توان، منابع آماری و ترسیمی نامید و شامل آگاهی‌هایی است مبتنی بر تغییرات حاصل در ارقام و اعداد و آمارهای مربوط به مسائل گوناگون مثل مسائل اقتصادی، مالی، اجتماعی، فرهنگی و جز اینها که آنها را به صورت جداول و یا با رسم خط‌های شکسته و منحنی (گرافیک‌ها و دیا گرام‌ها) نشان می‌دهند. این نمودارها که بر مبنای اصول و محاسبات ریاضی تهیه می‌شوند از منابع موثق و قابل اطمینان هستند و با اعتماد کامل می‌توان در تاریخ‌نویسی از آنها استفاده کرد، به خصوص که یک نمودار در یک صفحه معمولاً

۱- نگاه کنید به سفر نامه‌های او لاریوس Oléarius ، شاردن Chardin و برون

هو گنبر گ Braun Hogenberg

2- Coste

3- Flandin

نتیجه بررسی دهها صفحه و شاید بیشتر است. به علاوه در همان یک صفحه چندین نکته مختلف مثلا تغییرات وضع، خواراک، پوشک، سوخت، روشنائی و کرایه خانه اهالی یک کشور را بر حسب سالهای متواتی، یا تغییر آبده (Débit) یک رودخانه در طول سال، یا تغییرات بازده محصولات کشاورزی بر حسب عوامل مختلف و بسیاری مطالب و مسائل دیگر را می‌توان نشان داد. این گونه منابع از نظر صرفه جوئی زمان و تلاش در تحقیق هم بسیار قابل توجه است. اضافه کنیم که نقشه‌های جغرافیائی و زمین‌شناسی نیز جزو منابع ترسیمی به شمار می‌آیند.

اینک بار دیگر اقسام منابع تاریخ‌نویسی را بر حسب پیدائی آنها، به‌طور خلاصه در اینجا نام می‌بریم:

- الف - منابع ذهنی و نقلی
- ب - مدرک کتبی
- پ - مأخذ باستان‌شناسی
- ت - اسناد تاریخی (آرشیوها)
- ث - منابع تصویری
- ج - مدارک آماری و ترسیمی

۲ ضمیمه

تأثیر تاریخ در روابط ملتها^۱

روابط و بستگی یک ملت با ملت‌های دیگر اصل انکار ناپذیر شناسائی وجودیت آن ملت است و تاریخ به معنی و مفهوم واقعی اش جز شرح روابط بین انسانها و ملت‌ها چیز دیگری نیست و از همین دیدگاه است که آرنولد تاین‌بی^۲ مورخ معاصر انگلیسی تاریخ جهان را در ده جلد و بالغ بر ده هزار صفحه بررسی کرده است.^۳ و اما این که بدانیم تاریخ خود در روابط بین ملت‌ها چه تأثیری دارد و باز برای این که در این بحث به نتیجه مطلوب برسیم بهتر است مسئله را از پایان

۱- متن سخنرانی مؤلف این کتاب، نقل از مجموعه سخنرانی‌های نخستین گنگره تاریخ در ایران، از انتشارات وزارت فرهنگ و هنر، ص ۳۹ تا ۴۳، چاپ تهران، ۱۳۴۸ خورشیدی.

۲- Arnold J. Toynbee

۳- تأثیفات تاین‌بی شامل دو کتاب است یکی به نام تحقیقی در تاریخ A. Study of history و این هردو کتاب به زبانهای مختلف ترجمه شده است و خلاصه Civilization on Trial و چکیده عقاید و نظرات او نیز به وسیله آقای دکتر بهاءالدین پازارگاد به فارسی ترجمه و منتشر گردیده است.

به آغاز بررسی کنیم. به این معنی که نخست بینیم روابط بین ملتها چگونه و تحت تأثیر چه عواملی پدید می‌آید. آنگاه به بررسی تأثیر تاریخ در آن روابط و آن عوامل بپردازیم.

قدرمسلم این است که اجتماعات بشری در شرایط یکسان زندگی نکرده‌اند و اکنون نیز در شرایط یکسان زندگی نمی‌کنند و در آینده هم در شرایط یکسان زندگی نخواهند کرد. اما طبیعت افزون طلب بشر که به‌آنچه دارد راضی و قانع نیست و می‌خواهد به‌نحوی از ازحاء کمی و کاستی‌های خود را جبران کند بشرطی و ادارمی سازد برای رفع نیازمندی‌هایش با همنوعان خود ارتباط پیدا کند و روابطی که بدین ترتیب بین دو انسان و یا دو اجتماع انسانی برقرارمی‌گردد مناسب با همان نیازمندی‌ها، به صورتهای گوناگون مانند روابط مودت و دوستی، بازارگانی، فرهنگی، هنری و مذهبی جلوه می‌کند و چون وجود روابط بین انسانها و ملت‌ها پای مصالح خصوصی را هم به میان می‌کشد خواه ناخواه در بسیاری از موارد اختلافاتی نیز به میان می‌آید که برای برطرف ساختن آن اختلافات بهزور و یا به سیاست متوصل می‌شوند و از اینجاست که روابط نظامی و سیاسی نیز بین ملت‌ها پدید می‌آید.

حال به بینیم این عواملی که موجب پیدائی روابط بین ملت‌ها می‌شوند کدامند؟

الف - عوامل جغرافیائی

از نظر جغرافیائی زندگی اجتماعات بشری به چند عامل بستگی دارد:

۱- آب و هوا و اقلیم:

الف - از لحاظ سرما و گرما که در تندرستی و سلامتی و همچنین در فعالیت‌ها و جنبش‌های مردم مؤثر است چنان که می‌بینیم فعالیت‌های ساکنان مناطق قطبی با جنبش‌های ساکنان نواحی گرمسیری فرق دارد و چون فعالیت و جنبش کم وزیاد شود بالطبع محصول زندگی هم کم وزیاد می‌شود و در نتیجه نیازمندی دسته‌ای از مردمان به دسته دیگر پدید می‌آید و این نیازمندی‌هاست که موجب ارتباط

دو گروه، دو جامعه و دو ملت می‌گردد.

ب - همچنین عوامل رطوبت و خشکی منطقه و عامل جنس خاک و خواص درونی آن چون در رشد نباتات و گیاهان مختلف و منابع طبیعی روی زمین مؤثرند در زندگانی اجتماعات هم نقش مهمی را به‌عهده دارند.
پس، از عوامل ارتباط بین ملتها یکی هم آب و هوای است.

۲- وضع زمین - در این باره باید گفت شکل زمین یعنی اگر زمینی که ملتی و قومی در آنجا سکونت گزیده است کوهستانی و یا جلگه‌ای باشد داشت، یا دره یا ساحل رودخانه و دریا و دریاچه و مرداب باشد، در زندگی اجتماعی و سیاسی آن ملت و قوم تأثیر دارد. زیرا شرایط زندگی در هر یک از این چند نوع منطقه با منطقه‌دیگر متفاوت است. مردمانی که در کوهستان زندگی می‌کنند با آنها که در ساحل دریاها سکونت دارند نمی‌توانند زندگی مشابه داشته باشند و یکسان فکر کنند و فعالیتها یشان یکنواخت باشد. و همچنین با آنها که در کنار مردابها و یا در دشتها و جلگه‌ها زندگی می‌کنند یکسان نیستند.

بنابراین تا اینجا باید گفت به‌طور کلی عامل فیزیکی از عوامل مهم ارتباط بین دو جامعه و ملت می‌باشد و این بحثی است که نخستین بار در اوایل قرن نوزدهم به‌وسیله راتزل^۱ (۱۸۴۶-۱۹۰۴) به آن توجه شد و مطالعات او مبنای ایجاد علم ژئوپلیتیک^۲ گردید.

۳- نوع راههای موجود در یک منطقه که آیا از نوع راههای زمینی و یا راههای آبی باشد نیز در نحوه روابط دو ملت و دو جامعه مؤثر است.

۴- مرزها و حدود بین دو ملت هم که بر حسب نوع عوامل طبیعی و جغرافیائی مانند کوهها، تپه‌ها، دره‌ها، مسیر رودخانه‌ها، دریاچه‌ها، دشتها و جلگه‌ها انتخاب می‌شوند از بزرگترین عواملی هستند که در روابط بین ملتها تأثیر دارد چنان‌که در تاریخ همه ملتها شرح کشمکش‌هایی را که بین آنها با همسایگانشان بر سرحدود و

مرزهای پیش آمده است به فراوانی می خوانیم و به قسمی است که تاریخ تحولات مرزهای کشور، خود بخشی اساسی و مهم از تاریخ کلی آن کشورهاست.

۵- موقعیت جغرافیائی - این عامل نیز در روابط بین ملتها نقش مؤثر و مهمی دارد. زیر وضعی را که یک ملت در روابط بین المللی می تواند داشته باشد به طور محسوسی منوط به موقع جغرافیائی ناحیه مسکونی آن ملت در نقشه جهانی است. ملتی که بر سر راههای قبایل و یا کاروانهای بازار گانی قرار دارد - موقعیتش با ملت دیگری که در گوشهای دور واقع شده و ملل دیگر کمتر بدانجا گذارشان می افتد مسلماً فرق خواهد داشت.

تردیدی نیست موقعیت جغرافیائی ایران که از روز گاران کهن بر سر راه بازار گانی هندوستان و چین واقع بوده و راههای ابریشم و ادویه از قلب آن می گذشته است و به علاوه به دریای آزاد دست دارد با موقعیت جغرافیائی افغانستان فرق دارد و به سبب همین اختلاف، به ناچار در شرایط زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دولت ایران و افغانستان هم تفاوتی پیدا می آید. اینجا این پرسش پیش می آید که این اختلاف شرایط زندگی آیا موجب نمی شود که این دولت برای رفع کم و کاستی های خود با یکدیگر ارتباط بگیرند؟

البته پاسخ این پرسش مثبت است.

بنابراین به این نتیجه می رسیم که در تاریخ ملتها از اجتماعات اولیه بشر گرفته تا امروز که دولتهای بزرگ وجود دارد بدون در نظر گرفتن شرایط و عوامل جغرافیائی هر گز نمی توان به مطالعه روابط بین اجتماعات بشری مبادرت کرد و این رشته یعنی بحث مرکب جغرافیا و تاریخ *Géo-histoire* به تازگی پیشرفتهای بسیار کرده است و نمونه کامل نتایجی را که از تحقیق در این بحث به دست می آید می توان در کتاب « مدیترانه و جهان مدیترانه‌ای در دوره فیلیپ دوم » تألف

1— La Méditerranée et le monde méditerranéen à l'époque de Philippe II. Paris 1949.

فرناندبرودل^۱ مشاهده کرد.

ب- نیروهای اقتصادی

اقتصاد یک جامعه از کشاورزی ، صنایع و منابع طبیعی زیرزمینی و روی زمینی آن جامعه به وجود می آید و با برقراری روابط بازار گانی که مسائل بولی و مالی و گمرکی را هم به میان می آورند تکمیل می شود.

روابط اقتصادی بین دو کشور به قدرت بنیه و سیاست اقتصادی آن کشورها بستگی دارد . کشوری که اقتصاد بهتری دارد می تواند روابط اقتصادی بهتر و بیشتر و دامنه دارتری با ملل دیگر داشته باشد. در روابط اقتصادی بین ملتها هم دو دوره متمایز از یکدیگر می توان تشخیص داد .

دوره نخست آن روزهایی بوده است که معاملات بازار گانی ودادوستد بدون هیچ قید و شرط انجام می شده و مرزهای گمرکی برای روابط تجاری هنوز بین دو جامعه وجود نداشته است. این دوره شامل قرون ماقبل تاریخ و سده های اولیه تاریخ بوده که هنوز حکومتها تشکیل نشده بودند و اگر در برخی از جوامع هم حکومت تشکیل شده بود روابط بازار گانی را حکومت زیر نظر خود نداشته است.

دوره دوم قرونی است که حکومتها بر روابط بازار گانی بین مردم با ملل دیگر نظارت کرده اند و به منظور حفظ منافع جامعه و ملت خود، مقرراتی برای خروج و ورود کالاهای وضع نموده و مسئله مرزهای گمرکی را به میان آورده اند . قسمت اعظم تاریخ بازار گانی ملتها شرح همین دوره است و دانشمندان علم اقتصاد در تجزیه و تحلیل ها و بررسی های خود نقشی را که حکومت و دولت در

روابط اقتصادی بازی می کنند زوشن کرده اند^۲.

در این مبحث مورخ روابط بین الملل باید نخست درباره شکلی که مبارزات اقتصادی در میان دولتها به خود گرفته است بررسی کند و برای این منظور لازم است تغییرات حاصل در سیاست مبادلات، مسؤولیتها و تعهداتی که در خصوص بازارهای صادرات تقبل شده، ذخیره موجودی مشواط اولیه، شاهراههای ارتباط دریائی، تعرفه‌های گمرکی و اقداماتی که برای منع صادرات می‌شودو بهفلج شدن روابط منتج می‌گردد یکاپاک مورد بحث قرار گیرد.

ولی از دید روابط بین المللی که مورخ بخواهد درباره آن بررسی نماید، مطالعه در گردش چرخهای اقتصادی تنها وظیفه و هدف او نیست. آنچه بیش از همه چیز اهمیت دارد این است که مورخ اصل و نهاد رابطه‌های را که میان رقابت‌های منافع اقتصادی و مخالفتهای منافع سیاسی موجود است باید تشخیض دهد و این رابطه‌ها می‌توانند پرداخته و لی کاملاً مغایر با یکدیگر باشند.

چون محصول مطالعات و کوششهای مورخ بدین گونه آماده شود راه رفع اختلافات را بهتر نشان می‌دهد زیرا تاریخ است که نشان می‌دهد که آیا روابط بازرگانی ودادوشتند بین دولت در آن سالها که مقررات گمرکی و مرزی سبکتر و آسانتر بوده‌ویا به کلی وجود نداشته، بیشتر و محکمتر بوده یاد رآن ایام که مقررات

-۲- در این مورد بدنوشهای زیر رجوع کنید:

- ¤ *Esquisse d' une théorie de l' économie dominante*, par N. Perroux
چاپ پاریس، ۱۹۲۸ میلادی در مجله اقتصاد تطبیقی.
- ¤ *Autarcie et expansion, Empire ou Empires*. Par' N. Perroux
چاپ پاریس، ۱۹۴۰ میلادی.
- ¤ *Autarcie. Contribution à l'étude des doctrines de Commerce international*. par ch. Herisson.
چاپ پاریس سال ۱۹۳۷

سنگین وضع شده است.^۱

پ - جمعیت

افزایش جمعیت دریک سرزمین هم از عوامل بزرگ ارتباط بین ملتهاست. زیرا چون نقوص منطقه‌ای افزایش یافت جا و مکان بیشتری لازم دارد و نیازمندیهایش نیز بیشتر می‌شود. آنوقت است که به دنبال جاوزه‌ندگی بهتر به حرکت در می‌آیند. از سرزمین خود به سرزمینهای دیگرمی روند و باطل دیگر ارتباط می‌یابند. این وضع در قدیم وبخصوص در قرون ماقبل تاریخ بیشتر پیش می‌آمد تا در زمان ما و در تاریخ مهاجرتها به خوبی این نکته را می‌یابیم و چون در علت مهاجرتها ایقابیل اولیه بررسی کنیم می‌بینیم آنها نیز به همین علت و انگیزه از سرزمینهای خود کوچ کرده به مناطق دیگر رفته‌اند.

ت - احساسات ملی

در بررسی روابط بین ملتها به جلوه‌هایی از احساسات و انکار ملی ملتها بر-می‌خوریم که گاه دامنه آن، آنچنان گسترش و وسعت پیدا کرده است که یک ملت را کاملاً در بر گرفته و گاه در مقیاسهای کوچکتر باقی مانده است. و این تظاهرات و جلوه‌ها به‌هرحال جز برای تحکیم و حفظ مصالح جامعه نبوده و نیست. این احساسات به صورتهاي گوناگون جلوه می‌کند مانند احساسات میهنی، احساسات نژادی، احساسات مربوط به سن و عادات و رسوم، احساسات زبانی،

۱- در این باره به کتاب نفیس «مقدمه‌ای بر تاریخ روابط بین‌الملل» تأليف پروفسور پی بر رونون و پروفسور زان باست دوروزل (از صفحه ۶۶ تا ۱۲۴).

Pierre Renouvin, Jean Baptiste Duroselle :

Introduction à l'histoire des relations internationals. Paris ,
1966

و ترجمه فارسی آن تحت عنوان «مقدمات و مبانی تاریخ روابط بین‌الملل» ترجمه دکتر احمد میر فندرسکی رجوع کنید.

احساسات مذهبی و بالاخره احساسات ملیت.

در این بخش است که اگر تاریخ، حقایق این تمواجات را به خوبی روشن نماید و بازگوید، در بهبود روابط بین دو ملت می‌تواند نقش بزرگی را بازی کند.

ث- فرهنگ و هنر

در این مرحله ملتها دیگر باروح و روان، ذوق واستعداد و هنر یکدیگر سرو کار دارند، درجهانی بالاتر و والاتر از جهان مادی بایکدیگر ارتباط می‌یابند. این-جاست که مورخ میزان نزدیکی معنوی و روحی دو ملت را تشخیص می‌دهد و بهما باز می‌گوید و با مطامعه تاریخ است که این پیوندهای واقعی و معنوی بین دو ملت را که در خود ضبط و حفظ نموده، می‌توان دریافت چگونه و به چه طریق می‌توان آن پیوندها را محکمتر و استوارتر نمود.

ج- جنگ

نامطبوع ترین عوامل ارتباط جنگ بین دو ملت و دو اجتماع است. هنگامی جنگ به وقوع می‌پیوندد که بر سر مصالحی اختلاف نظر و عقیده حاصل شود و اگر در شرح جنگها از این اختلافات در تاریخ صحبت شده باشد تردیدی نیست مراجعت به تاریخ، دولتها را به علل اصلی اختلافات متوجه می‌سازد و این توجه موجب می‌شود که اگر بخواهند از بروز جنگهای دیگر جلوگیری کنند، بدانند چه باید کرد.

ج- نقش سیاستمداران

نقش سیاستمداران را نیز در روابط بین ملتها نباید نادیده گرفت. در این مورد دانشمند فرانسوی ژان باتیست دوروزل^۱ که هم‌اکنون استاد تاریخ روابط بین‌المللی در دانشگاه پاریس است اثر ارزشمند و مرسومی دارد به نام «سیاستمدار»^۲ و این تحقیق به صورت بخش دوم در کتاب «مقدمه‌ای بر تاریخ روابط بین‌المللی» که

1— Jean Baptiste Duroselle

2— L'homme d'Etat

به همکاری «پی بردونوون»^۱ تألیف شده در پاریس به چاپ رسیده است.^۲ در این مبحث دو روزل از مختصات یک سیاستمدار و نقشی که او در روابط بین المللی بر عهده دارد و اثرات نقش او به تفضیل گفتگو نموده است.

بررسی تاریخ هم نشان می‌دهد که اشتباہات یک سیاستمدار چگونه می‌تواند موجب تیرگی روابط بین دولت شود و یا حسن رفتار و سیاست او تاچه اندازه در برقراری روابط نیکو میان دولت مؤثر است. به علاوه با مراجعه به تاریخ استنباط می‌کنیم که در انعقاد یک قرارداد و یک معاهده خطوط و خطا و یا تدبیر و کارданی سیاستمداران چه گونه منافع و مصالح ملتی را منهدم و یا تأمین و تثبیت کرده است.

نتیجه

از آنچه گفته شد به طور کلی می‌توان چنین نتیجه گرفت که تاریخ حقیقی شرح روابط گوناگون بین ملتهاست و در آن باید از انگیزه‌های ارتباط مانند عوامل جغرافیائی نیروهای اقتصادی، جمعیت، احساسات ملی، فرهنگ و هنر، جنگها، کارها و سیاست مردان سیاسی گفتگو شده باشد و چون شرح این عوامل مورد مطالعه قرار گیرد استنباط می‌کنیم نحوه روابط بین دولت در گذشته چه گونه بوده است، چه در گیریها، تضادها، ناهمآهنگی‌ها و اختلافات بین آنها وجود داشته و همچنین چه دوستی‌ها، پیمان‌ها، یگانگی‌ها و همکاریها آنها زا به یکدیگر نزدیک و متصل نموده است و بدین طریق راه برقراری روابط دوستی و اتحاد شناخته می‌شود و چون علل و انگیزه‌های اختلافات و قطع روابط شناخته شد می‌توان آن اختلافات و

1— Pierre Renouvin

۲— این کتاب که پیش از این هم از آن نام بردهم مشتمل بر نظریات نوینی برای تدوین تاریخ روابط بین المللی است و در حقیقت باشد آن را فلسفه نوین تاریخ بین المللی دانست. کتاب مزبور شامل دو بخش است: بخش نخست به قلم پی بردونوون به اسم نیروهای مؤثر و عامل Les Forces profondes و بخش دوم به نام سیاستمدار به قلم دوروزل (بخش اول در ۲۸۲ صفحه و بخش دوم در ۱۷۳ صفحه).

ناهمآهنگی‌ها را رفع کرد و روابط دوستی و فرهنگی و اقتصادی را ترویج داد و محکمتر نمود و بالاخره امنیت و صلح را بین دولت برقرار نمود.

پس تاریخ است که کلیه این تحولات و تغییرات را از نظر ما می‌گذراند و ما را با کلیه رویدادهای گذشته جهان آشنامی سازد و با این آشنائی است که کوتاهترین و مطمئن‌ترین راه ارتباط و پیوند با ملت‌ها را می‌بایم و با پیمودن این راه که فقط تاریخ آن را فرا راه مامی گذارد، اجتماعات بشری در روابط بین خود به‌سوئی راهنمائی می‌شوند که آنجا برادری و انسانیت وجود دارد.

ضمیمه ۳

تبديل تقویم‌های مختلف به یکدیگر

پیش از اینکه به شرح نحوه تبدیل تاریخ‌های مختلف به یکدیگر بپردازیم لازم است برای روشن شدن زمینه موضوع، درباره گاه شماری و انواع تاریخ‌های رایج در ایران به اختصار توضیحاتی گفته شود.

گاه شماری^۱ و تقویم که از عوامل اصلی تاریخ نگاری است در ایران، برخلاف آنچه در کشورهای اروپائی و آمریکائی که فقط یک نوع تقویم و گاه شماری دارند، مسئله پیچیده‌ایست که همیشه دشواری‌هایی برای محققان و تاریخ‌نویسان به وجود می‌آورد و این وضع بدین سبب است که در طول تاریخ ایران محاسبه روزها و ماهها و سالها، تقویم‌های گوناگونی براساس سالهای خورشیدی و قمری متداول بوده است چنانکه در ایران پیش از اسلام، از گاه شماری‌هایی بر مدار سالهای خورشیدی استفاده می‌شده و در ایران اسلامی تاریخ قمری هجری که مبدأ آن هجرت پیامبر اسلام است رسماً داشته است. اما چون خراج و مالیات‌ها که بیشتر از محل

۱- واژه «گاه شماری» به معنی حساب روزها و ماهها و سالها، نخستین بار توسط شادروان حسن‌نقی‌زاده و برای عنوان کتابی تألیف خود او تحت نام «گاه شماری در قدیم» به کار رفته و این کتاب در سال ۱۳۱۶ خورشیدی به چاپ رسیده است.

کشاورزی به دست می‌آمد بر مبنای فصول چهار گانه طبیعت یعنی سال خورشیدی و صول می‌شد، دستگاه‌های حکومتی و دیوان‌ها با وجود رسمیت تقویم هجری قمری، از قبول تاریخ خورشیدی نیز ناگزیر می‌بودند و بهمین خاطر، گاه شماری‌های متنوعی بر مبنای سال شمسی وضع شده بود که از آن جمله است تقویم‌های متوكلی، معتقد‌الله، خراجی، بزدگردی^۱. اما هیچ‌یک از این گاه شماری‌ها دوامی نیافتند زیرا اولاً روش تعیین کبیسه در آنها دقت کافی را نداشت ثانیاً در گاه شماری‌های مزبور آغاز سال با آغاز بهار و نوروز مطابقت نمی‌کرد. در نتیجه مشکلات مالی دیوان‌ها و دستگاه‌های حکومتی همچنان باقی‌مانده بود تا اینکه عمر خیام در سال ۴۷۱ هجری قمری به دستور سلطان ملکشاه سلجوقی به تصحیح گاه شماری خورشیدی مبادرت کرد و این گاه شماری از سال ۴۷۶ معمول گردید.^۲

در این تقویم، نوروز در اواین روز سال و آغاز بهار ثبیت شد و تقویم جلالی به جای سایر تقویم‌های شمسی رسمیت یافت.

مدت سال در تاریخ جلالی ۳۶۵ روز و ۵ ساعت و ۴۸ دقیقه و ۴۵ ثانیه و ۴۸ ثالثه بوده است و حساب تعیین کبیسه در آن که از جمع ساعات و دقایق و ثوانی و ثوالث در چهار سال به چهار سال و یا پنج سال به دست می‌آید بر مبنای دوره‌های کامل شمسی ۱۴۴۰ ساله و مرکب از دوره‌های ۱۶۱ ساله می‌باشد. بدین گونه که در ۱۶۱ سال، یک دوره ۲۹ ساله و چهار دوره ۳۳ ساله اختیار می‌شود و به طوری که سوترا Suter محاسبه نموده است با انتخاب این روش در ۲۸۰ هزار سال فقط یک روز خطاروی خواهد داد.^۳

۱- تقی‌زاده، گاه شماری در ایران قدیم، صفحات ۱۵۳ تا ص ۱۸۰ و بهروز (ذیح)، تقویم تاریخ در ایران، ص ۶۷-۶۶.

۲- بهروز، همان کتاب ص ۶۱-۶۰.

۳- دائرۃ المعارف اسلامی، ماده «جلالی»

در این روش، هر دوره ۱۴۰ ساله دارای ۳۶۹ سال کبیسه است که ۳۰۵ کبیسه بعداز چهارسال و ۴۳ کبیسه بعداز پنج سال می بashaد و در دوره های ۲۹ ساله شش کبیسه بعداز چهارسال و یک کبیسه بعداز پنج سال و در دوره های ۳۳ ساله هفت کبیسه بعداز چهارسال و یک کبیسه بعداز پنج سال قرار می گیرد^۱ – روز کبیسه به ماه آخر افزوده می شد.

ماه های تقویم جلالی نامهای فارسی داشتند اما رفته رفته اسمی بروج و آن-

هم به زبان عربی به جای آنها متداول شد:

حمل (۳۱ روز)	جوزا (۳۲ روز)	ثور (۳۱ روز)
سرطان (۳۱ روز)	اسد (۳۱ روز)	سنبله (۳۱ روز)
میزان (۳۰ روز)	عقرب (۳۰ روز)	قوس (۲۹ روز)
جدی (۲۹ روز)	دلو (۳۰ روز)	حوت (۳۰ روز)

اما در گاه شماری قمری هجری که اساس آن بر محاسبه زمان گردش ماه به دور زمین و بر حسب نصف النهار محلی است (که در آنجا گاه شماری می شود) مدت سال ۳۵۴ روز و ۸ ساعت و ۴۸ دقیقه و ۲۵ ثانیه و ۴۸ ثالثه است و در این گاه شماری ممکن است دو ماه متوالی ۲۹ روز و سه ماه ۳۰ روز و یا به طور متناوب، ۳۰ روز و ۲۹ روز باشد و این ماه ها که با محاسبه معلوم می شوند به ماه های حسابی معروفند ولی منجمان در محاسبات و کارهای خود قاعدة ماه های وسطی را منظور نموده اند که در این قاعدة، ماه های سال به ترتیب ۳۰ روز و ۲۹ روز هستند و ساعت و دقایق و ثوانی و و نوالت اضافه بر ۳۵۴ روز سال که به هر تقدیر خود رقمی است، در طول سی سال برابر با ۱۱ روز می شود و منجمان آن را به عنوان کبیسه به سال های دوم و پنجم و هفتم و دهم و سیزدهم و پانزدهم و هیجدهم و بیست و یکم و بیست و چهارم و بیست و ششم و بیست و نهم و در آخرین ماه سال (ذی حجه) می افزایند:

محرم الحرام ۳۰ روز صفر المظفر ۲۹ روز ربیع الاول ۳۰ روز

رمضان المبارک ۲۹ روز	جمادی الاول ۳۰ روز	رمیع الثاني ۲۹ روز
شعبان المعظم ۳۰ روز	ذی الحجۃ الحرام	رجب المرجب ۳۰ روز
شوال المکرم ۲۹ روز	ذی القعده الحرام	ذی القعده الحرام
روز (در سالهای ۲۹)	روز ۳۰	کبیسه ۳۰ روز)

بدین ترتیب ، تاریخ رسمی و متدالوکشور ایران تاریخ قمری هجری بود و در کتاب‌های تاریخی ایران هم بعد از اسلام، همیشه وقایع و حوادث با سالهای قمری هجری ضبط شده است جزاینکه از دوره ایلخانان به بعد برای محاسبات مالی و مالیاتی ، سالهای مالی شمسی به اسم دوره دوازده ساله ختا و قبچاق و وایغور « که براساس آن هرسال نامی جداگانه داشته است به کارمی رفت.

نامهای ترکی سالهای اویغوری:

توشقان ایل	بارس ایل	اوادیل	سیچاق ایل
قوی ایل	ایلان ایل	یونت ایل	لوی ایل
تنگوز ایل	ایت ایل	تخارقی ایل	پیچی ایل

نامهای فارسی سالهای ایغوری

خر گوش	پلنگ	گاؤ	موش
گوسفند	اسب	مار	نهنگ
خوک	سگ	مرغ	میمون

این وضع تا سال ۱۳۴۳ قمری هجری معمول بود و در این سال تاریخ را از اول هجرت با سالهای شمسی حساب کردند. در این حساب سال ۱۳۴۳ قمری هجری با ۱۳۰۴ شمسی هجری برابر شد.

در همین تاریخ برای ماهها نیز نامهای فارسی معمول در تاریخ جلالی را اختیار

کردند ولی در تعداد روزهای ماهها تصحیح و تعدیلی به عمل آمد و «سال رابر- اساس حساب نجومی در هرسال (نه بر کبیسه‌های چهارساله) بنانهادند» که روز کبیسه بر ماه آخر سال افزوده می‌شود:

فروردین	۳۱	روز	خرداد	۳۱	روز	اردیبهشت	۳۱	روز
تیر	۳۱	روز	امداد	۳۱	روز	شهریور	۳۱	روز
مهر	۳۰	روز	آبان	۳۰	روز	آذر	۳۰	روز
دی	۳۰	روز	بهمن	۳۰	روز	اسفند	۲۹	روز

(در سالهای کبیسه ۳۰ روز)

و این گاه شماری در ۱۱ فروردین ۱۳۰۴ هجری شمسی به تصویب مجلس شورای ملی رسید و تقویم رسمی ایران شد. ضمناً استعمال سال شماری این‌گوری از از این تاریخ متوقف گردید ولی تاریخ قمری هجری همچنان برای امور مذهبی باقی ماند.

از اوائل سلسله قاجار که روابط ایران با اروپا رو به فزونی گذاشت، ایرانیان رفتارفته با تاریخ ملل مسیحی نیز آشنا شدند و این تاریخ نخست در عهدنامه‌ها و قراردادها راه یافتد و سپس نویسنده‌گان و محققان هم برای مقایسه سالهای گاه شماری ایران با گاه شماری مسیحی، آن را به کاربردند تا جائی که در این اوخر سه گونه تاریخ قمری هجری، شمسی هجری و میلادی در نوشته‌ها و کتابها و مقالات به کار می‌رفت. بدین صورت که برای دوره‌های باستانی: سالهای میلادی (پیش از میلاد - بعد از میلاد) و از آغاز اسلام تا پایان سلسله قاجار یعنی تا ۱۳۴۳ قمری هجری و از این تاریخ به بعد سالهای خورشیدی هجری و همچنین سالهای معادل آنها از تقویم‌های قمری هجری و میلادی استصاص یافته بود

و این وضع پیچیده و گیج‌کننده یک اصلاح اساسی را ایجاد می‌کرد تا اینکه در سال ۱۳۵۵ شمسی هجری (برابر با سال ۱۳۹۶ قمری هجری و ۱۹۷۶ میلادی)

برای رفع این مشکل نگارنده پیشنهاد میکند همچنانکه از سال ۶۲۲ میلادی، تاریخ رسمی ایران هجری است سالهای قبل از ۶۲۲ میلادی را نیز با سال هجری شمسی مطابقت کرده و بعنوان پیش از هجرت رسمیت دهدند با آنچه گفته شد، خوب معلوم می‌شود يك محقق تاریخ ایران در کار خود از نظر گاه شماری و توجیه و تطبیق سالها با يكديگر با چه دشواری‌های بزرگی رو بروست و وجود این دشواری‌ها ایجاب می‌کند يك محقق تاریخ و فرهنگ ایران با روش محاسبه و تطبیق سנות آشنا باشد.

الف - تیدیل سالها به يكديگر

۱- تطبیق سالهای قمری هجری با شمسی هجری

سال قمری را بر ۴ تقسیم نمائید تا تعداد روزهای کبیسه قمری معلوم شود. بعد همان سال قمری را در ۳۵۴ که تعداد روزهای يك سال قمری است ضرب کنید. آنگاه، تعداد روزهای کبیسه را بر تعداد روزهای سال بیفزایید و سپس بر تعداد روزهای سال شمسی (۳۶۵ روز) تقسیم کنید. خارج قسمت، جواب است :

مثال

$$\text{روز} \quad 481794 = 1361 \times 354 \quad \text{قمری}$$

$$\text{روز کبیسه} \quad 1361 : 4 = 340$$

$$\frac{481794 + 340}{365} = 1321 \quad \text{شمسی هجری}$$

۲- تطبیق سال شمسی به قمری

مثال :

$$\text{روز} \quad 482165 = 1321 \times 365 \quad \text{شمسی}$$

$$\begin{array}{r} \text{روز کبیسه} \\ 1321 : 4 = 330 \\ \hline \text{قمری هجری} & 1361 \\ 482165 - 330 & = \\ 354 & \end{array}$$

۳- تطبیق سال میلادی با قمری هجری

سال مسیحی = $5774 / 5774 + 621$ سال قمری هجری $\times 970224$
اگر ارقام اعشاری از ۵٪ بیشتر شد آن را یک عدد صحیح حساب می‌کنند.

۴- تبدیل سانهای میلادی به شمسی هجری و بالعکس

$$\begin{array}{l} \text{سال شمسی هجری} = 621 - \text{سال میلادی} \\ \text{سال میلادی} = 621 + \text{سال شمسی} \end{array}$$

تبصره ۵

این حالات در صورتی است که ماه و روز مورد نظر در فاصله بین ۲۱ مارس تا اول ژانویه باشد. اگر روز و ماه مورد نظر بین ژانویه و ۲۱ مارس باشد به جای عدد ۶۲۱ باید عدد ۶۲۲ را انتخاب کرد.

۵- تبدیل سال‌های هجری به اویغوری

سال شمسی را به رقم ۱۲ تقسیم کنید - باقی مانده تقسیم هر عددی باشد در جدول شماره ۱ پیدا کنید. جواب سال اویغوری است.

مثال: سال ۱۳۵۶ شمسی هجری با چه سال اویغوری تطبیق می‌کند؟

$$\begin{array}{r} 356 \\ 12 \overline{) } \end{array} = \text{باقی مانده} \rightarrow .$$

بنابراین سال ایلان‌ایل یا مار جواب است.

جدول شماره ۴- سالهای اویغوری

رقم باقی مانده	نام سالها بهتر کی	نام سالها به فارسی
۱	یونت ایل	اسب
۲	قوی ایل	گو سفند
۳	بیچی ایل	میمون
۴	تخاقوی ایل	مرغ
۵	ایت ایل	سگ
۶	تنگوز ایل	خوک
۷	سیچقان ایل	موش
۸	او دا ایل	گاو
۹	بارس ایل	پلنگ
۱۰	تو شقان ایل	خر گوش
۱۱	لوی ایل	نهنگ
۱۲—۰	ایلان ایل	مار

ب- تعیین سالهای کبیسه

۱- کبیسه قمری- سال قمری را برابر رقم ۳۰ تقسیم کنید. باقی مانده اگر یکی از اعداد زیر باشد آن سال کبیسه است:

۲ - ۵ - ۷ - ۱۰ - ۱۳ - ۱۵ - ۱۸ - ۲۱ - ۲۴ - ۲۶ - ۲۹

مثال :

باقی‌مانده عدد ۹ است و بنابراین سال کبیسه نیست $\rightarrow \frac{۱۳۵۹}{۳۰}$

۲- کبیسه شمسی هجری.
اگرچه تعیین کبیسه سالهای شمسی آن‌دۀ موکول به حساب شده است ولی برای سالهای گذشته می‌توان از جدول زیر سالهای کبیسه خیامی را معلوم کرد:

جدول شماره ۵- جدول کبیسه‌های خیامی

پنج سالی	چهار سالی							
۵	۹	۱۳	۱۷	۲۱	۲۵	۲۹		
۳۴	۳۸	۴۲	۴۶	۵۰	۵۴	۵۸	۶۲	
۶۷	۷۱	۷۵	۷۹	۸۳	۸۷	۹۱	۹۵	
۱۰۰	۱۰۴	۱۰۸	۱۱۲	۱۱۶	۱۲۰	۱۲۴	صفر	

دستور پیدا کردن سال کبیسه :

سال مورد نظر را بر رقم ۲۳۴۶ بیفزایید.

حاصل را بر ۲۸۲۰ تقسیم کنید.

باقی‌مانده تقسیم را بر ۱۲۸ تقسیم نمائید.

اگر باقی‌مانده دوم عددی باشد که در جدول نوشته شده آن سال کبیسه و ۳۶۵ روزی است و اگر عدد باقی‌مانده در جدول نباشد سال ۳۶۵ روزی معمولی است.

مثال : سال ۱۳۳۱ شمسی هجری آیا کبیسه است ؟

$$1331 + 2346 = 3677$$

$$\frac{۳۶۷۷}{۲۸۲۰} \longrightarrow ۸۵۷$$

$$\frac{۸۵۷}{۱۲۸} \longrightarrow ۸۹$$

با مراجمه به جدول شماره ۵ چون رقم ۸۹ در جدول نیست سال مزبور
روزی است.^۱ ۳۶۵

۲- کبیسه میلادی

برای تعیین سال‌های کبیسه میلادی، سال میلادی اگر قابل تقسیم بر عدد ۴ باشد آن سال کبیسه است ولی سال‌هایی که دور قم آخر آنها صفر است اگر پس از حذف دو صفر ارقام باقی‌مانده برابر ۴ قابل قسمت باشد کبیسه‌اند و در غیر این صورت کبیسه نیستند

مثال :

سال‌های ۴۰۰ و ۸۰۰ و ۱۲۰۰ و ۱۶۰۰ و ۲۰۰۰ کبیسه‌اند

سال‌های ۱۰۰ و ۲۰۰ و ۳۰۰ و ۵۰۰ و ۷۰۰ و ۹۰۰ و ۰۰۰ کبیسه نیستند

ج- تطبیق روزهای سال‌های مختلف با یکدیگر

برای تطبیق روزی از سال یک تقویم باروزی از سال تقویم دیگر جداول مختلفی لازم است که با مراجمه به آن جداول به سهولت و سرعت بتوان جواب را به دست آورد. اروپائیان جداولی در این زمینه تهیه کرده‌اند و انواع متعددی از آن نیز به چاپ رسیده است که فقط برای تطبیق ماهها و روزهای میلادی با ماهها و روزهای هجری قمری به کار می‌رود. در ایران نیز جداولی به همین منظور تدوین و

۱- بهروز، ص ۶۳

تنظيم شده است که به جز یکی از آنها^۲ بقیه نیز برای مطابقت سالها و ماهها و روزهای هجری قمری و میلادی مورد استفاده توانند بود و ما برای آنها^۳ که دسترسی به این گونه جداول ندارند دو جدول که طرز استفاده از آنها بسیار ساده است در این جا می‌آوریم (جدول ۶۰۷).

مثال ۱

روز ۱۸ مه سال ۱۹۷۷ با چه روزی از سال هجری شمسی برابر است؟

جواب :

بارجوع به دستور شماره ۴ سال شمسی معادل سال ۱۹۷۷ را بدست می‌آوریم:

$$1356 - 1977 = 621$$

سپس با مراجعه به جدول ۶ (ستون ۱ سمت راست) می‌بینیم روز ۱۸ مه با ۲۸ اردیبهشت و ثور (محل تلاقی رقم ۱۸ در ستون یکم با ستون ششم یعنی ستون ماه مه) مطابق است و این وضع در صورتی است که سال میلادی و هجری هر دو یا کبیسه باشند و یا کبیسه نباشند و چون سال ۱۹۷۷ و سال ۱۳۵۶ شمسی هجری هیچ کدام کبیسه نیستند پس رقم بدست آمده از جدول جواب مطلوب می‌باشد.

مثال ۲

روز ۲۵ سپتامبر سال ۱۹۶۴ با چه روزی از سال هجری برابر است؟

جواب :

این سال، با سال ۱۳۴۴ هجری خورشیدی برابر است و در این مثال سال میلادی کبیسه است و سال پیش از سال هجری یعنی سال ۱۳۴۲ کبیسه نیست. طبق جدول ۲۵ سپتامبر با ۳۰ مهر و یا ۲ میزان تطبیق می‌کند ولی چون سال میلادی

-۲- این مجموعه که سه نوع گاه شماری قمری هجری و شمسی هجری و میلادی را از محرم ۱۲۶۸ قمری برابر با ۱۲۳۰ شمسی و ۱۸۵۱ میلادی تا پایان سال ۱۳۷۵ قمری برابر با ۱۳۳۴ شمسی و ۹۵۵ میلادی یعنی یکصد و پنج سال را ماه به ماه با یکدیگر تطبیق نموده است تحت عنوان «**تفوییم یکصد و پنج ساله تطبیقی**» تألیف احمد نجم آبادی و از انتشارات شرکت سهامی تحریر ایران می‌باشد.

جدول همراه ۲

جدول تطبیق روزهای سالهای خورشیدی با سال میلادی

ردیه دری	ردیه بین	موزه دولت	مارسک آوریل	آوریل فروردین حوت	ماهی آوریل	ژوئن خرداد جزو	ژوئیه خرداد	اوت شهریور اسد	ستمبر شهریور شنبه	ستمبر آبان آذربایجان	دهبر	دسامبر زیارت
۱	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲
۲	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳
۳	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴
۴	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵
۵	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶
۶	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷
۷	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸
۸	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹
۹	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰
۱۰	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱
۱۱	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۱
۱۲	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۱	۲
۱۳	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۱	۲	۳
۱۴	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۱	۲	۳	۴
۱۵	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۱	۲	۳	۴	۵
۱۶	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱۷	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱۸	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱۹	۲۹	۳۰	۳۱	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۲۰	۳۰	۳۱	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۲۱	۳۱	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
۲۲	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۲۳	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳
۲۴	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۲۵	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۲۶	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶
۲۷	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷
۲۸	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸
۲۹	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹
۳۰	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰
۳۱	۱۰	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-

کبیسه است بهار قام ۳ مهر و یا ۲ میزان یک روز اضافه می کنیم و جواب می شود ۴ مهر یا سوم میزان.

مثال ۳

اگر مطلوب تطبیق روز نهم ژوئیه ۱۹۲۲ باروز و ماه سال هجری شمسی باشد:

جواب :

سال هجری شمسی ۱۳۰۱ = ۱۹۲۲ - ۶۲۱

با مراجعت به جدول شماره ۵ خیامی سال ۱۳۰۰ که سال قبل از سال

جواب می باشد، سال کبیسه است.

بنابراین از ارقام ۱۸ تیر و یا ۱۷ سرطان که از جدول شماره ۶ بدست می آید یک روز باید کسر کرد و بدین گونه روز نهم ژوئیه ۱۹۲۲ برابر با ۱۷ تیر ماه و یا ۱۶ سرطان سال ۱۳۰۱ بوده است.

۲- تطبیق روزهای سالهای میلادی و هجری قمری با یکدیگر و بالعکس برای تطبیق روزها و ماههای سالهای، هجری قمری و میلادی با یکدیگر از جداول شماره ۷ و شماره ۸ و شماره ۹ باید استفاده کرد.

در جدول شماره هفتم روز اول محرم ۱۴۲۱ سال هجری قمری با سالهای میلادی تطبیق شده است چنانکه روز اول محرم سال اول هجری با ۱۶ ژوئیه ۶۲۲ میلادی و روز اول محرم سال ۱۴۲۱ هجری با ۶ آوریل سال ۲۰۰۰ میلادی مطابق است.

در جدول شماره ۸ روزهای توالی ماههای میلادی و در جدول شماره ۹ روزهای توالی ماههای قمری معین شده است. منظور از روزهای توالی این است که فلان روز از فلان ماه چندمین روز سال است.

مثال : ۱۹ آوریل اگر سال میلادی کبیسه باشد هفتاد و نهمین روز سال و اگر کبیسه نباشد هفتاد و هشتاد و هشتمین روز سال میلادی است و همچنین ۲۲ ربیع الاول

هشتاد و یکمین روز سال هجری قمری است.
اینک طریقه محاسبه :

یکم - تطبیق روزهای تقویم هجری با روزهای میلادی :

رقم توالي روز میلادی که برابر با اول محرم همان سال است $+$ رقم توالي روز هجری که تطبیق آن موردنظر است.
سپس آن حاصل جمع منهای ۱ = رقم توالي روز مطلوب با مراجعت به جدول معلوم می شود که چه روزی از چه ماهی است.

مثال :

پنجم ربیع الاول سال ۹۱ هجری با چه روزی از تقویم میلادی برابر بوده است.
اول محرم $= ۹۱$ زوئن $= ۱۵۰۴$ (جدول ۷).
ردیف توالي روز ۱۴ زوئن $= ۱۶۵$ (جدول ۸).
رقم توالي روز ۵ ربیع الاولی $= ۶۴$ (جدول ۹).
 $۱۶۵ + ۶۴ = ۲۲۸$.
روز ۲۲۸ از سال میلادی $= ۱۶$ اوت (جدول ۸).

حالت خاص:

اگر حاصل بزرگتر از رقم ۳۶۶ باشد، رقم ۳۶۶ را از آن باید کسر کرد و تفاضل رقم توالي روز مطلوب است.

دوم - تطبیق روزهای تقویم میلادی با روزهای هجری :

رقم توالي روز میلادی که برابر با اول محرم همان سال است منهای رقم توالي روز میلادی که تطبیق آن موردنظر می باشد. سپس تفاضل $+ ۱ =$ رقم توالي روز هجری که با مراجعت به جدول مربوط معلوم می شود چه روزی از چه ماهی است.

مثال :

روز ۱۶ اوت ۱۵۰۴ با چه روزی از سال هجری مطابق بوده است.

سال ۹۱۰ هجری (جدول ۷) = سال ۱۵۰۴

اول محرم ۹۱۰ = ۱۴ ذوئن ۱۵۰۴ (جدول ۷)

رقم توالی ۱۴ ذوئن = ۱۶۵ (جدول ۸)

رقم توالی ۱۶ اوت = ۲۲۸ (جدول ۸)

رقم توالی روز مطلوب = ۶۴ = ۱۶۵ + ۱ - ۲۲۸

بامراجعه به جدول ۹ می بینیم روز ۶ از سال هجری، پنجم ربیع الاول می باشد.

مِنْهُج

TABLEAU COMPARATIF DES ANNÉES

DE L'HÉGIRE

ET DES ANNÉES DE L'ÈRE CHRÉTIENNE

Années de l'Hégire	Années chrétiennes	Années de l'Hégire	Années chrétiennes	Années de l'Hégire	Années chrétiennes
1	622 16 Juil.	25	645 28 Oct.	49	669 9 Fév.
2	623 5 Juil.	26	646 17 Oct.	50	670 29 Jan.
3	624 24 Juin	27	647 7 Oct.	51	671 18 Jan.
4	625 13 Juin	28	648 25 Sept.	52	672 8 Jan.
5	626 2 Juin	29	649 14 Sept.	53	672 27 Déc.
6	627 23 Mai	30	650 4 Sept.	54	673 16 Déc.
7	628 11 Mai	31	651 24 Août	55	674 6 Déc.
8	629 1 Mai	32	652 12 Août	56	675 25 Nov.
9	630 20 Avril	33	653 2 Août	57	676 14 Nov.
10	631 9 Avril	34	654 22 Juil.	58	677 3 Nov.
11	632 29 Mars	35	655 11 Juil.	59	678 23 Oct.
12	633 18 Mars	36	656 30 Juin	60	679 13 Oct.
13	634 7 Mars	37	657 19 Juin	61	680 1 Oct.
14	635 25 Fév.	38	658 9 Juin	62	681 20 Sept.
15	636 14 Fév.	39	659 29 Mai	63	682 10 Sept.
16	637 2 Fév.	40	660 17 Mai	64	683 30 Août
17	638 23 Jan.	41	661 7 Mai	65	684 18 Août
18	639 12 Jan.	42	662 26 Avril	66	685 8 Août
19	640 2 Jan.	43	663 15 Avril	67	686 28 Juil.
20	640 21 Déc.	44	664 4 Avril	68	687 18 Juil.
21	641 10 Déc.	45	665 24 Mars	69	688 6 Juil.
22	642 30 Nov.	46	666 13 Mars	70	689 25 Juin
23	643 19 Nov.	47	667 3 Mars	71	690 15 Juin
24	644 7 Nov.	48	668 20 Fév.	72	691 4 Juin

II

Années de l'Hégire	Années chrétiennes	Années de l'Hégire	Années chrétiennes	Années de l'Hégire	Années chrétiennes
73	692 23 Mai	106	724 29 Mai	139	756 5 Juin
74	693 13 Mai	107	725 19 Mai	140	757 25 Mai
75	694 2 Mai	108	726 8 Mai	141	758 14 Mai
76	695 21 Avril	109	727 28 Avril	142	759 4 Mai
77	696 10 Avril	110	728 16 Avril	143	760 22 Avril
78	697 30 Mars	111	729 5 Avril	144	761 11 Avril
79	698 20 Mars	112	730 26 Mars	145	762 1 Avril
80	699 9 Mars	113	731 15 Mars	146	763 21 Mars
81	700 26 Fév.	114	732 3 Mars	147	764 10 Mars
82	701 15 Fév.	115	733 21 Fév.	148	765 27 Fév.
83	702 4 Fév.	116	734 10 Fév.	149	766 16 Fév.
84	703 24 Jan.	117	735 31 Jan.	150	767 6 Fév.
85	704 14 Jan.	118	736 20 Jan.	151	768 26 Jan.
86	705 2 Jan.	119	737 8 Jan.	152	769 14 Jan.
87	705 23 Déc.	120	737 29 Déc.	153	770 4 Jan.
88	706 12 Déc.	121	738 18 Déc.	154	770 24 Déc.
89	707 1 Déc.	122	739 7 Déc.	155	771 13 Déc.
90	708 20 Nov.	123	740 26 Nov.	156	772 2 Déc.
91	709 9 Nov.	124	741 15 Nov.	157	773 21 Nov.
92	710 29 Oct.	125	742 4 Nov.	158	774 11 Nov.
93	711 19 Oct.	126	743 25 Oct.	159	775 31 Oct.
94	712 7 Oct.	127	744 13 Oct.	160	776 19 Oct.
95	713 26 Sept.	128	745 3 Oct.	161	777 9 Oct.
96	714 16 Sept.	129	746 22 Sept.	162	778 28 Sept.
97	715 5 Sept.	130	747 11 Sept.	163	779 17 Sept.
98	716 25 Août	131	748 31 Août	164	780 6 Sept.
99	717 14 Août	132	749 20 Août	165	781 26 Août
100	718 3 Août	133	750 9 Août	166	782 15 Août
101	719 24 Juil.	134	751 30 Juil.	167	783 5 Août
102	720 12 Juil.	135	752 18 Juil.	168	784 24 Juil.
103	721 1 Juil.	136	753 7 Juil.	169	785 14 Juil.
104	722 21 Juin	137	754 27 Juin	170	786 3 Juil.
105	723 10 Juin	138	755 16 Juin	171	787 22 Juin

III

Années de l'Hébreu	Années chrétiennes	Années de l'Hébreu	Années chrétiennes	Années de l'Hébreu	Années chrétiennes
172	788 11 Juin	205	820 17 Juin	238	852 23 Juin
173	789 31 Mai	206	821 6 Juin	239	853 12 Juin
174	790 20 Mai	207	822 27 Mai	240	854 2 Juin
175	791 10 Mai	208	823 16 Mai	241	855 22 Mai
176	792 28 Avril	209	824 4 Mai	242	856 10 Mai
177	793 18 Avril	210	825 24 Avril	243	857 30 Avril
178	794 7 Avril	211	826 13 Avril	244	858 19 Avril
179	795 27 Mars	212	827 2 Avril	245	859 8 Avril
180	796 16 Mars	213	828 22 Mars	246	860 28 Mars
181	797 5 Mars	214	829 11 Mars	247	861 17 Mars
182	798 22 Fév.	215	830 28 Fév.	248	862 7 Mars
183	799 12 Fév.	216	831 18 Fév.	249	863 24 Fév.
184	800 1 Fév.	217	832 7 Fév.	250	864 13 Fév.
185	801 20 Jan.	218	833 27 Jan.	251	865 2 Fév.
186	802 10 Jan.	219	834 16 Jan.	252	866 22 Jan.
187	802 30 Déc.	220	835 5 Jan.	253	967 11 Jan.
188	803 20 Déc.	221	835 26 Déc.	254	868 1 Jan.
189	804 8 Déc.	222	836 14 Déc.	255	868 20 Déc.
190	805 27 Nov.	223	837 3 Déc.	256	869 9 Déc.
191	806 17 Nov.	224	838 23 Nov.	257	870 29 Nov.
192	807 6 Nov.	225	839 12 Nov.	258	871 18 Nov.
193	808 25 Oct.	226	840 31 Oct.	259	872 7 Nov.
194	809 15 Oct.	227	841 21 Oct.	260	873 27 Oct.
195	810 4 Oct.	228	842 10 Oct.	261	874 16 Oct.
196	811 23 Sept.	229	843 30 Sept.	262	875 6 Oct.
197	812 12 Sept.	230	844 18 Sept.	263	876 24 Sept.
198	813 1 Sept.	231	845 7 Sept.	264	877 13 Sept.
199	814 22 Août	232	846 28 Août	265	878 3 Sept.
200	815 11 Août	233	847 17 Août	266	879 23 Août
201	816 30 Juil.	234	848 5 Août	267	880 12 Août
202	817 20 Juil.	235	849 26 Juil.	268	881 1 Août
203	818 9 Juil.	236	850 15 Juil.	269	882 21 Juil.
204	819 28 Juin	237	851 5 Juil.	270	883 11 Juil.

IV

Années de l'Hégire	Années chrétiennes	Années de l'Hégire	Années chrétiennes	Années de l'Hégire	Années chrétiennes
271	884 29 Juin	304	916 5 Juil.	337	948 11 Juil.
272	885 18 Juin	305	917 24 Juin	338	949 1 Juil.
273	886 8 Juin	306	918 14 Juin	339	950 20 Juin
274	887 28 Mai	307	919 3 Juin	340	951 9 Juin
275	888 16 Mai	308	920 23 Mai	341	952 29 Mai
276	889 6 Mai	309	921 12 Mai	342	953 18 Mai
277	890 25 Avril	310	922 1 Mai	343	954 7 Mai
278	891 15 Avril	311	923 21 Avril	344	955 27 Avril
279	892 3 Avril	312	924 9 Avril	345	956 15 Avril
280	893 23 Mars	313	925 29 Mars	346	957 4 Avril
281	894 13 Mars	314	926 19 Mars	347	958 25 Mars
282	895 2 Mars	315	927 8 Mars	348	959 14 Mars
283	896 19 Fév.	316	928 25 Fév.	349	960 3 Mars
284	897 8 Fév.	317	929 14 Fév.	350	961 20 Fév.
285	898 28 Jan.	318	930 3 Fév.	351	962 9 Fév.
286	899 17 Jan.	319	931 24 Jan.	352	963 30 Jan.
287	900 7 Jan.	320	932 13 Jan.	353	964 19 Jan.
288	900 26 Déc.	321	933 1 Jan.	354	965 7 Jan.
289	901 15 Déc.	322	933 22 Déc.	355	965 28 Déc.
290	902 5 Déc.	323	934 11 Déc.	356	966 17 Déc.
291	903 24 Nov.	324	935 30 Nov.	357	967 7 Déc.
292	904 13 Nov.	325	936 19 Nov.	358	968 25 Nov.
293	905 2 Nov.	326	937 8 Nov.	359	969 14 Nov.
294	906 22 Oct.	327	938 29 Oct.	360	970 4 Nov.
295	907 12 Oct.	328	939 18 Oct.	361	971 24 Oct.
296	908 30 Sept.	329	940 6 Oct.	362	972 12 Oct.
297	909 20 Sept.	330	941 26 Sept.	363	973 2 Oct.
298	910 9 Sept.	331	942 15 Sept.	364	974 21 Sept.
299	911 29 Août	332	943 4 Sept.	365	975 10 Sept.
300	912 18 Août	333	944 24 Août	366	976 30 Août
301	913 7 Août	334	945 13 Août	367	977 19 Août
302	914 27 Juil.	335	946 2 Août	368	978 9 Août
303	915 17 Juil.	336	947 23 Juil.	369	979 29 Juil.

V

Années de l'Hébre	Années chrétiennes	Années de l'Hébre	Années chrétiennes	Années de l'Hébre	Années chrétiennes
370	980 17 Juil.	406	1015 21 Juin	442	1050 26 Mai
371	981 7 Juil.	407	1016 10 Juin	443	1051 15 Mai
372	982 26 Juin	408	1017 30 Mai	444	1052 3 Mai
373	983 15 Juin	409	1018 20 Mai	445	1053 23 Avril
374	984 4 Juin	410	1019 9 Mai	446	1054 12 Avril
375	985 24 Mai	411	1020 27 Avril	447	1055 2 Avril
376	986 13 Mai	412	1021 17 Avril	448	1056 21 Mars
377	987 3 Mai	413	1022 6 Avril	449	1057 10 Mars
378	988 21 Avril	414	1023 26 Mars	450	1058 28 Fév.
379	989 11 Avril	415	1024 15 Mars	451	1059 17 Fév.
380	990 31 Mars	416	1025 4 Mars	452	1060 6 Fév.
381	991 20 Mars	417	1026 22 Fév.	453	1061 26 Jan.
382	992 9 Mars	418	1027 11 Fév.	454	1062 15 Jan.
383	993 26 Fév.	419	1028 31 Jan.	455	1063 4 Jan.
384	994 15 Fév.	420	1029 20 Jan.	456	1063 25 Déc.
385	995 5 Fév.	421	1030 9 Jan.	457	1064 13 Déc.
386	996 25 Jan.	422	1031 29 Déc.	458	1065 3 Déc.
387	997 14 Jan.	423	1031 19 Déc.	459	1066 22 Nov.
388	998 3 Jan.	424	1032 7 Déc.	460	1067 11 Nov.
389	998 23 Déc.	425	1033 26 Nov.	461	1068 31 Oct.
390	999 13 Déc.	426	1034 16 Nov.	462	1069 20 Oct.
391	1000 1 Déc.	427	1035 5 Nov.	463	1070 9 Oct.
392	1001 20 Nov.	428	1036 25 Oct.	464	1071 29 Sept.
393	1002 10 Nov.	429	1037 14 Oct.	465	1072 17 Sept.
394	1003 30 Oct.	430	1038 3 Oct.	466	1073 6 Sept.
395	1004 18 Oct.	431	1039 23 Sept.	467	1074 27 Août
396	1005 8 Oct.	432	1040 11 Sept.	468	1075 16 Août
397	1006 27 Sept.	433	1041 31 Août	469	1076 5 Août
398	1007 17 Sept.	434	1042 21 Août	470	1077 25 Juil.
399	1008 5 Sept.	435	1043 10 Août	471	1078 14 Juil.
400	1009 25 Août	436	1044 29 Juil.	472	1079 4 Juil.
401	1010 15 Août	437	1045 19 Juil.	473	1080 22 Juin
402	1011 4 Août	438	1046 8 Juil.	474	1081 11 Juin
403	1012 23 Juil.	439	1047 28 Juin	475	1082 1 Juin
404	1013 13 Juil.	440	1048 16 Juin	476	1083 21 Mai
405	1014 2 Juil.	441	1049 5 Juin	477	1084 10 Mai

VI

Années de l'Hébreu	Années chrétiennes	Années de l'Hébreu	Années chrétiennes	Années de l'Hébreu	Années chrétiennes
478	I085 29 Avril	514	I120 2 Avril	550	II55 7 Mars
479	I086 18 Avril	515	I121 22 Mars	551	II56 25 Fév.
480	I087 8 Avril	516	I122 12 Mars	552	II57 13 Fév.
481	I088 27 Mars	517	I123 1 Mars	553	II58 2 Fév.
482	I089 16 Mars	518	I124 19 Fév.	554	II59 23 Jan.
483	I090 6 Mars	519	I125 7 Fév.	555	II60 12 Jan.
484	I091 23 Fév.	520	I126 27 Jan.	556	II60 31 Déc.
485	I092 12 Fév.	521	I127 17 Jan.	557	II61 21 Déc.
486	I093 1 Fév.	522	I128 6 Jan.	558	II62 10 Déc.
487	I094 21 Jan.	523	I128 25 Déc.	559	II63 30 Nov.
488	I095 11 Jan.	524	I129 15 Déc.	560	II64 18 Nov.
489	I095 31 Déc.	525	I130 4 Déc.	561	II65 7 Nov.
490	I096 19 Déc.	526	I131 23 Nov.	562	II66 28 Oct.
491	I097 9 Déc.	527	I132 12 Nov.	563	II67 17 Oct.
492	I098 28 Nov.	528	I133 1 Nov.	564	II68 5 Oct.
493	I099 17 Nov.	529	I134 22 Oct.	565	II69 25 Sept.
494	I100 6 Nov.	530	I135 11 Oct.	566	II70 14 Sept.
495	I101 26 Oct.	531	I136 29 Sept.	567	II71 4 Sept.
496	I102 15 Oct.	532	I137 19 Sept.	568	II72 23 Août
497	I103 5 Oct.	533	I138 8 Sept.	569	II73 12 Août
498	I104 23 Sept.	534	I139 28 Août	570	II74 2 Août
499	I105 13 Sept.	535	I140 17 Août	571	II75 22 Juil.
500	I106 2 Sept.	536	I141 6 Août	572	II76 10 Juil.
501	I107 22 Août	537	I142 27 Juil.	573	II77 30 Juin
502	I108 11 Août	538	I143 16 Juil.	574	II78 19 Juin
503	I109 31 Juil.	539	I144 4 Juil.	575	II79 8 Juin
504	I110 20 Juil.	540	I145 24 Juin	576	II80 28 Mai
505	I111 10 Juil.	541	I146 13 Juin	577	II81 17 Mai
506	I112 28 Juin	542	I147 2 Juin	578	II82 7 Mai
507	I113 18 Juin	543	I148 22 Mai	579	II83 26 Avril
508	I114 7 Juin	544	I149 11 Mai	580	II84 14 Avril
509	I115 27 Mai	545	I150 30 Avril	581	II85 4 Avril
510	I116 16 Mai	546	I151 20 Avril	582	II86 24 Mars
511	I117 5 Mai	547	I152 8 Avril	583	II87 13 Mars
512	I118 24 Avril	548	I153 29 Mars	584	II88 2 Mars
513	I119 14 Avril	549	I154 18 Mars	585	II89 19 Fév.

VII

Années de l'Église	Années chrétiennes	Années de l'Église	Années chrétiennes	Années de l'Église	Années chrétiennes
586	I190 8 Fév.	622	I225 13 Jan.	658	I259 18 Déc.
587	I191 29 Jan.	623	I226 2 Jan.	659	I260 6 Déc.
588	I192 18 Jan.	624	I226 22 Déc.	660	I261 26 Nov.
589	I193 7 Jan.	625	I227 12 Déc.	661	I262 15 Nov.
590	I193 27 Déc.	626	I228 30 Nov.	662	I263 4 Nov.
591	I194 16 Déc.	627	I229 20 Nov.	663	I264 24 Oct.
592	I195 6 Déc.	628	I230 9 Nov.	664	I265 13 Oct.
593	I196 24 Nov.	629	I231 29 Oct.	665	I266 2 Oct.
594	I197 13 Nov.	630	I232 18 Oct.	666	I267 22 Sept.
595	I198 3 Nov.	631	I233 7 Oct.	667	I268 10 Sept.
596	I199 23 Oct.	632	I234 26 Sept.	668	I269 31 Août
597	I200 12 Oct.	633	I235 16 Sept.	669	I270 20 Août
598	I201 1 Oct.	634	I236 4 Sept.	670	I271 9 Août
599	I202 20 Sept.	635	I237 24 Août	671	I272 29 Juil.
600	I203 10 Sept.	636	I238 14 Août	672	I273 18 Juil.
601	I204 29 Août	637	I239 3 Août	673	I274 7 Juil.
602	I205 18 Août	638	I240 23 Juil.	674	I275 27 Juin
603	I206 8 Août	639	I241 12 Juil.	675	I276 15 Juin
604	I207 28 Juil.	640	I242 1 Juil.	676	I277 4 Juin
605	I208 16 Juil.	641	I243 21 Juin	677	I278 25 Mai
606	I209 6 Juil.	642	I244 9 Juin	678	I279 14 Mai
607	I210 25 Juin	643	I245 29 Mai	679	I280 3 Mai
608	I211 15 Juin	644	I246 19 Mai	680	I281 22 Avril
609	I212 3 Juin	645	I247 8 Mai	681	I282 11 Avril
610	I213 23 Mai	646	I248 26 Avril	682	I283 1 Avril
611	I214 13 Mai	647	I249 16 Avril	683	I284 20 Mars
612	I215 2 Mai	648	I250 5 Avril	684	I285 9 Mars
613	I216 20 Avril	649	I251 20 Mars	685	I286 27 Fév.
614	I217 10 Avril	650	I252 14 Mars	686	I287 16 Fév.
615	I218 30 Mars	651	I253 3 Mars	687	I288 6 Fév.
616	I219 19 Mars	652	I254 21 Fév.	688	I289 25 Jan.
617	I220 8 Mars	653	I255 10 Fév.	689	I290 14 Jan.
618	I221 25 Fév.	654	I256 30 Jan.	690	I291 4 Jan.
619	I222 15 Fév.	655	I257 19 Jan.	691	I291 24 Déc.
620	I223 4 Fév.	656	I258 8 Jan.	692	I292 12 Déc.
621	I224 24 Jan.	657	I258 29 Déc.	693	I293 2 Déc.

VIII

Années de l'Église	Années chrétiennes	Années de l'Église	Années chrétiennes	Années de l'Église	Années chrétiennes
694	1294 21 Nov.	730	1329 25 Oct.	766	1364 28 Sept.
695	1295 10 Nov.	731	1330 15 Oct.	767	1365 18 Sept.
696	1296 30 Oct.	732	1331 4 Oct.	768	1366 7 Sept.
697	1297 19 Oct.	733	1332 22 Sept.	769	1367 28 Août
698	1298 9 Oct.	734	1333 12 Sept.	770	1368 16 Août
699	1299 28 Sept.	735	1334 1 Sept.	771	1369 5 Août
700	1300 16 Sept.	736	1335 21 Août	772	1370 26 Juil.
701	1301 6 Sept.	737	1336 10 Août	773	1371 15 Juil.
702	1302 26 Août	738	1337 30 Juil.	774	1372 3 Juil.
703	1303 15 Août	739	1338 20 Juil.	775	1373 23 Juin
704	1304 4 Août	740	1339 9 Juil.	776	1374 12 Juin
705	1305 24 Juil.	741	1340 27 Juin	777	1375 2 Juin
706	1306 13 Juil.	742	1341 17 Juin	778	1376 21 Mai
707	1307 3 Juil.	743	1342 6 Juin	779	1377 10 Mai
708	1308 21 Juin	744	1343 26 Mai	780	1378 30 Avril
709	1309 11 Juin	745	1344 15 Mai	781	1379 19 Avril
710	1310 31 Mai	746	1345 4 Mai	782	1380 7 Avril
711	1311 20 Mai	747	1346 24 Avril	783	1381 28 Mars
712	1312 9 Mai	748	1347 13 Avril	784	1382 17 Mars
713	1313 28 Avril	749	1348 1 Avril	785	1383 6 Mars
714	1314 17 Avril	750	1349 22 Mars	786	1384 24 Fév.
715	1315 7 Avril	751	1350 11 Mars	787	1385 12 Fév.
716	1316 26 Mars	752	1351 28 Fév.	788	1386 2 Fév.
717	1317 16 Mars	753	1352 18 Fév.	789	1387 22 Jan.
718	1318 5 Mars	754	1353 6 Fév.	790	1388 11 Jan.
719	1319 22 Fév.	755	1354 26 Jan.	791	1388 31 Déc.
720	1320 12 Fév.	756	1355 16 Jan.	792	1389 20 Déc.
721	1321 31 Jan.	757	1356 5 Jan.	793	1390 9 Déc.
722	1322 20 Jan.	758	1356 25 Déc.	794	1391 29 Nov.
723	1323 10 Jan.	759	1357 14 Déc.	795	1392 17 Nov.
724	1323 30 Déc.	760	1358 3 Déc.	796	1393 6 Noy.
725	1324 18 Déc.	761	1359 23 Nov.	797	1394 27 Oct.
726	1325 8 Déc.	762	1360 11 Nov.	798	1395 16 Oct.
727	1326 27 Nov.	763	1361 31 Oct.	799	1396 5 Oct.
728	1327 17 Nov.	764	1362 21 Oct.	800	1397 24 Sept.
729	1328 5 Nov.	765	1363 10 Oct.	801	1398 13 Sept.

IX

Années de l'Hébreu	Années chrétiennes	Années de l'Hébreu	Années chrétiennes	Années de l'Hébreu	Années chrétiennes
802	1399 3 Sept.	838	1434 7 Août	874	1469 11 Juil.
803	1400 22 Août	839	1435 27 Juil.	875	1470 30 Juin
804	1401 11 Août	840	1436 16 Juil.	876	1471 20 Juin
805	1402 1 Août	841	1437 5 Juil.	877	1472 8 Juin
806	1403 21 Juil.	842	1438 24 Juin	878	1473 29 Mai
807	1404 10 Juil.	843	1439 14 Juin	879	1474 18 Mai
808	1405 29 Juin	844	1440 2 Juin	880	1475 7 Mai
809	1406 18 Juin	845	1441 22 Mai	881	1476 26 Avril
810	1407 8 Juin	846	1442 12 Mai	882	1477 15 Avril
811	1408 27 Mai	847	1443 1 Mai	883	1478 4 Avril
812	1409 16 Mai	848	1444 20 Avril	884	1479 25 Mars
813	1410 6 Mai	849	1445 9 Avril	885	1480 13 Mars
814	1411 25 Avril	850	1446 29 Mars	886	1481 2 Mars
815	1412 13 Avril	851	1447 19 Mars	887	1482 20 Fév.
816	1413 3 Avril	852	1448 7 Mars	888	1483 9 Fév.
817	1414 23 Mars	853	1449 24 Fév.	889	1484 30 Jan.
818	1415 13 Mars	854	1450 14 Fév.	890	1485 18 Jan.
819	1416 1 Mars	855	1451 3 Fév.	891	1486 7 Jan.
820	1417 18 Fév.	856	1452 23 Jan.	892	1486 28 Déc.
821	1418 8 Fév.	857	1453 12 Jan.	893	1487 17 Déc.
822	1419 28 Jan.	858	1454 1 Jan.	894	1488 5 Déc.
823	1420 17 Jan.	859	1454 22 Déc.	895	1489 25 Nov.
824	1421 6 Jan.	860	1455 11 Déc.	896	1490 14 Nov.
825	1421 26 Déc.	861	1456 29 Nov.	897	1491 4 Nov.
826	1422 15 Déc.	862	1457 19 Nov.	898	1492 23 Oct.
827	1423 5 Déc.	863	1458 8 Nov.	899	1493 12 Oct.
828	1424 23 Nov.	864	1459 28 Oct.	900	1494 2 Oct.
829	1425 13 Nov.	865	1460 17 Oct.	901	1495 21 Sept.
830	1426 2 Nov.	866	1461 6 Oct.	902	1496 9 Sept.
831	1427 22 Oct.	867	1462 26 Sept.	903	1497 30 Août
832	1428 11 Oct.	868	1463 15 Sept.	904	1498 19 Août
833	1429 30 Sept.	869	1464 3 Sept.	905	1499 8 Août
834	1430 19 Sept.	870	1465 24 Août	906	1500 28 Juil.
835	1431 9 Sept.	871	1466 13 Août	907	1501 17 Juil.
836	1432 28 Août	872	1467 2 Août	908	1502 7 Juil.
837	1433 18 Août	873	1468 22 Juil.	909	1503 26 Juin

X

Années de l'Hégire	Années chrétiennes	Années de l'Hégire	Années chrétiennes	Années de l'Hégire	Années chrétiennes
910	1504 14 Juin	946	1539 19 Mai	982	1574 23 Avril
911	1505 4 Juin	947	1540 8 Mai	983	1575 12 Avril
912	1506 24 Mai	948	1541 27 Avril	984	1576 31 Mars
913	1507 13 Mai	949	1542 17 Avril	985	1577 21 Mars
914	1508 2 Mai	950	1543 6 Avril	986	1578 10 Mars
915	1509 21 Avril	951	1544 25 Mars	987	1579 28 Fév.
916	1510 10 Avril	952	1545 15 Mars	988	1580 17 Fév.
917	1511 31 Mars	953	1546 4 Mars	989	1581 5 Fév.
918	1512 19 Mars	954	1547 21 Fév.	990	1582 26 Jan.
919	1513 9 Mars	955	1548 11 Fév.	991	1583 25 Jan.
920	1514 26 Fév.	956	1549 30 Jan.	992	1584 14 Jan.
921	1515 15 Fév.	957	1550 20 Jan.	993	1585 3 Jan.
922	1516 5 Fév.	958	1551 9 Jan.	994	1585 23 Déc.
923	1517 24 Jan.	959	1551 29 Déc.	995	1586 12 Déc.
924	1518 13 Jan.	960	1552 18 Déc.	996	1587 2 Déc.
925	1519 3 Jan.	961	1553 7 Déc.	997	1588 20 Nov.
926	1519 23 Déc.	962	1554 26 Nov.	998	1589 10 Nov.
927	1520 12 Déc.	963	1555 16 Nov.	999	1590 30 Oct.
928	1521 1 Déc.	964	1556 4 Nov.	1000	1591 19 Oct.
929	1522 20 Nov.	965	1557 24 Oct.	1001	1592 8 Oct.
930	1523 10 Nov.	966	1558 14 Oct.	1002	1593 27 Sept.
931	1524 29 Oct.	967	1559 3 Oct.	1003	1594 16 Sept.
932	1525 18 Oct.	968	1560 22 Sept.	1004	1595 6 Sept.
933	1526 8 Oct.	969	1561 11 Sept.	1005	1596 25 Août
934	1527 27 Sept.	970	1562 31 Août	1006	1597 14 Août
935	1528 15 Sept.	971	1563 21 Août	1007	1598 4 Août
936	1529 5 Sept.	972	1564 9 Août	1008	1599 24 Juil.
937	1530 25 Août	973	1565 29 Juil.	1009	1600 13 Juil.
938	1531 15 Août	974	1566 19 Juil.	1010	1601 2 Juil.
939	1532 3 Août	975	1567 8 Juil.	1011	1602 21 Juin
940	1533 23 Juil.	976	1568 26 Juin	1012	1603 11 Juin
941	1534 13 Juil.	977	1569 16 Juin	1013	1604 30 Mai
942	1535 2 Juil.	978	1570 5 Juin	1014	1605 19 Mai
943	1536 20 Juin	979	1571 26 Mai	1015	1606 9 Mai
944	1537 10 Juin	980	1572 14 Mai	1016	1607 28 Avril
945	1538 30 Mai	981	1573 3 Mai	1017	1608 17 Avril

XI

Années de l'Hégire	Années chrétiennes	Années de l'Hégire	Années chrétiennes	Années de l'Hégire	Années chrétiennes
1018	1609 6 Avril	1054	1644 10 Mars	1090	1679 12 Fév.
1019	1610 26 Mars	1055	1645 27 Fév.	1091	1680 2 Fév.
1020	1611 16 Mars	1056	1646 17 Fév.	1092	1681 21 Jan.
1021	1612 4 Mars	1057	1647 6 Fév.	1093	1682 10 Jan.
1022	1613 21 Fév.	1058	1648 27 Jan.	1094	1682 31 Déc.
1023	1614 11 Fév.	1059	1649 15 Jan.	1095	1683 20 Déc.
1024	1615 31 Jan.	1060	1650 4 Jan.	1096	1684 8 Déc.
1025	1616 20 Jan.	1061	1650 25 Déc.	1097	1685 28 Nov.
1026	1617 9 Jan.	1062	1651 14 Déc.	1098	1686 17 Nov.
1027	1617 29 Déc.	1063	1652 2 Déc.	1099	1687 7 Nov.
1028	1618 19 Déc.	1064	1653 22 Nov.	1100	1688 26 Oct.
1029	1619 8 Déc.	1065	1654 11 Nov.	1101	1689 15 Oct.
1030	1620 26 Nov.	1066	1655 31 Oct.	1102	1690 5 Oct.
1031	1621 16 Nov.	1067	1656 20 Oct.	1103	1691 24 Sept.
1032	1622 5 Nov.	1068	1657 9 Oct.	1104	1692 12 Sept.
1033	1623 25 Oct.	1069	1658 29 Sept.	1105	1693 2 Sept.
1034	1624 14 Oct.	1070	1659 18 Sept.	1106	1694 22 Août
1035	1625 3 Oct.	1071	1660 6 Sept.	1107	1695 12 Août
1036	1626 22 Sept.	1072	1661 27 Août	1108	1696 31 Juil.
1037	1627 12 Sept.	1073	1662 16 Août	1109	1697 20 Juil.
1038	1628 31 Août	1074	1663 5 Août	1110	1698 10 Juil.
1039	1629 21 Août	1075	1664 25 Juil.	1111	1699 29 Juin
1040	1630 10 Août	1076	1665 14 Juil.	1112	1700 18 Juin
1041	1631 30 Juil.	1077	1666 4 Juil.	1113	1701 8 Juin
1042	1632 19 Juil.	1078	1667 23 Juin	1114	1702 28 Mai
1043	1633 8 Juil.	1079	1668 11 Juin	1115	1703 17 Mai
1044	1634 27 Juin	1080	1669 1 Juin	1116	1704 6 Mai
1045	1635 17 Juin	1081	1670 21 Mai	1117	1705 25 Avril
1046	1636 5 Juin	1082	1671 10 Mai	1118	1706 15 Avril
1047	1637 26 Mai	1083	1672 29 Avril	1119	1707 4 Avril
1048	1638 15 Mai	1084	1673 18 Avril	1120	1708 23 Mars
1049	1639 4 Mai	1085	1674 7 Avril	1121	1709 13 Mars
1050	1640 23 Avril	1086	1675 28 Mars	1122	1710 2 Mars
1051	1641 12 Avril	1087	1676 16 Mars	1123	1711 19 Fév.
1052	1642 1 Avril	1088	1677 6 Mars	1124	1712 9 Fév.
1053	1643 22 Mars	1089	1678 23 Fév.	1125	1713 28 Jan.

XII

Années de l'Algérie	Années chrétiennes	Années de l'Algérie	Années chrétiennes	Années de l'Algérie	Années chrétiennes
II26	1714 17 Jan.	II62	1748 22 Déc.	1198	1783 26 Nov.
II27	1715 7 Jan.	II63	1749 11 Déc.	1199	1784 14 Nov.
II28	1715 27 Déc.	II64	1750 30 Nov.	1200	1785 4 Nov.
II29	1716 16 Déc.	II65	1751 20 Nov.	1201	1786 24 Oct.
II30	1717 5 Déc.	II66	1752 8 Nov.	1202	1787 13 Oct.
II31	1718 24 Nov.	II67	1753 29 Oct.	1203	1788 2 Oct.
II32	1719 14 Nov.	II68	1754 18 Oct.	1204	1789 21 Sept.
II33	1720 2 Nov.	II69	1755 7 Oct.	1205	1790 10 Sept.
II34	1721 22 Oct.	II70	1756 26 Sept.	1206	1791 31 Août
II35	1722 12 Oct.	II71	1757 15 Sept.	1207	1792 19 Août
II36	1723 1 Oct.	II72	1758 4 Sept.	1208	1793 9 Août
II37	1724 20 Sept.	II73	1759 25 Août	1209	1794 29 Juil.
II38	1725 9 Sept.	II74	1760 13 Août	1210	1795 18 Juil.
II39	1726 29 Août	II75	1761 2 Août	1211	1796 7 Juil.
II40	1727 19 Août	II76	1762 23 Juil.	1212	1797 26 Juin
II41	1728 7 Août	II77	1763 12 Juil.	1213	1798 15 Juin
II42	1729 27 Juil.	II78	1764 1 Juil.	1214	1799 5 Juin
II43	1730 17 Juil.	II79	1765 20 Juin	1215	1800 25 Mai
II44	1731 6 Juil.	II80	1766 9 Juin	1216	1801 14 Mai
II45	1732 24 Juin	II81	1767 30 Mai	1217	1802 4 Mai
II46	1733 14 Juin	II82	1768 18 Mai	1218	1803 23 Avril
II47	1734 3 Juin	II83	1769 7 Mai	1219	1804 12 Avril
II48	1735 24 Mai	II84	1770 27 Avril	1220	1805 1 Avril
II49	1736 12 Mai	II85	1771 16 Avril	1221	1806 21 Mars
II50	1737 1 Mai	II86	1772 4 Avril	1222	1807 11 Mars
II51	1738 21 Avril	II87	1773 25 Mars	1223	1808 28 Fév.
II52	1739 10 Avril	II88	1774 14 Mars	1224	1809 16 Fév.
II53	1740 29 Mars	II89	1775 4 Mars	1225	1810 6 Fév.
II54	1741 19 Mars	II90	1776 21 Fév.	1226	1811 26 Jan.
II55	1742 8 Mars	II91	1777 9 Fév.	1227	1812 16 Jan.
II56	1743 25 Fév.	II92	1778 30 Jan.	1228	1813 4 Jan.
II57	1744 15 Fév.	II93	1779 19 Jan.	1229	1813 24 Déc.
II58	1745 3 Fév.	II94	1780 8 Jan.	1230	1814 14 Déc.
II59	1746 24 Jan.	II95	1780 28 Déc.	1231	1815 3 Déc.
II60	1747 13 Jan.	II96	1781 17 Déc.	1232	1816 21 Nov.
II61	1748 2 Jan.	II97	1782 7 Déc.	1233	1817 11 Nov.

XIII

Années de l'Hébreu	Années chrétiennes	Années de l'Hébreu	Années chrétiennes	Années de l'Hébreu	Années chrétiennes
1234	1818 31 Oct.	1270	1853 4 Oct.	1306	1888 7 Sept.
1235	1819 20 Oct.	1271	1854 24 Sept.	1307	1889 28 Août
1236	1820 9 Oct.	1272	1855 13 Sept.	1308	1890 17 Août
1237	1821 28 Sept.	1273	1856 1 Sept.	1309	1891 7 Août
1238	1822 18 Sept.	1274	1857 22 Août	1310	1892 26 Juil.
1239	1823 7 Sept.	1275	1858 11 Août	1311	1893 15 Juil.
1240	1824 26 Août	1276	1859 31 Juil.	1312	1894 5 Juil.
1241	1825 16 Août	1277	1860 20 Juil.	1313	1895 24 Juin
1242	1826 5 Août	1278	1861 9 Juil.	1314	1896 12 Juin
1243	1827 25 Juil.	1279	1862 29 Juin	1315	1897 2 Juin
1244	1828 14 Juil.	1280	1863 18 Juin	1316	1898 23 Mai
1245	1829 3 Juil.	1281	1864 6 Juin	1317	1899 12 Mai
1246	1830 22 Juin	1282	1865 27 Mai	1318	1900 1 Mai
1247	1831 12 Juin	1283	1866 16 Mai	1319	1901 20 Avril
1248	1832 31 Mai	1284	1867 5 Mai	1320	1902 10 Avril
1249	1833 21 Mai	1285	1868 24 Avril	1321	1903 30 Mars
1250	1834 10 Mai	1286	1869 13 Avril	1322	1904 18 Mars
1251	1835 29 Avril	1287	1870 3 Avril	1323	1905 8 Mars
1252	1836 18 Avril	1288	1871 23 Mars	1324	1906 25 Fév.
1253	1837 7 Avril	1289	1872 11 Mars	1325	1907 14 Fév.
1254	1838 27 Mars	1290	1873 1 Mars	1326	1908 4 Fév.
1255	1839 17 Mars	1291	1874 18 Fév.	1327	1909 23 Jan.
1256	1840 5 Mars	1292	1875 7 Fév.	1328	1910 13 Jan.
1257	1841 23 Fév.	1293	1876 28 Jan.	1329	1911 2 Jan.
1258	1842 12 Fév.	1294	1877 16 Jan.	1330	1911 22 Déc.
1259	1843 1 Fév.	1295	1878 5 Jan.	1331	1912 11 Déc.
1260	1844 22 Jan.	1296	1878 26 Déc.	1332	1913 30 Nov.
1261	1845 10 Jan.	1297	1879 15 Déc.	1333	1914 19 Nov.
1262	1845 30 Déc.	1298	1880 4 Déc.	1334	1915 9 Nov.
1263	1846 20 Déc.	1299	1881 23 Nov.	1335	1916 28 Oct.
1264	1847 9 Déc.	1300	1882 12 Nov.	1336	1917 17 Oct.
1265	1848 27 Nov.	1301	1883 2 Nov.	1337	1918 7 Oct.
1266	1849 17 Nov.	1302	1884 21 Oct.	1338	1919 26 Sept.
1267	1850 6 Nov.	1303	1885 10 Oct.	1339	1920 15 Sept.
1268	1851 27 Oct.	1304	1886 30 Sept.	1340	1921 4 Sept.
1269	1852 15 Oct.	1305	1887 19 Sept.	1341	1922 24 Août.

XIV

Années de l'Hégire	Années chrétiennes	Années de l'Hégire	Années chrétiennes	Années de l'Hégire	Années chrétiennes
1342	1923 14 Août	1369	1949 24 Oct.	1396	1976 3 Jan.
1343	1924 2 Août	1370	1950 13 Oct.	1397	1976 23 Déc.
1344	1925 22 Juil.	1371	1951 2 Oct.	1398	1977 12 Déc.
1345	1926 12 Juil.	1372	1952 21 Sept.	1399	1978 2 Déc.
1346	1927 1 Juil.	1373	1953 10 Sept.	1400	1979 21 Nov.
1347	1928 20 Juin	1374	1954 30 Août	1401	1980 9 Nov.
1348	1929 9 Juin	1375	1955 20 Août	1402	1981 30 Oct.
1349	1930 29 Mai	1376	1956 8 Août	1403	1982 19 Oct.
1350	1931 19 Mai	1377	1957 29 Juil.	1404	1983 8 Oct.
1351	1932 7 Mai	1378	1958 18 Juil.	1405	1984 27 Sept.
1352	1933 26 Avril	1379	1959 7 Juil.	1406	1985 16 Sept.
1353	1934 16 Avril	1380	1960 26 Juin	1407	1986 6 Sept.
1354	1935 5 Avril	1381	1961 15 Juin	1408	1987 26 Août
1355	1936 24 Mars	1382	1962 4 Juin	1409	1988 14 Août
1356	1937 14 Mars	1383	1963 25 Mai	1410	1989 4 Août
1357	1938 3 Mars	1384	1964 13 Mai	1411	1990 24 Juil.
1358	1939 21 Fév.	1385	1965 2 Mai	1412	1991 13 Juil.
1359	1940 10 Fév.	1386	1966 22 Avril	1413	1992 2 Juil.
1360	1941 29 Jan.	1387	1967 11 Avril	1414	1993 21 Juin
1361	1942 19 Jan.	1388	1968 31 Mars	1415	1994 10 Juin
1362	1943 8 Jan.	1389	1969 20 Mars	1416	1995 31 Mai
1363	1943 28 Déc.	1390	1970 9 Mars	1417	1996 19 Mai
1364	1944 17 Déc.	1391	1971 27 Fév.	1418	1997 9 Mai
1365	1945 6 Déc.	1392	1972 16 Fév.	1419	1998 28 Avril
1366	1946 25 Nov.	1393	1973 4 Fév.	1420	1999 17 Avril
1367	1947 15 Nov.	1394	1974 25 Jan.	1421	2000 5 April
1368	1948 3 Nov.	1395	1975 14 Jan.		

MUHARRAM		SAFAR		RABI I		RABI II		DJAMADI I		DJAMADI II	
Jours		Jours		Jours		Jours		Jours		Jours	
Mois	Année	Mois	Année	Mois	Année	Mois	Année	Mois	Année	Mois	Année
1	1	1	31	1	60	1	90	1	119	1	149
2	2	2	32	2	61	2	91	2	120	2	150
3	3	3	33	3	62	3	92	3	121	3	151
4	4	4	34	4	63	4	93	4	122	4	152
5	5	5	35	5	64	5	94	5	123	5	153
6	6	6	36	6	65	6	95	6	124	6	154
7	7	7	37	7	66	7	96	7	125	7	155
8	8	8	38	8	67	8	97	8	126	8	156
9	9	9	39	9	68	9	98	9	127	9	157
10	10	10	40	10	69	10	99	10	128	10	158
11	11	11	41	11	70	11	100	11	129	11	159
12	12	12	42	12	71	12	101	12	130	12	160
13	13	13	43	13	72	13	102	13	131	13	161
14	14	14	44	14	73	14	103	14	132	14	162
15	15	15	45	15	74	15	104	15	133	15	163
16	16	16	46	16	75	16	105	16	134	16	164
17	17	17	47	17	76	17	106	17	135	17	165
18	18	18	48	18	77	18	107	18	136	18	166
19	19	19	49	19	78	19	108	19	137	19	167
20	20	20	50	20	79	20	109	20	138	20	168
21	21	21	51	21	80	21	110	21	139	21	169
22	22	22	52	22	81	22	111	22	140	22	170
23	23	23	53	23	82	23	112	23	141	23	171
24	24	24	54	24	83	24	113	24	142	24	172
25	25	25	55	25	84	25	114	25	143	25	173
26	26	26	56	26	85	26	115	26	144	26	174
27	27	27	57	27	86	27	116	27	145	27	175
28	28	28	58	28	87	28	117	28	146	28	176
29	29	29	59	29	88	29	118	29	147	29	177
30	30			30	89			30	148		

XVIII

RADJAB		CHA'BAN		RAMAZAN		CHAVVAL		ZU-'L-KADAH		ZU-'LHIJAH	
Jours		Jours		Jours		Jours		Jours		Jours	
Mois	Année	Mois	Année	Mois	Année	Mois	Année	Mois	Année	Mois	Année
1	178	1	208	1	237	1	267	1	296	1	326
2	179	2	209	2	238	2	268	2	297	2	327
3	180	3	210	3	239	3	269	3	298	3	328
4	181	4	211	4	240	4	270	4	299	4	329
5	182	5	212	5	241	5	271	5	300	5	330
6	183	6	213	6	242	6	272	6	301	6	331
7	184	7	214	7	243	7	273	7	302	7	332
8	185	8	215	8	244	8	274	8	303	8	333
9	186	9	216	9	245	9	275	9	304	9	334
10	187	10	217	10	246	10	276	10	305	10	335
11	188	11	218	11	247	11	277	11	306	11	336
12	189	12	219	12	248	12	278	12	307	12	337
13	190	13	220	13	249	13	279	13	308	13	338
14	191	14	221	14	250	14	280	14	309	14	339
15	192	15	222	15	251	15	281	15	310	15	340
16	193	16	223	16	252	16	282	16	311	16	341
17	194	17	224	17	253	17	283	17	312	17	342
18	195	18	225	18	254	18	284	18	313	18	343
19	196	19	226	19	255	19	285	19	314	19	344
20	197	20	227	20	256	20	286	20	315	20	345
21	198	21	228	21	257	21	287	21	316	21	346
22	199	22	229	22	258	22	288	22	317	22	347
23	200	23	230	23	259	23	289	23	318	23	348
24	201	24	231	24	260	24	290	24	319	24	349
25	202	25	232	25	261	25	291	25	320	25	350
26	203	26	233	26	262	26	292	26	321	26	351
27	204	27	234	27	263	27	293	27	322	27	352
28	205	28	235	28	264	28	294	28	323	28	353
29	206	29	236	29	265	29	295	29	324	29	354
30	207			30	266			30	325	30	355

IMPRIMERIE BÉROUKHIM, TÉHÉRAN

VII

XV

لـ ١٥٢

JANVIER			FÉVRIER			MARS			AVRIL			MAI			JUIN		
Année	Commune	Bisannuelle	Année	Commune	Bisannuelle	Année	Commune	Bisannuelle	Année	Commune	Bisannuelle	Année	Commune	Bisannuelle	Année	Commune	Bisannuelle
1	1	1	1	1	1	32	1	60	1	91	1	121	1	1	1	152	
2	2	2	2	2	2	33	2	61	2	92	2	122	2	1	1	153	
3	3	3	3	3	3	34	3	62	3	93	3	123	3	2	2	154	
4	4	4	4	4	4	35	4	63	4	94	4	124	4	3	3	155	
5	5	5	5	5	5	36	5	64	5	95	5	125	5	4	4	156	
6	6	6	6	6	6	37	6	65	6	96	6	126	6	5	5	157	
7	7	7	7	7	7	38	7	66	7	97	7	127	7	6	6	158	
8	8	8	8	8	8	39	8	67	8	98	8	128	8	7	7	159	
9	9	9	9	9	9	40	9	68	9	99	9	129	9	8	8	160	
10	10	10	10	10	10	41	10	69	10	100	10	130	10	9	9	161	
11	11	11	11	11	11	42	11	70	11	101	11	131	11	10	10	162	
12	12	12	12	12	12	43	12	71	12	102	12	132	12	11	11	163	
13	13	13	13	13	13	44	13	72	13	103	13	133	13	12	12	164	
14	14	14	14	14	14	45	14	73	14	104	14	134	14	13	13	165	
15	15	15	15	15	15	46	15	74	15	105	15	135	15	14	14	166	
16	16	16	16	16	16	47	16	75	16	106	16	136	16	15	15	167	
17	17	17	17	17	17	48	17	76	17	107	17	137	17	16	16	168	
18	18	18	18	18	18	49	18	77	18	108	18	138	18	17	17	169	
19	19	19	19	19	19	50	19	78	19	109	19	139	19	18	18	170	
20	20	20	20	20	20	51	20	79	20	110	20	140	20	19	19	171	
21	21	21	21	21	21	52	21	80	21	111	21	141	21	20	20	172	
22	22	22	22	22	22	53	22	81	22	112	22	142	22	21	21	173	
23	23	23	23	23	23	54	23	82	23	113	23	143	23	22	22	174	
24	24	24	24	24	24	55	24	83	24	114	24	144	24	23	23	175	
25	25	25	25	25	25	56	25	84	25	115	25	145	25	24	24	176	
26	26	26	26	26	26	57	26	85	26	116	26	146	26	25	25	177	
27	27	27	27	27	27	58	27	86	27	117	27	147	27	26	26	178	
28	28	28	28	28	28	59	28	87	28	118	28	148	28	27	27	179	
29	29	29	29	29	29	60	29	88	29	119	29	149	29	28	28	180	
30	30	30	30	30	30	30	29	89	30	120	30	150	30	29	29	181	
31	31	31				31	30	90	30	121	31	151	31	30	30	182	
						31	31	91			31	152					

XVI

JUILLET		AOUT		SEPTEMBRE		OCTOBRE		NOVEMBRE		DÉCEMBRE	
Année	Jour de l'an.	Année	Jour de l'an.	Année	Jour de l'an.	Année	Jour de l'an.	Année	Jour de l'an.	Année	Jour de l'an.
Commune	Bissextille	Commune	Bissextille	Commune	Bissextille	Commune	Bissextille	Commune	Bissextille	Commune	Bissextille
1	182	1	213	1	244	1	274	1	305	1	335
2	183	2	214	2	245	2	275	2	306	2	336
3	184	3	215	3	246	3	276	3	307	3	337
4	185	4	216	4	247	4	277	4	308	4	338
5	186	5	217	5	248	5	278	5	309	5	339
6	187	6	218	6	249	6	279	6	310	6	340
7	188	7	219	7	250	7	280	7	311	7	341
8	189	8	220	8	251	8	281	8	312	8	342
9	190	9	221	9	252	9	282	9	313	9	343
10	191	10	222	10	253	10	283	10	314	10	344
11	192	11	223	11	254	11	284	11	315	11	345
12	193	12	224	12	255	12	285	12	316	12	346
13	194	13	225	13	256	13	286	13	317	13	347
14	195	14	226	14	257	14	287	14	318	14	348
15	196	15	227	15	258	15	288	15	319	15	349
16	197	16	228	16	259	16	289	16	320	16	350
17	198	17	229	17	260	17	290	17	321	17	351
18	199	18	230	18	261	18	291	18	322	18	352
19	200	19	231	19	262	19	292	19	323	19	353
20	201	20	232	20	263	20	293	20	324	20	354
21	202	21	233	21	264	21	294	21	325	21	355
22	203	22	234	22	265	22	295	22	326	22	356
23	204	23	235	23	266	23	296	23	327	23	357
24	205	24	236	24	267	24	297	24	328	24	358
25	206	25	237	25	268	25	298	25	329	25	359
26	207	26	238	26	269	26	299	26	330	26	360
27	208	27	239	27	270	27	300	27	331	27	361
28	209	28	240	28	271	28	301	28	332	28	362
29	210	29	241	29	272	29	302	29	333	29	363
30	211	30	242	30	273	30	303	30	334	30	364
31	212	31	243	30	274	31	304	30	335	31	365
	213	31	244			31	305			31	366

فهرست‌ها

منابع و مأخذ

الف - منابع فارسی

- آرون (ریموند) : «تاریخ و جامعه‌شناسی» ترجمه دکتر نیک-گهر در مجله نگین، اردیبهشت ۱۳۵۶ خورشیدی
- آریانپور (ا.ج) : تدارک پژوهشنامه - تهران.
- ابن خلدون : مقدمه ، ترجمه محمود عرفان از انتشارات بنگاه نشر کتاب .
- امری نف : فلسفه تاریخ ، ترجمه دکتر عبدالله فربیار ، تهران ۱۳۴۰ خورشیدی
- بهروز (ذبیح) : تقویم و تاریخ در ایران، تهران ، ۱۳۳۱ ، خورشیدی
- نقیزاده (حسن) : گاهشماری در ایران قدیم، تهران ۱۳۱۷ شمسی
- تیموری(دکتر ابراهیم) : عصری خبری یادوره و آگذاری امتیازات، تهران ۱۳۳۲

روش تحقیق ، تهران ۱۳۴۵	: خواجه نوری (Abbasqoli)
بررسی ستادی ، تهران ۱۳۴۹ خورشیدی	: دانشگاه پدآفند ملی
روش تحقیق ، تهران ۱۳۴۹ خورشیدی	: » » » » »
تحقیق و پایان نامه نویسی ، ترجمه دکتر میر-	: » » » » »
فخر ائم از منابع امریکائی ، تهران ، ۱۳۴۷ شمسی	
تاریخچه ساختمانهای ارک سلطنتی تهران ، از انتشارات انجمن آثار ملی ، تهران	: ذکاء (يحيى)
روضۃ الصفاي ناصری ، چاپ سنگی ، ۱۲۷۴	: رضاقلی خان هدایت
قمی هجری ، تهران	
مبانی و مقدمات تاریخ روابط بین المللی – ترجمه احمد میر فندرسکی ، دانشگاه تهران ،	: رفون و دوروزل
۱۳۵۴ شمسی	
آئین نگارش ارزیابی کتاب ، شیراز ۱۳۴۹	: صادقی (خسرو)
مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی ، از انتشارات انجمن آثار ملی ، تهران ۱۳۵۱	: قائم مقامی (دکتر جهانگیر)
« منابع تاریخ نویسی » ، مجله سخن ، دوره بیست و سوم ، شماره یک ، آذر ۱۳۵۲ شمسی	: » » » » »
« تأثیر تاریخ در روابط ملت‌ها » ، مجموعه سخنرانی‌های نخستین کنگره تاریخ در ایران ، تهران ۱۳۴۷ شمسی	: » » » » »
مسئله هرموز در روابط ایران و پرتغال ، تهران ۱۳۵۴	: » » » » »

- مرتضوی (دکتر جمشید) : ضرورت و فلسفه تاریخ؛ دانشگاه تهران ۲۵۳۶
- شاهنشاهی
- میرزا محمد تقی لسان‌الملک : ناسخ التواریخ ، کتاب قاجاریه ، به تصحیح جهانگیر قائم مقامی، تهران، ۱۳۳۷ شمسی
- میرزا مهدی‌یخان استرآبادی : جهانگشای نادری یه تصحیح عبدالله انوار ، تهران ۱۳۴۱ شمسی
- نبوی (دکتر بهروز) : مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم اجتماعی -چاپ سوم، تهران، ۱۳۵۴
- فتح آبادی (احمد) : تقویم یکصد و پنج‌ساله تطبیقی ، تهران ۱۳۳۴
- همایون (دکتر غلامعلی) : اسناد مصور ازو پائیان از ایران ، از انتشارات دانشگاه تهران دو جلد.
- یاسمی (رشید) : آلین نگارش تاریخ ، تهران ۱۳۱۶ شمسی

ب - منابع خارجي

Aron (Raymond) : Les étapes de la pensée Sociologique, Paris, 1976.

Aron : L'Histoire et ses interpretations Paris, 1967.

Berre (Henri) : La synthèse en histoire, Albin Michel.

Bloch (Camille) et *Renouvin (Pierre)* : Guide de L'étudiant en Histoire Moderne. Paris, 1949.

Couderc (Paul) : Le Calandrier, Paris, 1948.

Huisman (Denis) : Méthode d'écrire de L'Histoire . Bruxelle.

Favier (Jean) : Les Archives, Paris, 1959.

Harsin (P.) : Comment on écrit Histoire.

L'Histoire et ses Méthodes : Paris, 1961.

Mareshal (Paul) : L'initiation à l'histoire. par le document.

Renouvin (Pierre) : Orientation de recherche.

Renouvin (Pierre) et *Duroselle (Jean Baptiste)* : Introduction à l'histoire des relations internationales. Paris, 1970.

Widgery (Albans g.) : Les grandes doctrines de l'histoire, de Confucius à Toynbee. Traduit de l'anglais par Serge Bricianer. Paris, 1961.

فهرست عمومی اعلام

(نام کسان – جاهات – مردمان)

۵۰	اتحاد جماهیر شوروی	۷	
۲۵	اتریش		آرشیدوک شارل
۱۰۲-۸۴	اروپا	۳۵	
۲۵	اروپائی (محققان)	-۱۳۵-۴۱-۳۵-۳۳	آرون Aron
۹۸-۸۴	اروپائی (جهانگردان)	۱۳۸	
۱۳۷-۸۵	اروپائیان		آریان پور (ا.ح)
۶۶	اسکندر بیگ	۱۳۵-۶۳-۵۶-۵۰	آشوری
۱۰۱-۹۸-۷۱-۳۱	اسلام	۸۳	آلبوکرک
۵۳	اصفهان	۳۰	آل عثمان
۳۱	اعرب	۶۶	
۶۶	افشار (ایرج)		الف
۳۲-۱۲	افشار (سلسله)		
۹۱-۱۴	افغانستان	۱۳۵-۶۵-۶۲-۲۸	ابن خلدون
۶۵-۶۲	اقبال (عباس)	۶۱	ابن سينا (كتابخانه)
۱۳۸-۹۸-۳۲	امریکائی	۸۲-۸۱	ابونصر مشکان (خواجہ)

Braun Hogenberg	برون هوگنبرگ	۵۲	امریکائی (محققان)
۸۶		۱۳۵-۸۴	امری فن
Serge Bricianer	بری سبانه	۶۶	امیر کبیر (مؤسسه انتشارات)
۱۳۸		۱۱	انگلستان
Camille Bloch	بلوک (کامیل)	۶۷-۴۲-۱۲-۱۱	انگلیس
۱۳۸		۴۲	انگلیسها
۲۸	بنی اسرائیل	۱۳۷-۶	انوار (سید عبدالله)
	بونصر ر.ک. بهابونصرمشکان	۸۶	ادلزار یوس
۱۳۵-۹۹	بهروز (ذیبح)	۸۱	ایتالیا
۶۵	بهزاد (محمود)	۸۱	ایتالیائی
۴۰	یکن (فرانسیس)	-۶۶-۴۲-۳۲-۳۰-۱۴-۱۱	ایران
۸۲-۸۱-۵۴	یهقی (ابوالفضل)	-۹۸-۹۱-۸۵-۷۱-۶۸-۶۷	
		-۱۳۶-۱۰۳-۱۰۲-۱۰۱	
		۱۳۷	

پ

۸۳	پارسی	۱۲	ایران (ارتش)
۱۳۸-۹۶-۷۶-۱۹	پاریس	۳۴	ایران (انقلاب مشروطه)
۹۵	پاریس (دانشگاه)	۱۰۹	ایران (شرکت سهامی تحریر)
۸۸	پازار گاد (دکتر بهاء الدین)	۹۱-۴۲	ایران (ملت)
-۳۲-۲۳-۲-۱	پدافند ملی (دانشگاه)	۵۱	ایرانی
۱۳۶		۱۰۲-۳۱	ایرانیان
۱۳۶-۳۱-۳۰	پرتفعال	۱۰۵-۱۰۴-۱۰۲-۱۰۱	اوپغوری
۳۰	پرتفعالی ها		
۶۵-۶۱	پرها (سیروس)		
۹۳	N. Perrou		

ب

۸۰	پلوتارک	۸۳	با پلی
۸۰	پوزانیاس	۸۰	بالوز
ت			
۱۳۸-۸۸	تابنی (آرنولد)	۱۳۸ Henri Berre	بر (هانری)
۶۲	تبیریز	۶۲	براهنی (محمد تقی)
		Fernand Braudel	برودل (فرناند)
		۹۲	

۵

۶۵-۶۱	داونر (راپرت)
۳۷-۳۶	دکارت
	دوروزل (پروفسور ژان باتیست)
۱۳۸-۱۳۶-۹۶-۹۵-۹۴	
۶	دهلی
۶۵-۶۱	دیا گونوف (م.)

ذ

۱۳۶-۸۵	ذکاء (یحیی)
--------	-------------

ر

۹۰	راتزل
۶۲	رضوی (مسعود)
-۹۶-۹۴	رنون (پروفسور پیر)
۱۳۸-۱۳۶	
۶۵-۶۱	روحی ارباب
۶۷	روسیه

ز

۳۴-۱۲	زند (دوره)
۱۲	زنده

س

۱۲	ساسانیان
۸۰	سترابون
۵۴-۵۱	سعدی
۷۶	سکنوبوس
۸۶	سلطانیه

۸۲	ترکستان (خانان)
-۱۰۰-۹۹-۹۸	نقی‌زاده (حسن)
۱۳۵-۱۰۲-۱۰۱	
۶۵-۶۲-۶۱-۶۰-۵۳	تهران
۸۵	تهران (ارک سلطنتی)
-۸۵-۶۵-۶۱	تهران (دانشگاه)
۱۳۷-۱۳۶	
۱۳۵-۳۲	تبوری (دکتر ابراهیم)
۲۸	تبه (صحرای)

ج

۱۰۱-۱۰۰-۹۹	جلالی (تفویم)
------------	---------------

ج

۹۱	چین
----	-----

خ

۱۰۱	ختا
۹۹	خراجی (تفویم)
۶۵-۶۲	خسرود (خسرود)
۴۵	خشیبارشا
۸۱	خلیقه
-۳۷-۳۱-۱	خواجه‌نوری (عباسقلی)
۱۳۶-۴۰	

۷۶-۶۵-۶۲-۶۰-۲۳	خیام
۶۲	خیام (کتابفروشی)
۱۱۲-۱۰۸-۱۰۷	خیامی

۱۹	فبور (لوسین)	۸۶	سلطانیه (گنبد)
۸۱-۶۷-۱۱	فرانسه	۸۴	سن اگوستن
۱۹	فرانسوی	۸۳	سومری
۱۳۵-۸۴	فریار (دکتر عبدالله)	۷۶	سوواژه Sauvaget
۸۶	فلاندن	۶۵-۶۱	سباسی (دکتر علی اکبر)
-۶۵-۶۰-۲۳	فولادوند (محمد مهدی)	۱۴	سیستان
۸۲-۷۶		۱۴	سیستان (مردم)

۹۱ فیلیپ دوم

ق

قائم مقامی (جهانگیر) ۱۳۶-۳۱-۶

۱۳۷

۱۲-۶	قاجار یه
۱۰۲-۳۴	قاجار (سلسله)
۱۴-۱۱	قاجار (دوره)
۱۰۱	قیچاق
۸۶	قرзо اوزن (بل)
۶۵-۶۳	قرزوینی (محمد)

ك

۶۱	کاردان (علی محمد)
۳۸	کانت
۷۶	کاهن (کلود)
۸۰	کلبر
۱۳۸	کنفیسیوس
۱۳۸	کودرک (بل)
۸۶	کوست

گ

گلستان (کاخ)

۸۵

۸۶	سن اگوستن
۸۴	سومری
۸۳	سوواژه Sauvaget
۷۶	سباسی (دکتر علی اکبر)
۶۵-۶۱	سیستان
۱۴	سیستان (مردم)
۱۴	

ش

شاردن (شوایله)
شام

ص

صادقی (خسرو)
صفا (دکتر ذبیح الله)
صفوی

ع

عباس (شاه)
عثمانی
عرفان (محمود)
عمر خیام
علی‌امی

غ

غزنوی (سلطان مسعود)

ف

فاویه (ڈان)

۱۳۸-۸۱

ل

۲۸	موسی
۱۳۷-۶	مهديخان استرآبادی (ميرزا)
۳۲	مير فخرائي (دكتر)
۱۳۶-۹۴	مير فندرسكي (دكتر احمد)
۱۳۸	ميشل (آلين)

۸۴	لاروس
۱۳۷-۶	لسان انملک (ميرزا محمد تقى)
۸۰	لوئی چهاردهم
۸۰	لوسيين

ن

۴۵	نادرشاه
۵۱	ناصر خسرو
۱۳۷-۴۲-۲	نبوي (دكتر بهروز)
۱۳۷-۱۰۹	نجم آبادی (احمد)
۶۵-۶۱	نصيرالدين طوسی (خواجه)
۴۳	نيچه
۱۳۵-۳۵	نيك گهر (دكتر)

و

۱۳۸	ويجري (آلين)
-----	--------------

ه

۱۳۸	هارسن (پ)
۶۰	هالبداكس (موريس)
۱۴	هامون (دریاچه)
۱۳۶-۶	هدایت (رضاقلی خان)
۱۳۶-۳۱-۳۰	هرمز (جزیره)
۷۸	هرودوت
۵۳-۲۸-۳۷	هگل
۵۳	هه گل
۱۳۷-۸۵	همايون (دكتر غلامعلی)
۹۱-۴۵	هندوستان

م

۱۲	مادها
۱۳۸	مارشال (بل)
۹۹	متوكلى (تفوييم)
۱۰۳-۱۰۲	مجلس شوراي ملي
۶۵-۶۲	محجوب (دكتر محمد جعفر)
۹۱	مدبرانه
۱۳۷-۲	مرتضوي (دكتر جمشيد)
۷۶	مسلمان (کشورهای شرقی)
۲۸	مسعودي
۸۱-۵۴	مسعود غزنوي (سلطان)
۱۰۲	مسیحی (گاهشماری)
۱۰۲	مسیحی (ملل)
۸۴	مسیحیان
۴۲	مشروعه (فرمان)
۲۸	مصر
۶۳-۶۲	مصطفطفی رجالي (سبعين)
۴۲	مظفر الدین شاه
۹۹	معتصدی (تفوييم)
۶۱	معین (دكتر محمد)
۷۱	مغول
۹۹	ملکشاه سلجوقی (سلطان)
۸۱	موراتوري (آنتونيو)

۵		۱۴۸	هوئیمان (دنس)
۱۳۷-۸۲-۳۷-۱	یاسمی (رشید)	۶۰	هوشیار (محمد باقر)
۹۹	بزدگردی (نقویم)	۸۳	هیتی
۴۵	یونان	۱۴	هیرمند

فهرست انتشارات دانشگاه ملی ایران

شماره انتشار	نام کتاب	نام مؤلف یا مترجم	قیمت
۳۰/۲	جنین شناسی انسان	دکتر رضا سلطانی نسب	۸۰۰ ریال
۳۱	مسائلی چند درباره روانشناسی هیونیزم دکتر سیروس عظیمی	X ریال	
۳۲	روشهای آماری چاپ اول	مهندس ضیاء موجدی	ریال
۳۳	هنر ایران	دکتر بهروز حبیبی	ریال +
۳۴	روانشناسی جنائی	دکتر سعید حکمت	۱۲۰ ریال
۳۵	روانشناسی معلم	دکتر سیمین مصطفوی رجالي	X ریال
۳۶	روشهای آماری	مهندس موجدی	۱۸۸ ریال
۳۷/۲	آثار باز مانده از ری قدیم	دکتر حسین کریمان	۲۰۰ ریال
۳۸/۲	شهر و شهرسازی	دکتر منوچهر مزینی	۱۹۰ ریال
۳۹/۲	سیماهی شهر	دکتر منوچهر مزینی	۱۷۰ ریال
۴۰	اکوستیک در معماری	دکتر غلامعلی لیاقتی	۴۳۰ ریال
۴۱	قارچهای محیط ما	دکتر معصومه منتخب الاباله	X ریال
۴۲	اساس فیزیک مدرن	دکتر کامبیز سینا	۱۳۸ ریال
۴۳	حقوق جزای عمومی جلد اول	دکتر پرویز صانعی	۱۴۶ ریال
۴۴/۲	از سقراط تا ارسطو	دکتر شرف الدین خراسانی شرف	۲۲۰ ریال
۴۵/۲	مبانی علم اقتصاد	دکتر منوچهر فرهنگ	۴۶۲ ریال
۴۶	چگونگی تفسیر رادیو گرافی دهان	دکتر اکبر دارابی	۱۲۴ ریال
۴۷	سقنهای گنبدی آجری	دکتر زاره گریگوریان	X ریال
۴۷	اصول مقدماتی شیمی و بیوشیمی	دکردانیال زاده دکتر آریانی نژاد	۲۱۲ ریال
۴۹	نور و فیزیولوژی	دکتر محسن شکوهی نژاد	۱۶۰ ریال
۵۰	سقنهای کابلی	دکر زاده گریگوریان	X ریال
۵۱	ری باستان	دکر حسین کریمان	۲۸۰ ریال
۵۲	میکروویولوژی	دکر منوچهر دزفولیان	۱۸۶ ریال
۵۳	معماری مرحله تحول	مهندس محمود رازجویان	۱۷۶ ریال
۵۴/۲	حقوق جزای عمومی (جلد دوم)	دکر پرویز صانعی	۱۷۰ ریال
۵۵	فلسفه معاصر اروپائی	دکتر شرف الدین خراسانی شرف	۲۴۸ ریال
۵۶/۲	مسائلی چند در تعلیم و تربیت	اختن بر قائمی کرمانی (منظوری)	۱۱۰ ریال
۵۷	جغرافیای شهری	دکر گنجی اعتماد	۱۱۸ ریال

۵۲۰	دکتر جعفر نیا کی	۵۲۰ ریال	حقوق سازمانهای بین الملل	۵۸/۲
۱۳۸	دکتر محمد جعفری جعفری لکنگرودی	۱۳۸ ریال	عقد حواله	۵۹
۲۵۶	دکتر احمد میر باقری	۲۵۶ ریال	جبر خطی و ماتریسها	۶۰
۹۶	دکتر محمود کاشانی	۹۶ ریال	نظریه تقلب نسبت به قانون	۶۱
۲۱۰	دکتر پرویز صانعی	۲۱۰ ریال	حقوق جزای عمومی جلد سوم	۶۲/۲
۱۳۰	دکتر جاوید صلاحی	۱۳۰ ریال	کفر شناسی	۶۳
۴۷۰	علی اصغر شیمی	۴۷۰ ریال	نکنولوژی حریق	۶۴
۱۴۶	دکتر مرتضی محسنی	۱۴۶ ریال	کلیات حقوق جزا	۶۵
۱۶۸	دکتر علی اکبر فرزام پور	۱۶۸ ریال	نمونههای از نظم و نشر فارسی	۶۶
۲۴۸	دکتر شرف الدین خراسانی شرف	۲۴۸ ریال	فاسقه معاصر اروپائی	۶۷/۲
۱۴۶	دکتر فرهنگ زارع دکرسعید ثابتی	۱۴۶ ریال	فوردسپس واکوئوم اکستراکتر	۶۸
۱۳۰	دکتر شرف الدین خراسانی شرف	۱۳۰ ریال	ازبرونوتا هاگل	۶۹
۱۸۸	مهندس ضیاء موجدی	۱۸۸ ریال	روشهای آماری	۷۰/۳
۱۳۰	دکتر نجادعلی الماسی	۱۳۰ ریال	واقعت و حقوق	۷۱
۲۷۰	دکتر رضا مظلومان	۲۷۰ ریال	جرم شناسی	۷۲
۴۰۰	دکتر تاجبخش	۴۰۰ ریال	تاریخ فرهنگ و تمدن ایران	۷۳
۱۷۵	دکتر پرویز صانعی	۱۷۵ ریال	حقوق و اجتماع	۷۴
۲۰۶	دکتر حسینعلی مت宦	۲۰۶ ریال	راز بقای تمدن و فرهنگ ایران	۷۵
۲۵۵	غلامعلی همایون	۲۵۵ ریال	کورش کبیر در آثار هنری اروپائیان	۷۶
۲۷۰	منوچهر ثقیقی	۲۷۰ ریال	پدیده‌های انقلاب	۷۷
۸۰۰	دکتر حسین کریمان	۸۰۰ ریال	تهران در گذشته و حال	۷۸
۵۰۰	آرمانهای انسانی در فرهنگ و هنر ایران رحمت الله مهراز	۵۰۰ ریال	آرمانهای انسانی در فرهنگ و هنر ایران رحمت الله مهراز	۷۹
۲۶۰	دکتر منوچهر فرهنگ	۲۶۰ ریال	پژوهشی در برنامه ریزی سوسیالیستی	۸۰/۲
۴۳۰	دکتر عزت الله عراقی	۴۳۰ ریال	حقوق کارجلداول	۸۱
۳۱۵	دکتر عزیز الله بیات	۳۱۵ ریال	کلیات تاریخ ایران	۸۲
۳۴۰	دکتر جلال الدین مدنی	۳۴۰ ریال	آئین دادرسی مدنی	۸۳
۱۶۵	عباس جعفری	۱۶۵ ریال	نقشه برداری	۸۴
۹۵	دکتر ایرج بهرامی	۹۵ ریال	اصول شرکهای تعاونی	۸۵
+	دکتر معیلی و دکتر خطیبی	+ ریال	مامائی و بیماریهای زنان	۸۶
۳۴۰	دکتر رامین - دکتر مدنی	۳۴۰ ریال	چشم پزشکی	۸۷
۳۱۲	دکتر حسینعلی مت宦	۳۱۲ ریال	کلیات تاریخ عمومی	۸۸
۱۴۵	دکتر امیر باقر مدنی	۱۴۵ ریال	چین پس از بیست سال	۸۹
۱۱۰	دکتر حبید بهزادی	۱۱۰ ریال	قدرتهای بزرگ و صلح بین الملل	۹۰
۲۶۰	مورخ الدوله سپهر	۲۶۰ ریال	ایران در جنگ دوم	۹۱
۵۸۰	پروفسور منوچهر حکیم	۵۸۰ ریال	کالبد شناسی	۹۲
۲۰۰	دکتر حسین رضوی	۲۰۰ ریال	اقتصاد سنجی	۹۳
۳۶۶	دکتر منوچهر بهرامی	۳۶۶ ریال	ریاضیات عمومی	۹۴

۹۵	آمار مقدماتی	
۹۶	روانشناسی صنعتی	
۹۷	چگونه سریعتر و کاملتر مطالعه کنیم	
۹۸	مقالاتی در باب شهر و شهرسازی	
۹۹	ترمودینامیک ماکروسکوپی	
۱۰۰	جامعه‌شناسی جنگ	
۱۰۱	فرهنگ و اصطلاحات پزشکی	
۱۰۲	تاریخ عقاید اقتصادی	
۱۰۳	پژوهشکی قانونی	
۱۰۴	تحقیقات جنائی	
۱۰۵	خسروانو شیروان در ادب فارسی	
۱۰۶	داستانهای ایرانی (آورده اندکه)	
۱۰۷	رادیو بی‌بی‌سی	
۱۰۸	حشره‌شناسی عمومی	
۱۰۹	مجموعه سخنرانی‌های هفتمین کنگره تحقیقات ایرانی جلد اول	
۱۱۰	منشاء الانشاء	
۱۱۱	معماری ایران در عصر پهلوی	
۱۱۲	حدیث نادرشاهی	
۱۱۳	حقوق کار جلد دوم	
۱۱۴	آناتومی عمومی و جراحی دست	
۱۱۵	مبانی علم سیاست	
۱۱۶	اصول علم مارکینگ	
۱۱۷	مجموعه سخنرانی‌های هفتمین کنگره تحقیقات ایرانی جلد دوم	
۱۱۸	تاریخ عقاید اقتصادی جلد دوم	
۱۱۹	تاریخ دودمان غوری	
۱۲۰	تنگ لوش	
۱۲۱	انگلستان و نظام پولی جهان	
۱۲۲	روشهای اساسی تحقیق درسلامت دهان و دندان	
۱۲۳	آئین دادرسی مدنی جلد دوم	
۱۲۴	بیماریهای انگلی انسان (۱)	
۱۲۵	« « « (۲)	
۱۲۶	همایون نامه ۵ گنج عmad قیه	
۱۲۷	مجموعه سخنرانی‌های هفتمین کنگره تحقیقات ایران جلد سوم	

۱۲۸	ایران از اسلام تا دیالمه	
۱۲۹	تاریخ اجتماعی هنر	
۱۳۱	درآمد ملی و تحلیل اشتغال	
۱۳۲	تاریخ روابط بین المللی جلد اول	
۱۳۳	روانشناسی	
۱۳۴	بهداشت عمومی حمایت گروههای آسیب پذیر دکتر اعتمادیان	
۱۳۵	نقش اصلاحات ارضی در توسعه اقتصاد دکتر اسراری	
۱۳۶	تاریخ روابط بین الملل جلد دوم	
۱۳۷	شهرسازی در عقب مانندگی	
۱۳۸	توسعه و توسعه نیافنگی	
۱۳۹	عقد کفالت	
۱۴۰	مجموعه سخنرانهای همین کنگره تحقیقات ایران جلد چهارم	
۱۴۱	مفهومهای اصلی جبرنو	
۱۴۲	اقتصاد نفت	
۱۴۳	مکانیک	
۱۴۴	الکتروولیتها و آب	
۱۴۵	کرم شناسی عملی	
۱۴۶	تضاد عدمه عصر حاضر	
۱۴۷	یماریهای گوش و حلق و بینی و خنجره	
۱۴۸	برای پرستاران	
۱۴۹	پژوهشی در اندیشه‌های ابن خلدون	
۱۵۰	النصوص تاریخچه	
۱۵۱	روانشناسی کیفری	
۱۵۲	جلبلک شناسی	
۱۵۳	شرکت‌های چندملیتی و استقلال ملی نمونه شبیلی	
۱۵۴	جرائم عومنی	
۱۵۵	درآمدی برآواشناسی	
۱۵۶	روش تحقیق در تاریخ نگاری	
۱۵۷	جرائم نوزاد	

۱ - کتابهایکه باعلامت × مشخص گردیده فعل نایاب است

۲ - کتابهایکه باعلامت + مشخص گردیده در جریان چاپ میباشد

بها : ١٨٠ ريال